آداب معاشرت

از دیدگاه معصومین علیهم السلام

شیخ حُر عاملی



ترجمه

محمد علی فارابی

یعقوب عباسی علی کمر

بسم الله الرحمن الرحیم

آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام

نویسنده:

محمد بن حسن حر عاملی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ق.

عنوان قراردادی : وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. برگزیده. فارسی.

عنوان و نام پدیدآور : آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهم السلام / حر عاملی ؛ ترجمه محمدعلی فارابی، یعقوب عباسی علی کمر.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۱۹ ص.

شابک : ۱۷۵۰۰ریال: چاپ اول: ۹۶۴-۹۷۱-۰۱۹-۱ ؛ ۱۳۲۰ریال (چاپ دوم) ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ پنجم) ؛ ۸۵۰۰ ریال (چاپ ششم) ؛ ۱۹۰۰۰ ریال: چاپ دهم ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۱-۱۵۴-۶ : ؛ ۱۹۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۱-۱۲۸-۷

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ نهم)

یادداشت : چاپ اول: ۱۳۶۹(فیپا).

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۷۲.

یادداشت : چاپ دوم و پنجم: ۱۳۸۰ .

یادداشت : چاپ چهارم: ۱۳۷۹.

یادداشت : چاپ ششم: ۱۳۸۲.

یادداشت : چاپ چهارم: ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ هشتم: ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ نهم.

یادداشت : چاپ دهم: ۱۳۸۶.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ق.

موضوع : اخلاق اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع : آداب معاشرت

شناسه افزوده : فارابی، محمدعلی، مترجم

شناسه افزوده : عباسی علی کمر، یعسوب، مترجم

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۳۵/ح ۴و۵۰۴۲۷ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۰-۳۵۰۷

ص:۱

اشاره

شیخ حرّ عاملی

آداب معاشرت

از دیدگاه معصومین

ترجمه

محمّد علی فارابی - یعسوب عبّاسی علی اکبر

سخن ناشر

یکی از مهم ترین وظایف مسلمانان پاسداری از سنت، آثار و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام شما است. خوشبختانه در طول تاریخ پر افتخار شیعه، عالمان بزرگ و محدثان گرانقدری بوده اند که برای انجام دادن این وظیفه مقدس آستین همت بالا زده و با رنج فراوان احادیث و روایات را گردآوری و تقسیم بندی نموده اند. اینان گونه های مختلف حدیث همچون صحیح، حسن، موثق، ضعیف، ساختگی و دیگر مشخصات آن را تعریف کردند و در این زمینه آثار گرانسنگی از خود به یادگار گذاشتند.

یکی از بزرگانی که در گردآوری و نشر احادیث جایگاه والایی دارد و آثار مکتوب او سالیان دراز توجه محافل علمی و حدیثی را به خود جلب کرده، مرحوم علامه شیخ حر عاملی است. در میان آثار این علامه بزرگ، کتاب ارزنده او به نام: وسائل الشیعه بیش از همه خودنمایی می کند و چنانچه خواننده گرامی اندک سر و کاری با حدیث داشته باشد بی گمان با این کتاب ارزشمند آشنایی دارد

وسائل الشیعه در چندین بخش و با عناوینی همچون کتاب الصلاه ، کتاب الصوم

و ... تنظیم شده است. یکی از این عناوین کتاب الحج است که باب ها و عنوانهای بسیاری دارد و یکی از آنها « ابواب احکام العشره» است که آخرین بخش از جلد هشتم کتاب وسائل را تشکیل می دهد.

خواننده گرامی! کتابی که هم اینک با عنوان: آداب معاشرت فراروی شماست، ترجمه همان «ابواب احکام العشره» است. لیک از آنجا که در این ابواب پیرامون آداب معاشرت

سخنی گفته می شود، برای چاپ فارسی آن عنوان آداب معاشرت برگزیده شد.

از آنجا که بنیاد پژوهشـهای اسـلامی آستان قدس رضوی، نشر آموزه ها، رهنمودها و سخنان گهربار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسـلم نیه و اهل بیت پاک او را در شـمار وظایف خود می داند، بر آن شد که این کتاب را به دست چاپ و نشر بسپارد. خوشـبختانه، به دلیل عشق مردم به سـخنان و انـدرزهای معصومان علیهم السـلام از این کتاب با اسـتقبال فراوان روبه رو شـد و بارها به چاپ رسـید. اینک به یاری خداوند و عنایات امامان پاک علیهم السلام ناپ چاپ دهم آن با ویرایش جدید در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ص:۱۰

سرآغاز

حمـد و سـتایش خداونـدی را سـزاست که پیامبران را فرسـتاد تا بشـر را از گمراهی و نادانی رهایی بخشـند و به سوی کمال و سعادت ابدی رهنمون شوند.

درود بی پایان بر همهٔ پیامبران خاصه بر سرور کاینات، حضرت محمد و اهل بیت گرامی او باد.

انسان همواره در زندگی جویای خوشـبختی بوده و در راه رسـیدن به کمال تلاش کرده است و پیوسـته در پی راهنما و رهبری بوده است که در دریای متلاطم زنـدگی از گرداب بلا و هلاکت رهایی اش بخش و او را به ساحل سـعادت برسانـد. پیامبران، مبلغان ادیان توحیـدی انـد که قوانین الهی از طریق وحی بر آنان نازل شـده است و پیامبر گرامی اسـلام آخرین رسول و کتاب مقدسش قرآن، آخرین کتاب آسمانی برای راهنمایی بشر است.

اطمهٔ اطهار حاملان رسالت و قافله سالاران انسان هایند که آنان را در همهٔ ابعاد زندگی دنیوی و اخروی هدایت کرده اند.

علمای بزرگ اسـلامی نیز در گردآوری و اشاعـهٔ احادیث پیامبر اکرم و اطمـهٔ اطهاردر طی قرون متمادی رنج های فراوان برده اند.

از جمله کتـاب هـای مربوط به احادیث اسـلامی، کتاب وسائل الشـیعه تألیف مرحوم علامه شـیخ حُرّ عاملی دانشـمند بزرگ و جلیـل القـدر قرن یـازدهم هجری اسـت که بـا جمـع آوری احـادیث نبـوی و اطمـهٔ طـاهرین چراغی فروزان فراراه انسـان هـای خداجوی و دانشمندان اسلامی قرار داده و قرن هاست که بزرگان علم و ادب از این مشعل فروزان

ص:۱۱

بهره مند هستند.

ترجمهٔ ابواب احکام العشره از کتاب حج وسائل الشیعه که حاوی احادیث فقهی و اجتماعی و اخلاقی است در گروه حدیث بنیاد پژوهش های اسلامی به کوشش آقایان محمد علی فارابی و یعسوب عباسی علی کمر انجام شده است. امیدواریم این تلاش علاقه مندان را سودمند افتد و مورد قبول پروردگار قرار گیرد.

تذکّر:

برای رعایت امانت مآخذی که در پاورقی وسائل الشیعه ذکر شده عیناً یادداشت شده این تلاش، اگر چه جلد و صفحات کتاب های مزبور با مجلّداتی که اخیراً چاپ شده و در دسترس عموم است تطبیق نمی کند. در صورت تمایل؛ اطلاع از طبعِ مآخذ می توانند به جلد بیستم وسائل، صفحات ۳۶ تا ۴۹ مراجعه فرمایند.

ص:۱۲

اجمالی از شرح حال شیخ حرّ عاملی

محمد بن حسن معروف به شیخ حرّ از معاریف دانشمندان شیعی است که در شب جمعه ۸ رجب سال ۱۰۳۳ هجری قمری در قریهٔ «مَشْغری»(۱)

از قرای جبل عامل (بخشی از لبنان) تولد یافت. این قریه «جُبَع»(۲) و «جِزین»(۳)

که در نزدیکی یکدیگر واقعند از بلاد قدیمی شیعه نشین به حساب می آیند.

شیخ حرّ عاملی از خاندان علمی بزرگی است که در این ولایت می زیسته و نسب وی به حرّ بن یزید ریاحی (صحابی معروف سیدالشهدا) می رسد. نامبرده پس از دوران کودکی و آموزش خط و تعلیم قرآن شریف و مقدمات، نزد پدر و عمو و جدّ مادری خود و جمعی دیگر به کسب دانش پرداخت، آن گاه به قریهٔ «جُبَع» که در نزدیکی «مَشْغَری» است رهسپار شد و نزد علمای این بلاد کسب علم کرد و بر این منوال چهل سال در این بلاد اقامت و به استفاده و افاده اشتغال داشت، و طیّ این مدت دوباره به حج مشرّف شد، و سپس به قصد زیارت عتبات عالیات و مرقد منوّر حضرت رضابار سفر بست و در جوار حضرتش رحل اقامت افکند.

سبب این مهاجرت ذکر نشده ولی آنچه مسلّم است دوران عمر شیخ مصادف با فروزنده ترین اوقات حکومت سلسله صفوی در ایران است که علاوه بر رسمیت

۱- مَشْغری به فتح میم و سکون شین و فتح غین و الف مقصوره.

۲- جُبَع: به جیم مضمومه و باء مفتوحه.

۳- جِزین: به کسر جیم و زاء مکسوره.

دادن به تشیّع در این کشور، خود به حمایت و پرورش علمای مذهبی همت می ورزیدند. از طرفی شیعیان در نواحی سوریه و لبنان در زیر فشار متعصّبان روزگار می گذراندند، و در آن زمان به سبب رقابت بین سلسله صفوی و سلاطین عثمانی دامنهٔ اختلافات مذهبی بالا گرفته بود. لذا بعید نیست که اختناق موجود در آن بلاد و آزاد گذاشتن و تشویق علما و قدردانی از علم در ایران باعث شده باشد شیخ برای همیشه اقامت در مشهد را بر وطن مألوف ترجیح دهد.

شیخ در این استان رحل اقامت افکند و به افاده و نشر احادیث همت گماشت و شاگردانی تربیت کرد. وی در زمان اقامت در مشهد دو سفر دیگر به حج رفت.

تألیفات شیخ

شیخ بالغ بر بیست رساله و کتاب نوشته که از آن جمله وسائل الشیعه است. این کتاب از حدود هفتاد کتاب جمع آوری شده و اخیراً در بیست جلد در ایران و بیروت به چاپ رسیده است. شیخ با تألیفات وسائل که بالغ بر بیست سال به طول انجامید کار استنباط احکام را بسی آسان ساخت و از این جهت حق بزرگی بر مکتب فقهی شیعه دارد.

شیخ در فقه و رجال و ریاضیّات عالمی متبحّر بوده کتاب هایی تألیف کرده، و نیز از شعر بهرهٔ وافی داشته است. مجموع اشعار وی بالغ بر بیست هزار بوده است. وی از قریحهٔ ادبی خود در علوم استفاده کرده و منظومه هایی در فنون مختلف سروده است که از آن جمله می توان به منظومه ای در زکات، منطومه ای در هندسه، و منظومه ای در تاریخ پیغمبر و ائمه اشاره کرد.

وفات شیخ در سال ۱۱۰۴ هجری روی داد و آرامگاهش در جوار مرقد منوّر علی بن موسی الرضا در یکی از حجرات تحتانی مدرسهٔ میرزا جعفر می باشد.

ص:۱۴

آداب معاشرت در سفر و حضر

۱- لزوم معاشرت با مردم از طریق ادای امانت

، اقامهٔ شهادت و راستگویی و ... همچنین در استحباب عیادت مریض و شرکت در تشییع جنازه، و خوشرفتاری نسبت به همسایگان و خواندن نماز در مسجد

۱- معاویه بن وهْب گوید: به امام صادق عرض کردم: با بستگان و سایر مردم چگونه رفتار کنیم؟

امام فرمود: امانت را به آنان برگردانید، و (به حق) شهادت دهید: چه به نفع آنان باشد یا به ضررشان، و از بیماران آن ها عیادت کنید، و در تشیع جنازهٔ مردگانشان شرکت نمایید(۱).

۲- ابی اُسامه زید شَحّام گوید: امام صادق به من فرمود: به آنان که از من اطاعت و به سخنانمن عمل می کنند سلام برسان و به آن ها بگو: شما را به تقوای خدای عزّوجلّ، پرهیزگاری در دین، کوشش در راه خدا، راستی در گفتار، برگرداندن امانت به صاحبانش، سجدهٔ طولانی، و خوش رفتاری نسبت به همسایگان سفارش می کنم، زیرا حضرت محمّد به همین منظور مبعوث شده است. و به کسانی که به شما اعتماد می کنند چه نیکوکار باشند یا بدکار، امانت را برگردانید، زیرا رسول خدا حتّی به ادای سوزن [که ظاهراً کم ارزش می باشد] فرمان داده است. صلهٔ رحم به جا آورید و در

تشییع جنازه شرکت کنید و به عیادت بیمار بروید و ادای حقوق نمایید، زیرا به کسی از شما می توان جعفری مذهب گفت که در دینش متّقی، و درست گفتار و

۱- اصول کافی، ص ۶۰۸ (باب ما یحب من المعاشره).

امانت دار و با مردم خوش خو باشد. چنین شخصی با این گونه کارهایش مرا مسرور می سازد، و این است روش و آیین جعفری.

اگر شیعهٔ ما دارای این صفات نباشد برایم مایهٔ اندوه وننگ است، و مردم می گویند: این است آیین جعفر صادق. به خدا سوگند پدرم [امام باقر به من فرمود: کسی از پیروان حضرت علی زینت قبیله است که از همه کس بیش تر ادا کنندهٔ امانت، برآورنده حقوق، و صادق در گفتار و امانت باشد به گونه ای که اگر از هر کس دربارهٔ او سؤال شود بگویند مانند فلانی باید بود، زیرا از ما امانت دارتر و درست گفتارتر است(۱).

۳- معاویه بن وهب گوید: به امام صادق عرض کردم با بستگان و کسانی که با آن ها معاشرت داریم ولی بر مذهب ما نیستند چگونه رفتار کنیم؟

امام فرمود: به پیشوایانتان که از آن ها پیروی می کنید بنگرید و بدان گونه که آن ها رفتار می کنند عمل نمایید. سوگند به خدا پیشوایان شما از بیماران آن ها عیادت می کردند و در تشییع جنازهٔ آن ها حاضر می شدند و اقامهٔ شهادت می کردند، به نفع یا به ضرر آن ها، و امانت را به آنان برمی گرداندند(۲).

حبیب خَثْعَمِی گوید: امام صادق به من فرمود: بر شما باد به اجتناب از معاصی، و تلاش و کوشش، و حضور در تشیع جازه ها و عیادت بیماران، و حضور در مساجد با سایر مردم. دوست بدارید برای مردم آنچه را برای خودتان دوست می داریم. آیا شرمسار نیست کسی از شما که همسایه اش حقّ او را بشناسد ولی او حقّ همسایه اش را رعایت نکند؟(۳).

۱- اصول کافی، ص ۶۰۸ (باب ما یحب من المعاشره).

۲- اصول کافی، ص ۶۰۸ (باب ما یحب من المعاشره).

۳- اصول کافی، ص ۶۰۸ (باب ما یحب من المعاشره).

۵- مُرازم گویـد: امـام جعفر صـادق فرمود: در مساجـد نمـاز بخوانیـد، با مردم خوش رفتاری کنیـد، (برای اثبات حق) شـهادت بدهیـد، و در تشییع جنـازه شـرکت کنیـد، زیرا شـما نـاگزیر به مردم نیازمندیـد، و هیـچ کس در زنـدگی اش از مردم بی نیـاز نیست(۱).

۶- عبـدالله بن سـنان گوید: از امام صادق شـنیدم که می فرمود: شـما را به تقوای الهی سـفارش می کنم، مردم را بر خود چیره نگردانیـد که خـوار می شویـد. همانـا خـدای عزّوجـلّ در قرآن کریم می فرمایـد: «بـا همـهٔ مردم به خـوبی گفتگـو و معاشـرت کنید»(۲).

سپس فرمود: از بیماران آنان عیادت کنید، در تشـییع جنازه شان حاضـر شوید، و شـهادت بدهید اگر چه به نفع یا به ضـررشان باشد. با مردم در مساجدشان نماز بگزارید تا آنچه میان شما و آنان متفاوت است مشخّص شود(۳)

.

۷- خَیثَمه گوید: امام صادق به من فرمود: سـلام مرا به دوستان ما برسان و آن ها را به ترس از خدا و عمل صالح سفارش کن. افراد تنـدرست از بیماران عیادت کنن، ثروتمنـدان فقیران را مورد توجّه قرار دهنـد، در تشـییع جنازهٔ مردگان حاضـر شونـد، به خـانه های یکـدیگر برونـد، و در امور دین با یکـدیگر مـذاکره کنن، زیرا رعایت این امور باعث جاودانگی دسـتورات ماست. خداونـد رحمت کنـد بنـده ای را که دسـتورات ما را زنـده نگه دارد. ای خیثمه آنان را آگاه کن که تنها چیزی که انسان را از غیر خـدا بی نیاز می کنـد کار شایسـته و پسـندیده است، زیرا به ولایت و دوستی ما نایل نمی شوند مگر با ورع و پرهیزگاری. معذّبترین مردم در روز قیامت کسی است که عدالت و حقّ را بستاید و سپس خلاف آنچه می گوید عمل کند(۴).

۱- اصول کافی، ص ۶۰۸ (باب ما یحب من المعاشره).

۲-)وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لا تَعْبُدُونَ إِلا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلا قَلِيلا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ(، بقره / ۸۳.

۳- سرائر، ص ۴۷۵؛ محاسن برقی، ص ۱۸.

۴- سرائر، ص ۴۸۷.

۸ – کثیر بن علقمه گوید: به امام صادق عرض کردم مرا نصیحت فرمایید. فرمود: تو را به تقوای الهی، پارسایی، عبادت، طول سجده، برگرداندن امانت، راستی در گفتار و خوش رفتاری نسبت به همسایگان سفارش می کنم، زیرا حضرت محمدبرای همین منظور مبعوث شده است. با خویشاوندان پیوند داشته باشید، از بیمارانتان عیادت کنید، در تشییع جنازۀ مردگانتان حاضر شوید و زینت و افتخار ما باشید نه مایۀ ننگ ما. با اعمالتان ما را در نزد مردم عزیز و محبوب گردانید و آن ها را دشمن ما نسازید. همۀ دوستی ها را به سوی ما جلب و هرگونه بدگویی را از ما دفع کنید(۱).

امام صادق از حضرت علی روایت می فرماید: باید در قلب تو نیاز به مردم و بی نیازی از آنان جمع شود. نیاز تو به آن ها در نرمی گفتار و خوش رفتاری، و بی نیازی تو از آن ها در پاکدامنی و پایداری عزّت توست(۲).

ابو اُسامه گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: پیشه کنید تقوای الهی و پارسایی، تلاش و کوشش کنید، راستگو باشید، امانت را به صاحبانش برگردانید، و با همسایگان خوش خو و خوش رفتار باشید. زینت و آبروی ما باشید نه باعث بی آبرویی ما(۳).

۲– باب استحباب خوش رفتاری با مردم و همسایگان

۱– امام باقر فرمود: ادر می توانی بر کسانی که با آن ها معاشرت می کنی تفوّق داشته باشی، این کار را بکن(۴).

۲– امام جعفر صادق فرمود: خود را برای خوش رفتاری با هم نشین خویش آماده

۱– سرائر، ص ۴۸۷.

۲– معانی الاخبار، ص ۷۷؛ از کافی، ج ۴، استخراج کرده است.

۳– محاسن برقی، ص ۱۸.

۴– اصول کافی، صفحات ۶۰۹ و ۶۲۵.

کن؛ خلق و خویت را نیکو گردان، زبانت را نگه دار، خشـمت را فرو بر، سخنان بیهوده را رها کن، عفو را پیشه ساز و بخشنده باش(۱).

۳- ابو ربیع شامی گوید: به حضور امام صادق رسـیدم در حالی که خانه پر از جمعیّت بود، فرمود: ای شیعیان آل محمّد، آگاه باشید از ما نیست کسی که هنگام خشم بر خود مسلّط نباشد، کسی که با یارانش به خوبی رفتار نکند و به آنان که با او خوش اخلاقی کرده اند خوش خلقی نشان ندهد، با هم نشـینانش به خوبی معاشـرت نکند و نسبت به همسایگان خوش رفتار نباشد و رعایت نمک خوارگی را ننماید(۲).

۴- امام باقر فرمود: زایر خانهٔ خدا اجر و پاداشـی ندارد اگر این سه خصلت در او نباشد: ۱) تقوایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد ۲) حلمی که به وسیلهٔ آن جلو غضبش را بگیرد ۳) با هم نشینان به خوبی رفتار نکند(۳).

۵- امام صادق فرمود: پـدرم می فرمود: زیارت کنندهٔ خانه خدا پاداش ندارد وقتی که سه خصـلت در او نباشد: ۱) خُلقی که با دوسـتش بتوانـد به خوبی رفتار کند ۲) حلـم و بردربـاری که بـا آن جلـو خشـم خـود را بگیرد ۳) تقـوایی که او را از ارتکـاب محرّمات الهی باز دارد(۴).

۶- امام صادق فرمود: از مروّت نیست که انسان آنچه را در سفر از خوبی و بدی هم سفر می بیند بازگو کند(۵).

۷- عمّار بن مروان گوید: امام جعفر صادق مرا نصیحت کرد و فرمود: تو را به

۱- اصول کافی، ص ۲۴۵.
۲- اصول کافی، صفحات ۶۰۹ و ۲۴۵؛ المحاسن، ص ۳۷۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۸.
۳- اصول کافی، ص ۲۴۴؛ الخصال، ج ۱، ص ۷۲.
۴- اصول کافی، ص ۲۴۴ یب، ج ۲، ص ۵۷۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸.
۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۸؛ محاسن برقی، ص ۳۵۸.

پارسایی، برگرداندن امانت به صاحبانش، راستگویی، و خوش رفتاری با هم نشین سفارش می کنم، و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر از آنِ خدا(۱).

مُفَضّلَ بن عمر گوید: به خدمت امام جعفر صادق رسیدم، به من فرمود: چه کسی با تو هم نشین است؟ عرض کردم مردی از برادران ایمانی من. فرمود: چه کار می کند؟ گفتم از موقعی که با او آشنا شده ام جایش را نمی دانم. به من فرمود: آیا نمی دانی کسی که چهل قدم با مؤمنی همگام باشد خدا از حقّ او در روز قیامت سؤال می کند؟(۲)

امام صادق از پدرانش نقل کرده است: رسول خدا فرمود: هر کس سه خصلت در او نباشد عملش کامل نیست: ۱) تقوایی که او را از معصیت خدا باز دارد ۲) خُلق و خویی که با مردم مدارا نماید ۳) بردباریی که جهالت نادان را با آن برطرف سازد(۳).

سیّد رضی در نهج البلاغه از حضرت امیرالمؤمنین نقل می کند که آن حضرت فرمود: چنان با مردم معاشرت کنید که اگر بمیرید بر شما بگریند و اگر از آن ها دور شدید مشتاق دیدار شما باشند(۴).

۳ – چگونگی معاشرت با دوستان مختلف

۱– امام جوا د فرموده است: مردی در بصره در حضور حضرت علی بلند شد و عرض کرد: دربارهٔ [اقسام] دوستان ما را خبر ده.

حضرت فرمود: دوستان دو دسته اند: دوستان مورد اعتماد و دوستان خنده رو. دوستان مورد اعتماد به منزلهٔ کف دست، بازو، افراد خانواه و دارایی انسان هستند. وقتی

که

۱– من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۸؛ اصول کافی، ص ۶۲۵؛ محاسن برقی، ۳۵۸.

۲– مجالس صدوق، ص ۳۶۳.

۳– محاسن برقی، ص ۶.

۴– نهج البلاغه، قسمت دوم، ص ۱۴۵.

برادرت مورد اعتماد توست از کمک مالی و جانی به او مضایقه نکن، با دوستانت او در دوستی خالص باش، دشمنان او با دشمن بدار، راز او را پنهان کن، او را یاری ده، خوبی هایش را آشکار ساز و بدان که این ها از کبریت احمر کمیاب ترند.

امّا دوستان خندهٔرو: تو از معاشرت با آنان لذّت می بری. با قطع رابطه از ایشان خود را از این لذّت محروم مکن و بیش تر از آنان انتظار نداشته باش و مانند آن ها با خوش رویی و خوش زبانی رفتار کن(۱).

۴- فاصله (در مجالس) به ویژه به اندازهٔ یک ذراع در تابستان

۵ – کمک به نیازمندان و ضعیفان

۱- امام صادق در توضیح آیهٔ شریفهٔ «ما تو را از نیکوکاران می بینیم»(۲). فرمود: (حضرت یوسف) برای دیگران جا را در مجلس وسعت می داد و به نیازمند قرض می داد و به ضعیف کمک می کرد.

۲- از امام جعفر صادق نقل شده است که رسول خدا فرمود: برای کسانی که در یک مجلس گرد می آیند شایسته است که در تابستان بین هر دو نفر به اندازهٔ یک ذراع (تقریباً نیم متر) فاصله باشد تا مزاحم یکدیگر نباشند(۳).

۶- گرامیداشت دوستان و نصیحت کردن آنان

۱- ابوالحسن امام موسی کاظم فرمود: وقتی که شخص حاضر است با کنیه و اگر

۱- اصول کافی، ص ۶۰۹ (حسن المعاشره).

۲-)قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ(، یوسف / ۷۸.

۳- اصول کافی، ص ۶۲۱ (باب الجلوس).

غایب است با نام او را یاد کن(۱).

۲- علاءـ بن فُضَیلْ از امام صادق نقل کرده است که امام باقر فرمود: دوستانتان را بزرگ دارید و احترام کنید و به یکدیگر پرخاش نکنید و به هم ضرر نرسانید و حس نورزید و از بخل بپرهیزید و بندگان خالص خدا باشید(۲).

۷- کراهت اخم کردن بر مردم

۱- امام باقر یا امام صادق فرمودند: اخم کردن بر مردم باعث دشمنی است(۳).

۸ – دوست یابی و خو گرفتن با دوستان و پذیرفتن اعتراض آنان

۱- محمّد بن یزید گوید: از امام رضا شنیدم که فرمود: هر کس در راه خدا یک دوست به دست آورد، خانه ای در بهشت به ست آورده است(۴).

۲- شیخ صدوق در کتاب مجالس نقل کرده است که لقمان به پسرش گفت: پسر عزیزم هزار دوست انتخاب کن که هزار دوست هم کم است و یک دشمن نگیر زیرا یک دشمن هم زیاد است(۵).

۳- حضرت علی فرمود: دوستان خالص انتخاب کن، زیرا هرگاه از آن ها کمک بخواهی تکیه گاه و پشتیبان تو هستند.

هزار دوست و همدم زیاد نیست ولی یک دشمن زیاد است. در کتاب الاخوان این

۱- اصول کافی، ص ۶۲۹ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۲- اصول کافی، ص ۶۰۹ (باب حسن المعاشره).

۳- اصول کافی، (باب حسن المعاشره).

۴- ثواب الاعمال، ص ۸۳؛ اصول کافی، ص ۱۸.

۵- مجالس صدوق، ص ۳۹۷ «م ۹۵».

حدیث از امام صادق نقل شده است(۱).

۴- آن حضرت از رسول اکرم نقل می کند که فرمود: کسی که از پیش توشه ای نفرستد وارد بهشت نمی شود، گفته شد: ای رسول خدا هر کس باید از پیش توشه ای بفرست؟ فرمود: آری، برادر دینی یکی از توشه های اوست(۲).

۵- امام جعفر صادق فرمود: دوستانتان را در دنیا زیاد کنید زیرا در دنیا و آخرت سودمند هستند. در دنیا رفع نیازها به آنان وابسته است، امّا در آخرت اهل دوزخ می گویند: «ما شفاعت کننده و دوست نزدیکی نداریم»(۳).

۶- امام صادق فرمود: دوستانتان را زیاد کنید، زیرا برای هر مؤمنی دعای اجابت شده ای است.

و فرمود: دوست زیاد بگیرید زیرا بر هر مؤمنی حقّ شفاعت است.

و نیز فرمود: برادران مؤمن را زیاد کنید، زیرا برای آنان در نزد خدا در روز قیامت دستی است که به وسیلهٔ آن شفاعت می کنند(۴).

۷- سیّد رضی در نهج البلاغه گوید: امیرالمؤمنین فرمود: ناتوان ترین مردم کسی است که از پیدا کردن دوست عاجز باشد، و ناتوان تر از او آن کسی است که دوستی پیدا کند و از دست بدهید(۵).

۸ - در کتاب مجالس شیخ طوسی، امام صادق از علی بن ابی طالب نقل کرده است: از رسول خدا شنیدم که فرمود: مؤمن ارجمند و بلندنظر، و منافق فریب کار و

۱- مجالس صدوق، ص ۳۹۷ «م ۹۵»، در آن آمده: هر چه می توانی دوستانت را زیاد کن.

۲- مصادقة الاخوان، ص ۴، در آن آمده، همهٔ ما باید توشه ای پیش بفرستیم.

۳- «فما لنا من شافعین و لا صَدیق حمیم»، شعرا / ۲۶.

۴- مصادقة الاخوان، ص ۸.

۵- نهج البلاغه، قسمت دوم، ص ۱۴۵.

فرومـایه است. بهترین افراد بـا ایمـان کسانی هسـتند که با مؤمنین اُنس می گیرنـد. آن که با دیگران انس نگیرد و دیگران با او مأنوس نشوند در او خیری نیست. نیز حضـرت علی فرمود: از رسول خدا شـنیدم که فرمود: بدترین مردم کسی است که مؤمنان را دشمن بدارد و

آن ها هم او را در قلبشان دشمن بدارند. بدترین مردم افراد سخن چین و کسانی هستند که بین دوستان جدایی می اندازند و از مردم عیب جویی می کننـد، خـدا در روز قیـامت به آنان با نظر رحمت نمی نگرد و مقام آنان را بالا نمی برد. سـپس حضـرت علی این آیه را تلاوت فرمود:

«اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را پیروز گردانید، و دل های مؤمنان را به یکدیگر مهربان ساخت(۱)»(۲).

۹- ایّوب بن نوح گوید: امام علی النقی به بعضی از دوستان ما نوشت، فلانی را عتاب کن و به او بگو: وقتی که خدا برای بنده ای خیر و خوبی می خواهد اگر او را مورد عتاب قرار دهد وی عتاب را می پذیرد و متنبّه می گردد(۳).

۹- استحباب هم نشینی با خردمند بخشنده و دوری از نادان فرومایه

۱- از امام صادق نقل شده که امیرالمؤمنین فرمود: اشکالی ندارد که با خردمند معارشت کنی اگر چه بخشنده نباشد، ا. عقلش بهره مند شو، و از اخلاق بدش خود را حفظ کن. همدمی بخشنده را ترک مکن گر چه از عقلش سود نبری، ولی با خردمندی

۱-)هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِینَ * وَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ(، انفال / ۶۲ و ۶۳.

۲- مجالس شیخ طوسی، ص ۲۹۵، در آن آمده: فاجر پست است. و نیز از زحمت خدا دور باد آنت که سخن جینی می کند.

۳- سرائر، ص ۴۷۱.

خود از کرمش بهره مند شو، و حتماً از فرومایهٔ نادان بگریز(۱).

۱۰- استحباب مشتورت با عاقل

۱- ابو هریره گوید: از رسول خدا شنیدم که می فرمود: از خردمند راهنمایی بخواهید و از او نافرمانی نکنید که پشیمان می شوید(۲).

۱۱- استحباب دیدار و گفتگو با دوستان

۱- در کتاب الاخوان آمده است که امام صادق (به یکی از شیعیان) فرمود: آیا (شما دوستان و شیعیان) با یکدیگر هم نشینی و گفتگو دارید؟ عرض کردم: بلی، فرمود: این مجلس ها را دوست می دارم، پس فضایل و سخنان ما را (در مورد احکام دین یا مصایب ما) زنده نگه دارید. خدای رحمت کند کسی را که فضایل ما را بیش تر زنده نگه دارد(۳).

۲- مَیْسَر گوید: امام محمّد باقر به من فرمود: آیا با یکدیگر خلوت می کنید و به گفتگو می پردازید؟ عرض کردم: بلی. فرمود: به خدا قسم دوست دارم در بعضی از این جلسات با شما شرکت داشته باشم(۴).

۳- امام باقر فرمود: خدا بیامرزد بنده ای را که یاد ما را زنده نگه دارد. شنونده سؤال کرد زنده نگه داشتن یاد شما چگونه است؟ فرمود: به ملاقات یکدیگر رفتن (مؤمنین) و با

۱- اصول کافی، ص ۶۰۹ (ما یجب مصادقته).

۲- مجالس شیخ طوسی، ص ۹۴.

۳- مصادقة الاخوان، ص ۶.

۴- مصادقة الاخوان، ص ۴؛ از جلد ۲ اصول کافی، ص ۱۸۶ (باب تذاکر الاخوان) نقل نموده است.

هم به گفتگو پرداختن در نزد آنان که ثابت قدم هستند(۱).

۴- امام صادق نقل می کند که حضرت علی فرمود: دیدار دوستان غنیمتی ارزنده است(۲).

۵- فُضَیل بن یسار گوید: امام باقر فرمود: آیا با یکدیگر مجالست دارید؟ عرض کردم: بلی، فرمود: چه نیکوست این مجالس(۳).

۶- خَیْثَمه گوید: امام صادق به من فرمود: به دوستان ما سلام برسان، و آن ها را با توای الهی سفارش کن. ثروتمندان از فقیر، و نیرومندشان از ضعیف دیدار کند و زندهٔ آن ها در تشییع جنازهٔ مردگان حاضر و به خانه های یکدیگر رفت و آمد نمایند، زیرا ملاقات کردنشان باعث زنده ماندن فضایل ما و امور دین است. سپس فرمود: خدا رحمت کند بنده ای را که فضایل ما و احکام مربوط به دین را زنده نگه دارد(۴).

۷- امام صادق از پدرانش نقل می کند که پیامبر فرمود: سه چیز آسایش مؤمن است: بیدار بودن آخر شب، دیدار دوستان و افطار کردن روزه(۵).

شعیب عَقَرْقُوفیّ گوید: از امام صادق شنیدیم که به دوستانش می فرمود: تقوای الهی پیشه کنید و برای رضای خدا برادرانی نیکوکار و دوستدار یکدیگر و به هم پیوسته و مهربان باشید. یکدیگر را زیارت و ملاقات کنید و فضایل ما را ذکر کنید وآن را زنده نگه دارید(۶).

۹- امام باقر فرمود: گرد هم آیید، و با یکدیگر (در امر دین) گفتگو کنید که (در

۱- مصادقة االاخوان، ص ۶.
۲- مصادقة الاخوان، ص ۶.
۳- مصادقة الاخوان، ص۶.
۴- مصادقة الاخوان، ص۶، به نقل از سرائر در ۱/۷.
۵- مصادقة الاخوان، ص۶، به نقل از من لا یحضره الفقیه و امالی شیخ طوسی.
۶- مصادقة الاخوان، ص۶.

این حال) ملائکه دور شما جمع می شوند. خدای بیامرزد کسی را که فضایل ما (و مسائل مربوط به دین را) زنده نگه دارد(۱).

۱۲- استحباب معاشرت با مردم خوب و دوستان قدیمی و اجتناب از معاشرت با بدان

۱- در اصول کافی از حضرت علی نقل شده که رسول خدافرمود: دربارهٔ کسانی که با آن ها به گفتگو می پردازید (و مجالست می کنید) دقّت کنید، زیرا هر کس مرگش فرا رسد دوستانش در نزد او حاضر می شوند. اگر آن ها نیک باشند او نیک است و ادر بد باشند [معلوم می شود] او نیز بد است. هیچ کس نمی میرد مگر این که در هنگام مردن دوستانش در برابر او مجسّم می شوند(۲).

۲- ابوالحسن امام موسی کاظم فرموده است: حضرت عیسی گفته است: یار بد به دوستش ستم می کند، و هم نشین بد او را به هلاکت می اندازد، پس نگاه کن با چه کسی هم نشینی(۳).

۳- امام صادق به یکی از دوستانش فرمود: دوست قدیمی را انتخاب کن، و از هر دوست جدیدی که وفادار، امانتدار، متعهّد و پای بند به پیمان نباشد بپرهیز، و حتّی با مطمئن ترین دوستانت با احتیاط رفتار کن(۴).

۴- ابن عبّاس گوید: از رسول خدا سؤال شد: بهترین هم نشین کیست؟ فرمود: کسی که دیدار او شما را به یاد خدا بیندازد، گفتار او عمل شما را زیاد کند و عمل او شما را به

۱- مصادقة الاخوان، ص ۱۰.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۰ (من یجب مصادقته و مصاحبته).

۳- اصول کاغی، ص ۶۱۱ (من تکره مجالسته).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۰ (من یجب مصادقته و مصاحبته).

یاد آخرت بیندازد(۱).

۵- امام صادق فرمود: به کسی که منفعت دینی تو را در نظر نمی گیرد نزدیک مشو و علاقه ای به هم نشینی با او نشان مده، زیرا هر چیزی به جز خداوند از بین رفتنی و پایانش بس خطرناک است(۲).

۱۳- استحباب معاشرت با کسی که انسان عیب او را می داند به منظور نصیحت کردن او

۱- ابوالعُدَیس گوید امام باقر فرمود: ای صالح از آن که دلش برای تو بسوزد و تو را نصیحت کند پیروی کن و از کسی که تو را بخنداند ولی با توحیله و نیزنگ نماید پیروی مکن. به زودی همه به سوی خدای خویش باز می گردید، آن وقت آگاه می شوید [که چه کسی خیرخواه و چه کسی بدخواه شما بوده است](۳).

۲- امام صادق فرمود: گرامی ترین دوستانم کسی است که عیب های مرا به من تذکّر دهد(۴).

۳- در کتاب (محاسن) برقی از امام جعفر صادق نقل شده است: از جمله خصلت هایی که مؤمن به آن نیازمند می باشد سه چیز است: ۱) توفیق از جانب خدای

۱- مجالس صدوق، ص ۹۷.

۲- قرب الاسناد، ص ۲۵.

۳- اصول کافی، ص ۶۱۰ (من یجب مصادقته و مصاحبته). (۱) ظاهراً اسم ابوالعدیس صالح بوده «تنقیح المقال، ج ۳ باب العین».

۴- اصول کافی، ص ۶۱۰ (من یجب مصادقته و مصاحبته). (۱) ظاهراً اسم ابوالعدیس صالح بوده «تنقیح المقال، ج ۳ باب العین».

عزّوجلّ ۲) خود واعظ خویش بودن ۳) پذیرفتن نصیحت(۱).

۱۴- استحباب دوستی با کسی که رعایت دوستی را می کند و او را در موقع گرفتاری تنها نمی گذارد

۱- امام صادق فرمود: دوستی دارای شرایطی است، اگر تمام یا بعضی از این شرایط را رعایت کند می توان او را دوست دانست، و اگر این شرایط در کسی نباشد نمی توان او را دوست نامید. آن شرایط عبارتند از: ۱) باطن و ظاهرش یکی باشد ۲) عزّت تو را

عزّت خود و عیب تو را عیب خویش بداند ۳) اگر به مقام یا مالی رسید تغییری در او ایجاد نشود ۴) قدرت و توانایی ِاو تو را از رسیدن به چیزی باز ندارد ۵) کسی دارای این خصلت هاست که در موقع گرفتاری تو را رها نکند(۲).

۲- سیّد رضی در نهج البلاغه از حضرت علی نقل می کند: دوست حقیقی آن است که برادرش را در سه موضوع حفظ کند: در گرفتاری، در غیاب و در مرگش.

۱۵- استحباب کمک و یاری دادن دوستان به یکدیگر

۱- وصّافی گوید: امام محمّد باقر به من فرمود: آیا می شناسی کسی را که لباسی نداشته باشد و برادرش لباس خود را به او ببخشد یا لباسی که اضافه دارد موقتاً به او بدهد تا وقتی که لباسی برای خویش تهیّه کند؟ عرض کردم خیر، امام به عنوان تأسف

۱- محاسن برقی، ص ۶۰۴.
۲- اصول کافی، ص ۶۱۰ (من یجب مصادقته و مصاحبته)؛ مصادقة الاخوان، ص ۲، از کتاب مجالس صدوق و خصال با اِسنادی دیگری گرفته است.

دست بر زانویش زد و فرمود: چنین کسانی برادر نیستند(۱).

۲- اسحاق بن عمّار گوید: نزد امام صادق بودم، سخن از کمک برادران و وظایف آن ها نسبت به یکدیگر به میان آمد. امام مطلبی فرمود که من تعجّب کردم. امام فرمود: زمانی که قائم ما ظهور کند بر مؤمنین واجب است که نیاز برادرانشان را برطرف کنند و در شادی آن ها بکوشند(۲).

۳- خلّاد سندی (در حدیث مرفوعه ای) گوید: مردی دیر به خدمت پیامبررسید، پیامبر به او فرمود: چه باعث شده است که تو را کم ملاقات می کنم؟

پاسخ داد: ای رسول خدا برهنگی مانع آمدنم بود، پیامبر فرمود: آیا همسایه ات دو جامه نداشت که یکی را به تو عاریه دهد؟ پاسخ داد چرا [داشت؟] حضرت فرمود: او برادر تو نیست(۳).

۴- امام صادق فرمود: از آنچه به دست می آوری به برادرانت بده، زیرا خداوند می فرماید: «نیکی ها بدی ها را از بین می برند(۴)».

امام صادق از رسول خدا نقل فرموده است: سه چیز است که این امّت قدرت انجام آن را ندارد: کمک مالی به برادران، رعایت عدالت و ترجیح دادن دیگران بر خود، و در هر حال به یاد خدا بودن، و آن تنها به گفتن «سبحان الله، والحمد لله، و لا اله الّا الله، و

۱- مصادقة الاخوان، ص ۸؛ در آن کتاب آمده: امام باقر به من فرمود: ای ابا اسماعیل و نیز در همان کتاب آمده است: اگر بعضی از دوستان لباس اضافی داشته باشند به او بدهند تا لباسی برایش برسد.
۲- مصادقة الاخوان، ص ۸ ؛ در آن آمده: آن قدر سخن امام در نظرم عجیب آمد که در چهره ام آشکار بود.
۳- مصادقة الاخوان، ص ۸ .
۴-)إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ(، هود / ۱۱۴.

الله اکبر» نیست، بلکه باید وقتی در معرض کار حرام قرار گیرد از خدا بترسد و مرتکب آن نشود(۱).

۵- ابن اَعیَن گوید: از امام صادق در بارهٔ حقّ مسلمان نسبت به برادر مسلمانش سؤال کردم، امامن پاسخ نداد، چون خواستم با حضرت خداحافظی کنم عرض کردم: به من پایخ ندادید، فرمود: اگر پاسخ بدهم (و شما بدان عمل نکنید) می ترسم کافر شوید. مسلّماً از مهم ترین چیزهایی که خدا بر بنگانش واجب کرده سه چیز است: ۱- رعایت عدالت دربارهٔ دیگران و این که آنچه را برای خود نمی پسندد برای برادر مؤمنش نیز روا ندارد. ۲- کمک مالی به برادران مؤمن برای خدا. ۳- به یاد خدا بودن در هر حال و یاد

خدا تنها به گفتن «سبحان الله والحمد لله» نیست، بلکه عبارت است از ترک آنچه خدا حرام کرده است(۲).

۱۶- کراهت دوستی با بدکار و نادان و دروغگو

۱- امام صادق فرمود: امیرالمؤمنین وقتی به منبر می رفت می فرمود: شایسته است مسلمان از دوستی با سه گروه اجتناب کند: از بی حیای تبهکار، نادان، و دروغگو. امّا بی حیای تبهکار کارش را برایت خوب جلوه می دهد و دوست دارد تو مانند او باشی، در امر دین و آخرت به تو کمک نمی کند، نزدیک شدن به او ستم و باعث سختدلی و رفت و آمد با او برای تو مایهٔ بی آبرویی است.

امّا

از نادان، امید خیری برایت نیست و ضرری از تو دفع نمی کند اگر چه خودش را به زحمت افکند، و چه بسا که بخواهد به تو سود برساند ولی زیان می رساند، پس مرگ او بهتر از زندگی و سکوت او بهتر از سخن گفتنش و دوری او بهتر از نزدیک بودن اوست.

۱- مصادقة الاخوان، ص ۸.
۲- مصادقة الاخوان، ص ۱۲.

امّا

دروغگو: زندگی تو با او گوارا نیست، زیرا خبری را از تو برای دیگران و از دیگران برای تو نقل می کند و هرگاه خبری به پایان رسید خبر دیگری پیش می کشد که وانمود کند راست می گوید، در صورتی که راست نمی گوید و با ایجاد عداوت بین مردم تفرقه می اندازد و بذر کینه در دل ها می کارد، پس از خدا بترسید و دربارهٔ خود بیندیشید(۱).

۲- کلینی در کافی از امام صادق نقل کرده است که امیرالمؤمنین فرمود: شایسته نیست که مسلمان با بدکار دوست شود، زیرا او کارش را نیکو جلوه می دهد و دوست

دارد دیگران مانند او باشند. دوستش را در امر دنیا و آخرت کمک نمی کند و رفت و آمد او باعث بی آبرویی و خواری است(۲).

۴- زُرارة گوید: امام صادق فرمود: از دوستی با نادان بپرهیز، زیرا هر چه از جانب او شاد باشی او به بدی رساندن به تو نزدیک تر است. (هر چه به دوستی او خوشحال تر باشی، خطر زیان رساندن او به واسطهٔ حماقتش به تو نزدیک تر می باشد)(۳).

۵- امام صادق فرمود: حضرت علی بالای منبر می فرمود: برای مسلمان شایسته است که از دوستی با دروغگو دوری جوید، زیرا خبری از تو برای دیگران و از دیگران برای تو نقل می کند. زندگی را بر تو تلخ و ناگوار می سازد. هرگاه خبری کسب کند آن را به خبر دیگری پیوند می دهد تا ثابت کند راست می گوید، در صورتی که راست نمی گوید. خبرها را از گروهی برای گروهی دیگر نقل می کند تا بین آن ها

۱- اصول کافی، ص ۴۸۰ (مجالسه اهل المعاصی) و ص ۶۱۰. (من تکره مجالسته)؛ مصادقة الاخوان، ص ۵۲.

۲- اصول کافی، ص ۴۸۰ (مجالسة اهل المعاصی).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۱ (من تکره مجالسته و مرافقته).

دشمنی ایجاد کند و بذر کینه در دل ها بکارد(۱).

۱۷- کراهت شرکت دادن افراد فرومایه و گنهکار در امور

۱- عَمّار بن موسی گوید: امام صادق فرمود: ای عَمّار اگر دوست داری که نعمت برای تو دوام داشته، مروّت تو کامل و بی عیب باشد و زندگی ات روبراه شود بردگان و افراد فرومایه ار در کار خود دخالت نده، زیرا اگر آن ها را امین دانستی به تو خیانت کنند و اگر خبری به تو دهند دروغ گویند، اگر مصیبتی برایت پیش آید تو را خوار کنند، و اگر وعده کنند خُلف وعه نمایند.

عَمّار گفت، از امام صادق شندیم که می فرمود: نیکان که یکدیگر را دوست بدارند برای آنان ثواب، و بَدان که افراد نیک را دوست بدارند برای نیکان فضیلت، و دشمنی

بدکاران با نیکان زینت و افتخار برای نیکوکاران، و دشمنی نیکوکاران با بدان ذلّت و خواری بدکاران است(۲).

در کتاب کافی نقل شده است که لقمان به پسرش گفت: ای پسرم، زیاد با مردم نزدیک مشو که موجب دوری از دل های آنان می شوی و یکسره از آن ها دوری مکن که خوار و بی مقدار گردی. هر جنبنده ای هم نوع خود را دوست دارد، انسان نیز هم نوع خود را دوست می دارد، کارهای پسندیده ات را نزد مخالفین آن کارها بازگو مکن، زیرا همان طور که بین گرگ و گوسفند دوستی برقرار نمی شود بین نیکوکار و بدکار دوستی به وجود نمی آید. کسی که به قیر نزدیک شود مقداری از قیر به می چسبد. هم چنین کسی که با تبهکار (در زندگی) شریک شود و روش های او را می آموزد، کسی که ستیزه و جدال کردن را دوست داشته باشد ملامت می شود، آن که در جاهای تهمت آمیز وارد شود متّهم می گردد، هر که هم نشین بد انتخاب کند سالم نمی ماند، و هر کس جلو زبانش را

۱- محاسن برقی، ص ۱۱۷.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۱ (من تکره مجالسته و مرافقته).

نگیرد پشیمان می شود(۱).

۳- عَمّار ساباطی گوید: امام جعفر صادق به من فرمود: ای عَمّار اگر می خواهی نعمت برای تو دوامن داشته باشد و دوستی مردم نسبت به تو کامل شود و زندگی ات راحت باشد با بردگان و افرار پست در کار خویش مشورت مکن، زیرا اگر به آن ها اعتماد کردی به تو خیانت می کنند و ادر به تو خبری بدهند دروغ می گویند و اگر مصیبتی برای تو پیش آید تو را خوار سازند، و اگر وعه کنند به تو راست نگویند(۲).

۴- امام صادق فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود: به حقّ قیام کن و برای آنچه از دست تو رفته است افسوس مخور و از آنچه به تو مربوط نیست دوری کن. از دشمن بپرهیز و با ادوستان با احتیاط رفتار نما، مگر افراد امین، و امین کسی است که از خدا

بترسد. با بدکار هم نشینی مکن و او را بر اسرار خویش آگاه مگردان و امانت به او مسپار و با آنان که از خدای خویش می ترسند در کارهایت مشورت کن(۳).

۱۸- تحریم هم نشینی با دروغگو و گنهکار و بخیل و نادان و قاطع رحم و ...

۱- امام صادق از پدر بزرگوارش نقل می کند: پدرم علی بن الحسین به من فرمود: ای پسر عزیزم با پنج گروه دوستی و گفتگو و مسافرت مکن؛ امام باقر سؤال می کنند آن پنج گروه را معرّفی فرمایید. امام سجّاد فرمود: ۱) از دوستی با دروغگو بپرهیز زیرا دروغگو مانند سراب است که دور را نزدیک و نزدیک را دور می نمایاند ۲) از دوستی با فاسق اجتناب کن زیرا تو را به یک وعه غذا و به کم تر از

۱- اصول کافی، ص ۶۱۱ (من تکره مجالسته و مرافقته).

۲- علل الشرایع، ص ۱۸۷.

۳- علل الشرایع، ص ۱۸۷.

آن می فروشد ۳) از دوستی با بخیل بپرهیز زیرا وقتی که خیلی به کمک او نیازمند باشی (کنک نمی کند) تو را خوار می گرداند ۴) از دوستی با کسی که از بستگان بریده و قطع رحم نموده است بپرهیز، زیرا در سه جا از قرآن نفرین شده است:

الف: «شما (منافقان) اگر (از فرمان خدا و طاعت قرآن) روی بگردانید یا در زمین فساد و قطع رحم کنید باز هم امید (نجات) دارید؟»

ب: «آنان که پس از پیمان بستن (با خدا و رسول) عهد خدا را شکستند و نیز آنچه را خدا به پیوند آن امر کرده بریدند، و در روی زمین فساد و فتنه برانگیختند، برای آن هاست لعنت خداه، و منزلگاهشان دوزخ است».

ج: و در سورهٔ بقره فرموده است: «کسانی که عهد خدا را پس از پیمان بستن می شکنند و آنچه را خدا به پیوند آن امر کرده می بُرند در روی زمین فساد می کنند به حقیقت زیانکارند»(۱).

۲- امام جعفر صادق فرمود: از دوستی با نادان بپرهیز زیرا هر چه به او نزدیک تر شوی به بدی نزدیک شده ای [و از جانب او جز بدی به تو نمی رسد.](۲)

۳- سیّد رضی در نهج البلاغه گوید: پیشوای مؤمنان علی فرمود: ای فرزندم از دوستی با نادان بپرهیز، زیرا او می خواهد به تو سود برساند ولی زیان می رساند. از

۱- اصول کافی، ص ۶۱۱ (من تکره مجالسته و مرافته). الف:) فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ(، محمّد / ۲۲. ب:) وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (، رعد / ۲۵. ج:) الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ(، بقره / ۲۷.

۲- مجالس صدوق، ص ۲۴.

دوستی بـا بخیـل اجتناب کن زیرا هنگام شدیـدترین حاجت تو را رها می سازد. از دوستی با بـدکار بر حـذر باش زیرا تو را به چیز کمی می فروشـد. از دوستی بـا دروغگو بپرهیز زیرا او ماننـد سـراب است، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می نمایاند(۱).

۴- امـام محمّـد بـاقر فرمود: به چهـار شـخص نزدیک مشو و دوستی مکن: نادان، بخیل، ترسو و دروغگو. نادان می خواهـد به توسود برسانـد ولی ضـرر می زنـد، بخیل چیزی از تو می گیرد ولی چیزی به تو نمی دهـد، ترسو از تو و از پدر و مادر خویش می گریزد، و دروغگو اگر راست هم بگوید کسی سخن او را تصدیق نمی کند(۲).

۵- امام جعفر صادق از پـدر بزرگوارش نقل می کنـد که امام باقر فرمود: خواسـتم به سـفر بروم، پـدرم علی بن الحسـین به من سفارش کرد: ای پسرم از دوستی و معاشرت با احمق بپرهیز، زیرا احمق در حضور و غیاب به دنبال عیب جویی است.

اگر سـخن بگویـد نادانی اش او را رسوا گردانـد، اگر سـکوت کنـد ناتوانی در گفتار او را کوچک می کند، اگر کاری انجام دهد آن را تباه سازد و اگر مسؤولیتی به عهده گیرد

آن را ضایع می کند. دانش او باعث بی نیازی او نیست و دانش دیگران هم به وی سود نمی رساند. نصـیحت ناصـحان را نمی پـذیرد. دوسـتش از او آسایشـی نمی یابد. مادرش دوست دارد در عزایش بنشـیند و همسـرش می خواهد او را از دست بدهد. همسـایه اش می خواهــد از او دور باشـد و دوسـت وی تنهـایی را بر مجالســش ترجیـح می دهـد. اگر در مجلســی از دیگران کوچک تر باشد آن ها از دست او در رنج و عذابند و اگر بزرگ تر از دیگران

۱- نهج البلاغه، قسمت دوم، ص ۱۵۲.

۲- خصال صدوق، ص ۱۱۶.

باشد آنان را به فساد می کشاند(۱).

۱۹- کراهت هم نشینی با فرومایگان و ثروتمندان و گفتگو با زنان

۱- امام جعفر صادق از اجدادش نقل می کند که رسول خدا فرمود: هم نشینی با سه گروه دل را می میراند: ۱- فرومایگان. ۲- زنان. ۳- ثروتمندان(۲).

۲- امام محمّد باقر به شخصی فرمود: با ثروتمندان معاشرت نکن زیرا انسان وقتی که با آن ها معاشرت می کند از نعمتی که خدا به خودش داده است قدردانی نمی کند و به مرحله ای می رسد که تصوّر می کند خدا به وی نعمتی نداده است(۳).

۲- کراهت وارد شدن به مکان های تهمت انگیز

۱- امام جعفر صادق از امیر مؤمنان علی نقل می کند: اگر کسی خود را در معرض تهمت قرار دهد کسانی را که به او بدگمان می شوند نباید ملامت کند، و کسی که رازش را پنهان دارد اختیار در دست خودش است [و رازش آشکار نمی شود] (۴).

۲- امام صادق فرمود: کسی که به جاهای تهمت آمیز برود و متّهم گردد باید خودش را ملامت کند(۵).

۳- امام باقر از پدر بزرگوارش نقل کرده است که حضرت امیر

۱- مجالس، صدوق، ص ۳۵.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۱ (من تکره مجالسته و مرافقته).

۳- مجالس صدوق، ص ۱۵۳، (م ۴۴).

۴- روضه کافی، ص ۱۵۲.

۵- مجالس صدوق، ص ۲۹۷ (م ۷۵).

فرمود: شخصی که خودش را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسانی را که به او گمان می شوند ملامت کند(۱).

۴- حضرت علی در وصیّت به فرزندش امام حسن فرمود: از مکان های تهمت آمیز و جاهایی که مردم به آن بدگمانند بپرهیز، زیرا هم نشین بد انسان را گول می زند(۲) .

۵-

امام موسی کاظم گوید: امام صادق فرمود: از جاهای مشکوک امام موسی کاظم گوید: امام صادق فرمود: از جاهای مشکوک [و تهمت آمیز] بپرهیزید و حتّی نباید کسی با مادرش راه برود زیرا همهٔ مردم نمی دانند که وی مادر اوست(۳).

۶- سیّد رضی در نهج البلاغه از امیر مؤمنان نقل می کند که آن حضرت فرمود: شخصی که خود را در معرض تهمت قرار دهد کسانی را که به او بدگمان می شوند نباید ملامت کند(۴).

۷- و نیز آن حضرت فرمود: کسی که شمشیر تجاوز و ستم به روی مردم بکشد با آن شمشیر کشته می شود، کسی که مکر و حیله ورزد هلاک شود، هر که بی باکی پیشه سازد غرق شود و شخصی که به مکان های تهمت آمیز برود متّهم گردد(۵).

۱- مجالس صدوق، ص ۱۸۲؛ در دنبالهٔ حدیث مطالبی هست که در وسائل نقل نشده است.

۲- مجالس، پسر شیخ طوسی، ص ۵.

۳- سرائر، ص ۴۷۰. در نسخه های خطی کتاب هدایة الامة (شماره های: ۵۷۰۳ ص ۳۴ و ۹۴/۱۳۳ ص ۳۷ عمومی آستان قدس و شمارهٔ ۳۰۰ ص ۲۸ از نسخه خطی گوهرشاد) به جای «لا یقض» «لا یقفنّ» نوشته شده است. م.

۴- نهج البلاغه، قسمت دوم، ص ۱۸۴.

۵- نهج البلاغه، قسمت دوم، ص ۲۲۷.

۲۱- استحباب پرهیز و ترس از زیرکی مؤمن

۱- امام باقر در تفسیر آیهٔ)إِنَّ فِی ذَلِکَ لآیَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ((۱) فرمود: منظور از «متوسّمین» ائمّه هستند (چون) رسول خدا فرمود: از زیرکی مؤمن بپرهیزید زیرا او در گفتارش از نور الهی استفاده می کند(۲).

۲- سلیمان جعفری گوید: عدّه ای در نزد امام موسی کاظم بودند که فرمود: از زیرکی مؤمن بترسید زیرا او را نور الهی به امور می نگرد(۳).

۳- سیّد رضی در نهج البلاغه گوید علی فرمود: از گمان هایی که مؤمنان نسبت به شما می برند بر حذر باشید زیرا خدا حقّ را بر زبان آن ها جاری می سازد(۴).

۲۲- استحباب مشورت با اشخاص صاحب نظر

۱- امام صادق از پدر بزرگوارش نقل کرده که از پیامبر اکرم سؤال شد: ای رسول خدا، هوشیاری و دوراندیشی در چیست؟ فرمود: مشورت کردن با صاحب نظران و پیروی از آن ها(۵).

۲- امام صادق فرمود: رسول اکرم در وصیّت به حضرت علی فرمود: هیچ کمک و پشتیبانی محکم تر از مشورت، و هیچ خردی بهتر از تدبیر و چاره اندیشی

۱- «مسلّماً در این [عذاب] برای هوشمندان عبرت و بصیرت است» حجر / ۷۵ / م.

۲- سرائر، ص ۴۷۰.

۳- بصائر الدّرجات.

۴- نهج البلاغه، قسمت دوم، ص ۲۱۹.

۵- بصائر الدّرجات.

نیست(۱).

۳- امام باقر فرمود: در تورات چهار عبارت نوشته شده است: ۱- کسی که مشورت نکند پشیمان می شود. ۲- فقر و تنگدستی بزرگ ترین مرگ است. ۳- هرگونه رفتار کنی با تو رفتار می کنند. ۴- کسی که چیزی را مالک شود منافع خود را بر منافع دیگران ترجیح می دهد(۲).

۴- امام صادق فرمود: هرگز انسان با مشورت کردن هلاک نمی شود(۳).

۵-

سیّد رضی در نهج البلاغه از حضرت امیر نقل می کند: هیچ ثروتی مانند عقل، هیچ فقری مانند نادانی، هیچ میراثی مانند ادب و هیچ پشتیبانی مانند مشورت کردن نیست(۴).

۶- و آن حضرت فرموده است: کسی که خودرأی باشد نابود می شود و هر که با بزرگان مشورت کند در عقل آن ها شریک است(۵).

۷- و فرمود: مشورت راهیابی است(۶).

۸ - و نیز آن حضرت فرمود: کسی که به رأی و فکر خود اکتفا کند خود را به خطر افکنده است(۷).

۲۳- استحباب مشورت با شخص پرهیزگارِ خردمند و اطاعت از او و کراهت مخالفت با وی

۱- امام جعفر صادق فرمود: کسی که نصیحت کننده ای از باطن بازدارنده ای از

۱- محاسن برقی، ص ۶۰۱.

۲- محاسن برقی، ص ۶۰۱.

۳- محاسن برقی، ص ۶۰۱.

۴- نهج البلاغه، قسمت دوم.

۵- نهج البلاغه، قسمت دوم.

۶- نهج البلاغه، قسمت دوم.

۷- نهج البلاغه، قسمت دوم.

درون و هم نشین راهنما نداشته باشد دشمن را بر خود چیره کرده است(۱).

۲- امام هادی از پدرانش نقل کرده است که حضرت علی فرمود: کسی که به رأی و فکر خود اکتفا کند خود را به خطر افکنده است(۲).

۳- امام صادق فرمود: در کار خود با کسانی مشورت کن که از پروردگارشان می ترسند(۳).

۴- امام صادق نقل کرده است که حضرت علی فرمود: در کاری که برای تو پیش می آید با کسانی که از خدا می ترسند مشورت کن(۴).

۵- سلیمان بن خالد گوید: از امام جعفر صادق شنیدیم که می فرمود: با مردمِ خردمند، با تقوا مشورت کن زیرا آن ها جز به نیکی راهنمایی نمی کنند و از مخالفت با آنان بپرهیز زیرا مخالفت با شخص پرهیزگارِ خردمند باعث تباهی دین و دنیاست(۵).

۶- امام صادق از رسول خدانقل فرموده است: مشورت با خردمندِ اندرزگو باعث پیشرفت و برکت و موفقیّت از جانب خداست. وقتی که شخص دلسوز عاقل تو را راهنمایی کند از مخالفت با او بپرهیز، زیرا این مخالت باعث هلاکت می شود(۶).

۷- امام جعفر صادق فرمود: چرا وقتی کار مهمّی برای شما پیش می آید و خود قادر به حلّ آن نیستید با افراد خردمندِ متدیّن و پارسا مشورت نمی کند؟ سپس امام صادق

فرمود: آگاه باشید هر کس این کار را انجام دهد خدا او را خوار نمی گرداند بلکه مقام او را بالا می برد و به بهترین کارها و نزدیک ترین آن ها به خداوند هدایتش می کند(۷).

۱- مجالس، صدوق، ص ۲۶۵ (م ۶۸).

۲- مجالس، صدوق، ص ۲۸۶ (م ۶۸).

۳- محاسن، برقی، ص ۶۰۱.

۴- محاسن، برقی، ص ۶۰۱.

۵- محاسن، برقی، ص ۶۰۱.

۶- محاسن، برقی، ص ۶۰۲.

۷- محاسن، برقی، ص ۶۰۲.

۸ – امام صادق فرمود: مشورت دارای حدودی است که اگر آن حدود شـناخته و رعایت نشود ضـررش برای مشورت کننده از نفعش بیش تر است.

کسی که با او مشورت می شود باید: ۱– عاقل باشد ۲– آزاده دیندار باشد ۳– دوست مهربان و مانند برادر باشد ۴– اگر از راز تو آگاه شـد مثل این باشد که خودت به آن آگاهی و آن را مکتوم و پوشـیده دارد. زیرا تو زمانی از راهنمایی مشاور سود می بری که او عاقل باشد، و وقتی که وی آزاد مردِ متدیّن بود نهایت کوشـش را برای نصـیحت کردن تو به کار می برد. وقتی که دوست مهربـان و ماننـد برادر باشـد اگر او را از راز خویش آگـاه کردی راز تو را پوشـیده نگـاه می دارد و آگـاهی، [اگر این شرایط رعایت شود] مشورت جامع و نصیحت کامل می گردد(۱).

۲۴– وجوب راهنمایی کسی که تقاضای مشورت می کند

۱– امام صادق فرمود: کسی که با برادر مؤمنش مشورت کند و او نظرش را خالصانه بازگو ننماید خدای عزّوجلّ قدرت فکر و اندیشه را از وی می گیرد(۲).

۲۵– جواز مشورت کردن با کسی که مرتبه او پایین تر است

۱– مُعَمَّرَبن خَلّاد گوید: یکی از غلامان امام رضا به نام سـعد وفات یافت؛ امام به معمّر فرمود: شخصـی با فضـیلت و امانداز به من معرّرفی کن، در پاسخ گفتم: من کسی

را به شـما معرّرفی کنم؟ حضـرت با حالتی غضـبناک فرمود: پیامبر خـدا با یارانش مشورت می کرد و بعد درباره آنچه که می خواست تصمیم می گرفت.

۱– محاسن، برقی، ص ۶۰۲.

۲– عیناً از محاسن نقل شده در سلسله سند بررسی و یا روایت تأویل گردد.

۲- فُضَیل بن یسار گوید: امام صادق درباره کاری با من مشورت کرد، به امام گفتم: خدا شما را یاری دهد، کسی مانند من مشاور شما باشد؟ امام فرمود: آری هر زمانی که با تو مشورت کنم(۱)

.

۳- حسن بن جَهْم گوید: جمعی در خدمت امام رضا بودیم. ایشان یادی از پدربزرگوارش نمود و فرمود: هیچ عقلی با عقل او برابری نمی کرد، در عین حال در بسیاری اوقات با یکی از غلامان سیاه پوست خود مشورد می کرد. به آن حضرت گفته شد آیا با چنین کسی مشورت می فرمایی؟ در پاسخ فرمود: چه بسا خدای تبارك و تعالی مشکل را به زبان چنین شخصی برطرف کند. بسیاری اوقات درباره مزرعه یا باغ آن حضرت را راهنمایی می کرد و آن حضرت به آن عمل می فرمود(۲).

۴- سیّد رضی در نهج البلاغه از حضرت علی نقل کرده است که عبدالله بن عبّاس نظر خود را به عنوان یک مشاور برای امام علی بیان کرد، امّا امام با عقیده او موافق بود؛ فرمود: تو باید نظر مشورتی خود را به من بگویی، امّا اگر برخلاف نظر تو تصمیم بگیرم باید نظر مرا بپذیری(۳).

۵- علیّ بن مهزیار گوید: امام جواد به من نوشت به فلانی بگو با ما مشورد کند و پس از مشورت آنچه نظر خودش است انتخاب کند، زیرا او از آنچه در سرزمینش [اهواز] می گذرد و چگونه رفتار با سلاطین آگاه تر است. مشورت باعث برکت و خوشبختی است. خدا به پیامبرش در قرآن کریم می فرماید: «در کارها با مردم مشورت کن، لیکن آن چه خود تصمیم گرفتی با توکّل به خدا انجام ده». (حضرت فرمود) پس

هر چه می گذرد به من گزارش دهد بهترین نظر را برایش می نویسم و اگر رأی و نظر

۱- محاسن برقی، ص ۶۰۱.

۲- محاسن برقی، ص ۶۰۲.

۳- نهج البلاغه، قسمت دوم، ص ۳۲۲۱.

من بهتر نباشد امیدوارم او را به راه روشن حقّ راهنمایی کرده باشد. انشاءالله «در کارها با مردم مشورت کن»(۱)

منظور طلب خیر از مردم است(۲).

۲۶- کراهت مشورت با زنان و نیکو بودن مشورت با مردان

۱- امام جفر صادق از پدرانش نقل کرده است که پیامبر در وصیّتش به حضرت علی فرمود: یا علی بر زنان، نماز جمعه و مسؤولیت قضاوت و طرف مشورت قرار گرفتن نیست.

یا علی، تندخویی ناپسند و اطاعت از زن موجب پشیمانی است. یا علی، از جمله چیزهایی که نامبارک است زبان زنان است. [زنانی که رعایت شؤون اسلامی را نمی نمایند](۳).

۲- امیرالمؤمنین در وصیّت به فرزندشان محمّد بن حنفیّه فرموده است: آرای مردان را جمع کن، سپس آن رأیی را که به حقّ نزدیک تر است انتخاب کن و آرایی را که شک داری رها کن... تا این که فرمود: کسی که به رأی خود عمل کند خودش را به خطر می افکند و هر که آرای مختلف را مورد توجّه قرار دهد به راه های خطا و اشتباه پی می برد(۴).

۲۷- کراهت مشورت با شخص ترسو، بخیل، آزمند، برده، فرومایه و بدکار

۱- امام رضا از پدرانش از حضرت علی نقل کرده است که پیامبر فرموده

۱-) فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الأمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ(، آل عمران / ۱۵۹.

۲- تفسیر عیّاشی. علی بن مهزیار از اصحاب امام جواد و امام هادی و ساکن اهواز بوده و با امام مکاتبه داشته است - م.

۳- مَن لا یحضره الفقیه، ج ۃ، ص ۳۳۸.

۴- مَن لا یحضره الفقیه، ج ۲، صفحات ۳۴۵ و ۳۴۶.

است: یا علی با شخص ترسو مشورت نکن زیرا او راه خروج [از گرفتاری ها] را برای تو سخت جلوه می دهد و حتماً با بخیل مشورت نکن، زیرا تو را از هدف باز می دارد. با حریص مشورت نکن زیرا او کار بد را زیبا جلوه می دهد. بدان که ترس و بخل و آزمندی غریزه ای است که از سوء ظنّ ناشی می شود(۱).

۲- عَمّار ساباطی گوید: امام صادق به من فرمود: ای عمّار اگر می خواهی نعمت برایت با دوام، مردانگی ات کامل و زندگی ات اصلاح گردد در کار خویش با بردگان و اشخاص فرومایه مشورت مکن، زیرا اگر به آن ها اعتماد کنی به تو خیانت می کنند، اگر خبری به تو بدهند دروغ می گویند، اگر گرفتار شوی تو را خوار می سازند و اگر به تو وعده ای دهند به آن وفا نمی کنند(۲).

۳- امام جعفر صادق فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود: حق را بپا دار و برای آنچه از تو فوت شده افسوس مخور، از آنچه به تو مربوط نیست کناره گیر، از دشمن دوری کن، از دوست خویش بر حذر باش، (با احتیاط با او برخورد کن)، با مردم امین هم نشین و دوست باش، و امین کسی است که از خدا بترسد، با بدکار هم نشینی مکن و او را بر راز خویش آگاه مگردان و امانت خود را به او مسپار و در کارهایت با کسانی ه از پروردگار خویش می ترسند مشورت نما(۳).

۲۸- تحریم هم نشینی و دوستی با اهل بدعت

۱- امام صادق فرمود: با کسی که در دین بدعت می گذارند دوستی و هم نشینی نکنید زیرا در نظر مردم یکی از آنان به شمار می آید.

ص:۴۵

۱- مَن لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۶؛ خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۵۰؛ علل الشرایع، ص ۱۷۸.

۲- علل الشرایع، ص ۱۸۷.

۳- علل الشرایع، ص ۱۸۷.

و پیامبرفرمود: انسان بر دینِ دوست و هم نشین خود می باشد(۱).

۲۹- کسانی که معاشرت و سلام کردن بر آن ها شایسته نیست

۱- امام صادق از پدرانش نقل کرده که در وصیّت حضرت رسول به علی آمده است: یا علی کسی که از دین و دنیایش توشه ای بر نگیرد برای تو خیری در هم نشینی با او نیست، و کسی که خواسته تو را اجابت نکند تو نیز خواسته او را اجابت نکن، زیرا او شایسته تکریم نیست(۲).

۲- امام صادق از پدرانش نقل کرده است که در حدیث منهیّات پیامبر فرمود: سخن گفتن با شخص جذامی مکروه است مگر این که بین آن ها به اندازه یک ذراع [تقریباً نیم متر] فاصله باشد.

و آن حضرت فرمود: از جذامی فرار کن مانند گریختن از شیر(۳).

۳- در کتاب خصال شیخ صدوق از امیرالمؤمنین نقل شده است که آن حضرت فرمود: پیامبر [مردم را] از سلام کردن بر چهار گروه نهی کرده است: ۱) شخص باده گسار در حال مستی ۲) کسی که مجسمه می سازد ۳) آن که با نرد بازی می کند ۴)

کسی که دوزبازی می کند(۴).

و من گروه پنجمی را اضافه می کنم، نهی می کنم شما را از سلام کردن بر شطرنج باز(۵).

۱- اصول کافی، صفحات ۴۷۹، ۶۱۲.

۲- مَن لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۴.

۳- مَن لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴.

۴- نوعی بازی که در آن چهل خط کشند و سنگ ریزه ها به صف نهند. «لغت نامه دهخدا» عرب آن را سَدَّر و قَرق گوید.

۵- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۱۲.

۴- رسول خدا فرمود: از پنج گروه در هر حال باید دوری کرد: جذامی، پیس، دیوانه، زنازاده و عرب بیابان گرد(۱).

۵- امام جعفر صادق از پدرانش نقل فرموده است که بر شش گروه نباید سلام کرد: یهودی، مسیحی، کسی که برای رفع حاجت نشسته است، آن که بر سر سفره ای می نشیند که در آن مشروبات الکلی است، شاعری که به زنان عفیف تهمت می زند و کسانی که فحش دادن به مادرانِ اشخاص را وسیله شوخی قرار می دهند(۲).

۶- حضرت علی در حدیثی فرمود: بر شش گروه سلام کردن شایسته نیست: ۱) یهودی و مسیحی ۲) افرادی که با نرد و شطرنج بازی می کنند ۳) باده گسار ۴) اهل ساز و طنبور ۵) کسانی که فحش دادن به مادران اشخاص را وسیله شوخی قرار می دهند ۶) شاعران [درباری و چاپلوس](۳).

۷- امام جعفر صادق از پدرش امام محمّد باقر نقل کرده است که آن حضرت فرمود: بر بهیود، نصاری، زردشتی، بت پرست، باده گسار، کسانی که کارشان بازی شطرنج و نرد است، مرد زن صفت [مردی که خود را در اختیار مردان دیگر می گذارد]، شاعری که زنان عفیف را متّهم می کند و کسی که در حال نماز است سلام نکنید. بر نمازگزار بدین سبب که نمی تواند پاسخ سلام را بدهد، با توجّه به این که سلام برای مسلمان امری مستحب و پاسخ آن واجب است و نیز بر رباخوار، کسی که برای رفع

حاجت نشسته است، در حمّام، و به هر فاسقی که آشکار را مرتکب معصبت می شود سلام نکنید(۴).

۱- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۳۸.
۲- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۳۸.
۳- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ سرائر، ص ۴۸۴.
۴- خصال صدوق، ج ۲، ص ۸۲.

۳۰- استحباب اظهار دوستی و محبّت نسبت به مردم

۱- امام محمّد باقر فرمود: عربی بادیه نشین از بنی تمیم به نزد پیامبرآمد و عرض کرد: مرا نصیحت فرمایید. از جمله مطالبی که پیامبر به او فرمودند این بود: نسبت به مردم اظهار دوستی کن تا تو را دوست بدارند(۱).

۲- امام موسی کاظم فرمود: اظهار محبّت و دوستی نسبت به مردم نیمی از عقل است(۲).

۳- ابن ادریس در کتاب سرائر مشابه این حدیث را نقل کرده است با این تفاوت: و مدارا کردن با دیگران نیمی از وسیله زندگی است، و کسی که میانه روی کند فقیر نمی شود(۳).

۴- امام صادق از امام حسن مجتبی نقل فرموده است: خویشاوند کسی است که از لحاظ دوستی به انسان نزدیک باشد اگر چه از لحاظ نسب دور باشد و بیگانه کسی است که از جهت محبّت و دوستی بیگانه باشد گر چه از لحاظ نسب نزدیک باشد، هیچ چیز نزدیک تر به چیزی از دست به بدن نیست، و دست خیانت می کند و قطع می شود، و پس از قطع درمان می گردد.]یعنی اعتماد به نزدیکی خویشاوند نیست، اگر دوست نباشد، و گاهی عملاً از انسان دور و بیگانه است. یا منظور این است که دست دزد به صاحبش خیانت می کند و در عین نهایت نزدیکی قطع می گردد. یا انسان دشمن

دستش هست و باعث قطعش می گردد. یا این که اعتمادی به قرب جسمانی نیست و نفع حقیقی و پایدار قرب معنوی است[(۴).

ص:۴۸

۱- اصول کافی، ۶۱۲ (التحبّب الی الناس).

۲- اصول کافی، ۶۱۲ (التحبّب الی الناس).

۳- سرائر، ص ۴۶۴.

۴- اصول کافی، ص ۶۱۲ (التحبّب الی النّاس والتودّد الیهم).

۵- امام صادق از رسول خدا نقل فرموده است: اظهار دوستی نسبت به مردم نصف عقل است(۱).

۳۱- استحباب خوش رفتاری و گشاده رویی با مردم و احترام به آنان

۱- امام صادق فرمود: خوشرویی با مردم یک سوّم عقل است(۲).

۲- امام صادق از پیامبر نقل فرموده است که سه چیز دوستی انسان را برای برادر مسلمانش خالص می گرداند: ۱- خوشرویی او را ملاقات کند. ۲- در مجلس به او جا دهد. ۳- او را با بهترین نام ها بخواند(۳).

۳- حُذَیفَة بن منصور گوید: از امام جعفر صادق شنیدم که می فرمود: کسی که از مزاحمت مردم دست بردارد، گر چه او یک نفر است که از مزاحمت آنان دست برداشتهت لکن، در مقابل، افراد زیادی از مزاحمت او دست برمی دارند(۴).

۳۲- مستحبّ است کسی که مؤمنی را دوست دارد او را از دوستی خود با خبر کند

۱- امام صادق فرمود: زمانی که کسی را دوست داری او را از این امر با خبر کن، زیرا باعث استواری محبّت بین شما می گردد(۵).

۲- نصر بن قابوس گوید: امام صادق به من فرمود: زمانی کهی کی از برادرانت را دوست می داری او را از این دوستی آگاه کن، همان طور که حضرت ابراهیم گفت: «پروردگارا به من بنما که چگونه مردگان را زنده می کنی، خدا فرمود: آیا به]زنده شدن

ص:۴۹

۱- اصول کافی، ص ۶۱۲ (التحبّب الی النّاس والتودّد الیهم).

۲- اصول کافی، ص ۶۱۲ (التحبّب الی الناس).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۲ (التحبّب الی الناس).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۲ (التحبّب الی الناس).

۵- اصول کافی، ص ۶۱۲ (اخبار الرجل اخاه بحبّه).

مردگان[اطمینان نداری؟ ابراهیم پاسخ داد: ایمان دارم امّا می خواهم قلبم مطمئن شود(۱).»(۲)

۳- شخصی به امام باقر عرض کرد: من این مرد را دوست دارم، امام به او فرمود: او را از این امر با خبر کن، زیرا دوستی را پایدارتر و مهربانی را نیکوتر می سازد(۳).

۴- امام جعفر صادق فرمود: زمانی که کسی را دوست می داری به او بگو(۴).

۵- امام صادق از پیامبر خدا نقل فرموده است: هرگاه یکی از شما هم صحبت با برادر ایمانی اش را دوست می دارد او را آگاه سازد(۵).

۳۳- استحباب آغاز کردن سلام قبل از سخن گفتن و استحباب پاسخ ندادن قبل از سلام

۱- امام صادق فرمود: آغازکننده به سلام به خدا و رسولش نزدیک تر است(۶).

۲- علی بن الحسین فرمود: از صفات مؤمن انفاق کردن به اندازه توانایی و وسعت دادن [به اهل و عیال] در حدّ قدرت و با عدالت و انصاف رفتار کردن با مردم و آغاز به سلام نمودن بر آنان می باشد(۷).

۳- امام جعفر صادق از رسول خدا نقل فرمود: شایسته ترین مردم نزد خدا و رسولش کسی است که سلام را آغاز کند(۸).

۱- اصول کافی، ص ۶۱۲ (اخبار الرجل اخاه بحبّه).
۲-)مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ وَاللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِیم(، بقره / ۲۶۱.
۳- محاسن برقی، ص ۲۶۶.
۴- محاسن برقی، ص ۲۶۶.
۵- محاسن برقی، ص ۲۶۶.
۶- اصول کافی، ص ۶۱۲ (باب التسلیم).
۷- اصول کافی، ص ۶۱۲ (باب التسلیم).
۸- اصول کافی، ص ۶۱۲ (باب التسلیم).

۴- با همین ا ِسناد نقل شده که رسول خدا فرمود: کسی که قبل از سلام سخن آغاز کند به او پاسخ ندهید. و نیز فرمود: قبل از سخن گفتن سلام کنید. اگر کسی قبل از سلام گفتن سخن گوید به پاسخ ندهید(۱).

۵- امام صادق فرمود: فرشته ای مردی را بر در خانه ای دید، فرشته به او گفت چرا بر در این خانه ایستاده ای؟ پاسخ داد یکی از برادرانم در این خانه است می خواهم بر او سلام کنم، فرشته به او گفت: آیا بین شما خویشاوندی است یا حاجتی به او داری؟ پاسخ داد: قرابتی بین ما نیست و نیازی جز اخوّت اسلامی و احترام آن مرا به این جا نکشانده بلکه برای پروردگار جهان به او سلام و محافظتش می کنم. فرشته به او گفت: من فرستاده خدایم به سوی تو، پروردگارت تو را سلام می رساند و می فرماید: مرا زیارت کردی و برای من تعهّد نمودی، حتماً بهشت را بر تو واجب کردم و تو را از خشم خویش معاف داشتم و از آتش نجات دادم(۲).

۶- امام صادق نقل کرده است که رسول خدا فرمود: کسی که قبل از سلام کردن سخن آغاز کند به او پاسخ ندهید.

و نیز امام صادق فرمود: هیچ کس را به طعام خویش دعوت نکنید مگر این که سلام کند(۳).

۳۴- لزوم سلام و کراهت ترک آن و جوب پاسخ سلام

۱- امام صادق فرمود: جواب دادن به نامه مانند پاسخ سلام واجب است و

۱- اصول کافی، ص ۶۱۲ (التسلیم).

۲- ثواب الاعمال، ص ۹۳.

۳- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۳.

آغازکننده به سلام]از جواب دهنده[نزد خدا و رسولش شایسته تر است(۱).

۲- امام صادق نقل کرده: خدای عزّوجلّ فرمود: بخیل کسی است که از سلام کردن بخل ورزد(۲).

۳- امام جعفر صادق نقل کرده است که رسول خدا فرمود: سلام کردن مستحب، و پاسخ آن واجب است(۳).

۳۵- باب استحباب بلند گفتن سلام و سخن نیکو گفتن

۱- امام محمّد باقر فرمود: خدای عزّوجلّ بلند سلام کردن ار دوست می دارد(۴).

۲- امام باقر فرموده: سلمان (که رحمت خدا بر او باد) می گفت: سلام خدا را آشکارا بگویید، زیرا درود خدا به ستمکاران نمی رسد(۵).

۳- امام جعفر صادق در حدیثی نقل فرموده است که حضرت علی می فرمود: خشمگین نشوید و]کاری نکنید که[مورد خشم قرار گیرید، آشکارا سلام کنید، سخن

نیکو بگویید، نماز شب بخوانید در حالی که مردم در خوابند تا به سلامتی به بهشت روید، سپس این گفتار خدای عزّوجلّ را برای آنان خواند: «خدایی که سالم از هرگونه عیب و نقص، و امان دهنده و نگهبان است(۶)»(۷).

۴- امام صادق فرمود: از نشانه های فروتنی این است که کسی را که ملاقات می کنی بر او

۱- اصول کافی، ص ۶۲۶ (الکتاب).

۲- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).

۵- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).

۶-)إِنَّمَا یَنْهَاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ قَاتَلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَأَخْرَجُوکُمْ مِنْ دِیَارِکُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِکُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ یَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ(، حشر / ۳۳.

۷- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).

سلام نمایی(۱).

۵- امام جعفر صادق از پدرانش نقل فرموده است که در وصیّت پیامبربه حضرت علی آمده است: سه چیز باعث پوشاندن گناهان است: آشکارا سلام کردن، طعام دادن، خواند نماز شب در حالی که مردم خوابند(۲).

۶- امام صادق فرمود: بخیل کسی است که از سلام کردن بخل ورزد(۳).

۷- امام جعفر صادق از پدرانش نقل کرده است که رسول خدا فرمود: در بهشت خانه هایی است که بیرون آن ها از داخل، و داخل آن ها از خارج دیده می شود. کسانی از امّت من در آن سکونت می کنند که سخن نیکو گویند، مردم را اطعام کنند، بلند سلام کنند و روزه را ادامه دهند و نماز شب بخوانند در حالی که مردم خوابند. حضرت علی سؤال کرد: ای رسول خدا چه کسی از امّت شما توانایی انجام این اعمال را دارد؟

پیامبر فرمود: یا علی می دانی نیکویی سخن چیست؟ کسی که صبح و شام ده مرتبه بگوید: «سبحانَ الله، والحمدُ لله ِ، و لا الهَ اِلا الله، وَاللهُ اَکبرُ». اطعام کردن عبارت است از انفاق کردن مرد به خانواده اش. منظور از ادامه روزه آن است که اگر شخص ماه رمضان و از هر ماه دیگر سه روز روزه بگیرد، روزه عمر برای او نوشته می شود. هر کس نماز

مغرب را به عبادت مشغول باشد. مقصود از افشای سلام آن است که از سلام کردن بر هیچ مسلمانی بخل نورزد(۴).

۱- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳- معانی الاخبار، ص ۷۲.

۴- معانی الاخبار، ص ۷۳؛ مجالس صدوق، ص ۱۹۸ (م ۵۳).

۸ – امام محمّد باقر فرمود: سه چیز باعث قرب و منزلت است: آشکارا سلام کردن، طعام دادن و نماز شب خواندن در حالی که مردم در خوابند(۱).

۹– امام جعفر صادق فرمود: از نشانه های تواضع سالم کردن به هر کسی است که او را ملاقات کنی(۲).

۱۰– پیامبر خدا فرمود: ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد، و بخیل ترین مردم آن که از سلام کردن بخل ورزد(۳).

۱۱– امام صادق فرمود: هر کس چهار چیز برای من تعهّد کند من چهخار خانه در بهشت برای او تضمین می کنم: ۱) انفاق کردن و نترسیدن از فقر و تنگدستی ۲) رعایت عدالت درباره مردم در مقابل منافع خویش ۳) آشکارا سلام کردن در همه جا ۴) ترک مجادله و نزاع اگر چه حقّ با او باشد(۴).

۳۶– باب استحباب سلام کردن بر کودکان

۱– امام رضا از پدرانش نقل کرده است که رسول خدا فرمود: پنج چیز را تا آخر عمر رها نخواهم کرد: ۱) غذا خودرن با بردگان بر روی زمین ۲) سوار شدن بر الاغ

بی پالان ۳) دوشیدن شیر از پستان بز با دست خودم ۴) پوشیدن لباس پشمین ۵) سلام کردن بر کودکان تا این که بعد از من سنت]رسم[باشد(۵).

ص:۵۴

۱– معانی الاخبار، ص ۹۰.

۲– خصال صدوق، ج ۱، ص ۹.

۳– مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۵۴.

۴– محاسن برقی، ص ۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴ (ما تجب فیه الزکاة)؛ اصول کافی، ج ۶ (جهاد النفس).

۵– علل الشرایع، ص ۵۴؛ عیون اخبارالرضا، ص ۲۳۵؛ مجالس صدوق، ص ۴۴ (م ۱۷)؛ خصال، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- امام صادق از پدرانش نقل کرده است که پیامبرفرموده: پنج چیز را تا لحظه مرگ ترک نخواهم کرد: ۱) پوشیدن لباس پشمین ۲) سوار شدن بر الاغ بی پایان ۳) غذا خوردن با بردگان ۴) وصله کردن کفش با دست خودم ۵) سلام کردن بر کودکان تا این که بعد از من سنت]رسم[باشد(۱).

۳۷- باب حرمت تبعیض بین فقیر و ثروتمند در نحوه سلام کردن و وجوب رعایت مساوات بین آن دو

۱- امام رضا فرمود: هر کس فقیر مسلمانی را ملاقات کند و به گونه ای بر او سلام نماید که با سلام بر ثروتمند فرق داشته باشد در روز قیامت خدا را در حالی ملاقات می.کند کهم خدا بر وی خشمگین است(۲).

۲- حَجّال گوید: به جمیل بن دَرّاج گفتم آیا پیامبر خدا فرمود: زمانی که بزرگ قومی نزد شما آمد او را احترام کنید؟ جمیل گفت: آری، پیامبر فرموده است. از جمیل پرسیدم:]در این حدیث[منظور از شریف کیست؟ پاسخ داد: از امام صادق در این باره پرسیده ام، آن حضرت فرمود: منظور از شریف در این حدیث شخص ثروتمند است(۳).

۳۸- باب استحباب شکرگزاری خدا برای نعمت اسلام و تندرستی

۱- امام جعفر صادق از پدرانش نقل کرده است: پیامبر فرمود: هر کس یهودی یا مسیحی یا زرتشتی یا یکی از غیر مسلمانان را ببیند بگوید: «سپاس خدایی را که مرا بر تو فضیلت داد و اسلام را دینت من و قرآن را کتابم و محمد را پیامبر و حضر علی

۱- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- عیون الاخبار، ص ۲۱۵؛ مجالس صدوق، ص ۲۶۵ (م ۶۸).

۳- روضه کافی، ص ۲۱۹.

را امام و پیشوای من، و مؤمنین را برادرانم، و کعبه را قبله من قرار داده است» خدا بین آن مؤمن و غیر مسلمان در دوزخ هرگز جمع نکند(۱).

۲- امام جعفر صادق فرمود: هر کس آفت زده ای (مانند جذامی و امثال آن) یا مُثله شده یا گرفتاری را ببیند مخفیانه به طوری که او نشنود سه مرتبه بگوید: «سپاس خدایی را که مرا سلامت داشت از آن چه تو را بدان مبتلا ساخته است، و اگر خدا می خواست می توانست مرا نیز گرفتار سازد» هرگز آن بلا به او نرسد(۲).

۳۹- لزوم بلند سلام کردن و پاسخ دادن به نحوی که مخاطب بشنود

۱- امام صادق فرمود: هرگاه کسی سلام می کند بلند سلام کند و نگوید سلام کردم امّا پاسخ ندادند، شاید نشنیده باشند. جواب سلام را نیز باید بلند گفت تا آن مسلمان سلام کننده نگوید: پاسخ سلام مرا نگفتند(۳).

۴۰- نحوه سلام گفتن و استحباب انتخاب کلمات مناسب

۱- حسن بن مُنْذِر گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: کسی که بگوید: «السّلامُ عَلیکُم» برای او ده حسنه، و کسی که بگوید: «سَلامٌ عَلَیْکُم وَ رَحْمَةُ الله» برایش بیست حسنه، و هر که بگوید: «سَلامٌ عَلَیْکُم وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ» برایش سی حسنه است(۴).

۲- امام صادق نقل کرده است که امیرالمؤمنین فرمود: کراهت دارد انسان بگوید: «حیّاکَ اللهُ» (خدا تو را زنده بدارد) سپس ساکت شود مگر آن که پس از آن،

۱- مجالس صدوق، ص ۱۶۱ (م ۴۵)؛ ثواب الاعمال، ص ۱۵؛ قرب الاسناد، ص ۳۴.

۲- مجالس صدوق، ص ۱۶۱ (م ۴۵).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).

سلام کند(۱).

۳- عمّار ساباطی درباره نحوه سلام کردن زنان از امام صادق سؤال کرد و امام فرمود: زن بگوید: «علیکم السّلام» و مرد پاسخ دهد: «السّلامُ عَلَیْکُم»(۲).

۴- وهب یمانی در حدیثی نقل کرده است کهک خدا به آدم فرمود: به جانب این گروه از فرشتگان برو و به آنان بگو «السّلامُ عَلَیکُم و رَحْمَة الله و برکاتُهُ» (سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد). حضرت آدم بر آنان سلام کرد، ملائکه پاسخ دادند: «وَ عَلَیْکَ السّلامُ و رَحمَةُ الله و بَرَکاتُهُ». چون به حضور پروردگار خویش برگشت، پروردگار تبارک و تعالی به او فرمود: این درود تو و فرزندانت تا روز قیامت در بین آنها باقی می ماند(۳).

۴۱- استحباب تکرار سلام تا سه مرتبه در صورت عدم دریافت پاسخ و اجازه ورود

۱- امام محمّد باقر فرموده است که: امیرالمؤمنین به مردی از طایفه بنی سعد فرمود: ... یک روز صبح در حالی که هنوز در رختخواب بودیم پیامبر به نزد ما آمد و فرمود: «السلام علیکم» ما سکوت کریم و حیا نمودیم از جایمان بلند شویم، سپس فرمود: «السلام علیکم» باز هم سکوت کردیم، مجدّداً فرمود: «السلام علیکم» ترسیدیم اگر پاسخ سلام حضرت را ندهیم برگردد. این عادت آن حضرت بود که سه مرتبه سلام

می کرد و اگر اجازه ورود به وی داده نمی شد برمی گشت. پس گفتیم «وعلیک السّلام» یا رسول الله، داخل خانه شوید. حضرت داخل شدند و سپس تسبیح حضرت فاطمه را

۱- اصول کافی، ص ۶۱۳ (التسلیم).
۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۲.
۳- علل الشرایع، ص ۴۵.

برای ذکر و در موقع خوابیدن به آن دو بیان فرمود(۱).

۲- امام صادق در حدیث دوازده درهمی که حضرت رسول به علی دادند تا برای آن حضرت پیراهن بخرد، فرمود: جلو من حرکت کن و مرا به سوی خانواده ات راهنمایی کن. پیامبر چون به در خانه رسید، فرمود: «السلام علیکم» پاسخ ندادند. دو مرتبه سلام کرد. پاسخ ندادند. برای سمین بار که سلام کرد گفتند. «ای رسول خدا سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد». پیامبر سؤال فرمود: چرا بار اول و دوم جواب سلام را ندادید، گفتند: ای رسول خدا ما سلام شما را شندییم ولی دوست داشتیم بیش تر بشنویم...(۲).

۴۲- باب استحباب صدا کردن مؤمن با ضمیر جمع در موقع سلام کردن و دعا برای او در هنگام عطسه و غیر آن

۱- امام صادق فرمود: در سه مورد فرد به صورت جمع خطاب می شود: ۱) در موقع عطسه که می گویی «یَرْحَمُکُم الله» اگر چه کسی با وی نباشد ۲) در سلام کردن می گویی «السّلام علیکم» ۳) هنگام دعا برای دیگران می گویی: «عافاکُم الله»(۳).

۲- مانند این حدیث در خصال نیز نقل شده است.

۴۳- مستحب نبودن سلام بر کسی که همراه جنازه است

یا به نماز جمعه می رود یا در حمّام است

۱- امام صادق فرمود: بر سه کس سلام لازم نیست ۱) بر کسی که با جنازه

ص:۵۸

۱- من لا یحضر الفقیه، صفحه ۳۲۱، کتاب صلاة.

۲- خصال صدوق، ج ۲، ص ۸۷ ؛ امالی صدوق، ص ۱۴۴، به طور مشروح بیان شده.

۳- اصول کافی، ص ۶۱۳.

همراه است ۲) بر آن که به نماز جمعه می رود ۳) بر کسی که داخل حمّام باشد(۱).

۴۴- باب چگونگی پاسخ سلام دادن به حاضر و غایب

۱- امام باقر فرمود که: امیرالمؤمنین بر قومی گذشت و بر آنان سلام کرد، آن ها پاسخ دادند «سلام و رحمت و برکات و مغفرت و خشنودی خدا بر تو باد». حضرت به آنان فرمود: بر ما بدان گونه که فرشتگان به پدر ما ابراهیم سلام کرده اند سلام کنید. آنان به حضرت ابراهیم گفتند «رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت»(۲).

۲- حکم بن عُیَنه گوید: روزی در خدمت امام باقر بودم و خانه پر از جمعیّت بود که پیرمردی آمد و بر در خانه ایستاد و گفت: «السلامُ علیک یابنَ رسول الله و رحمةُ الله و برکاته» (ای پسر رسول خدا سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو باد) و ساکت شد. امام باقر فرمود: «و علیک السلام و رحمة الله ِو برکاتُهُ». سپس به مردم سلام کرد و همه جواب سلام او را دادند(۳).

۳- ابوکَهمَش گوید: به امام صادق عرض کردم عبدالله بن ابی یعفور شما را سلام رساند، امام فرمود: «و علیکَ و علیه السلامُ» (بر تو و بر او سلام باد)، هرگاه عبدالله را دیدی به او سلام برسان(۴).

۴- امام محمّد باقر فرمود: فرشته ای از خدا درخواست کرد که قدرت شنوایی دعای بندگان خویش را به او ببخشد. خدا دعای وی را مستجاب کرد و از آن زمان هر مؤمنی که می گوید: «صلّی الله علی محمّد و آله وسلّم» (درود و سلام خدا بر محمّد و

۱- اصول کافی، ص ۶۱۳.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۳.

۳- روضه کافی، ص ۷۶.

۴- اصول کافی، ص ۳۶۰.

آل او)، آن فرشته در پاسخ می گوید: «و علیکَ السّلامُ» سپس آن فرشته به پیامبر عرض می کند فلانی بر شما درود فرستاد، رسول خدا در جواب می فرماید «و درود بر او باد»(۱).

۵- امام باقر فرمود: روزی حضرت علی در رَحْبَة (محلّه ای در کوفه) نشسته بود و مردم دور او جمع بودند که مردی بلند شد و گفت: «سلامُ علیکَ یا امیرالمؤمنینَ و رَحمةُ الله و بَرکاتُهُ» (سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیشوای مؤمنان) حضرت به او نگاه کرد و فرمود: «و عَلیکَ السّلامُ و رحمةُ الله و بَرَکاتُه»، تو کیستی؟ آن مرد خود را معرّفی کرد سپس سؤالات خود را مطرح کرد که از جمله آن ها ده سؤال بود که هر کدام از دیگری دشوارتر بود(۲).

۶- پیامبر فرمود: ناقص کردن نماز یا سلام جایز نیست، اما نقصان توقّف در رکعت دیگر می باشد، و نقصان در سلام آن است که در سلام کردن بگوید «السّلام علیک» و یا در پاسخ سلام بگوید « وعلیک» و نگوید «و عَلیکُمُ السّلام»(۳).

۷- علی بن ابراهیم در تفسیرش در ذیل قول خدای تعالیٰ که یا محمّد) «اهلت را به نماز امر کن و بر آن شکیبا باش»(۴). گوید: رسول خدا هر روز هنگام نماز صبح به در خانه حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین می آمد و می فرمود: «السلام علیکم و رحمةُ الله وبرکاتهُ» (سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد). آن ها می گفتند: «وعلیکمُ

السّلامُ یا رسولَ الله و رحمَةُ الله و برکاتُه» سپس پیامبر می فرمود: وقت نماز

۱- مجالس صدوق، ص ۶۷.

۲- خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۶.

۳- معانی الاخبار، ص ۸۲.

۴-)وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى(، طه / ۱۳۲.

است خدا شما را رحمت کند(۱).

۴۵– استحباب مصافحه با مقیم و در آغوش گرفتن مسافر

۱– امام صادق فرمود: کامل شدن سلام و تحیّت برای مقیم، دست دادن و برای مسافر، یکدیگر را در آغوش گرفتن است(۲).

۴۶– استحباب سلام کردن کوچک بر بزرگ و جمعیّت کم بر جمعیّت زیاد و عابر بر نشسته و ...

۱– امام جعفر صادق فرمود: باید کوچک بر بزرگ، عابر نشسته و جمعیّت کم بر جمعیّت زیاد سلام کند(۳).

۲– امام صادق فرمود: وقتی گروهی در مجلسی باشند آن ها که وارد می شوند باید سلام کنند(۴).

۳– امام صادق فرمود: عدّه کم بر عدّه زیاد، سواره بر پیاده، کسانی که بر استر سوار هستند بر الاغ سوار و اسب سواران بر استرسواران سلام کنند(۵).

۴– ابن بُکَیر از یکی از دوستانش نقل می کند که شنیدم امام صادق می فرمود: سواره بر پیاده و پیاده بر نشسته سلام کند و زمانی که دو گروه به یکدیگر می رسند گروه کم تر بر گروه بیش تر و فرد بر جماعت سلام کند(۶).

۱– تفسیر قمّی، ص ۴۲۵.

۲– اصول کافی، ص ۶۱۳.

۳– اصول کافی، ص ۶۱۴ (باب من یجب أن یبدأ بالسلام).

۴– اصول کافی، ص ۶۱۴.

۵– اصول کافی، ص ۶۱۴.

۶– اصول کافی، ص ۶۱۴.

۵- امام صادق فرمود: سواره بر پیاده و ایستاده بر نشسته سلام کند(۱).

اگر یک نفر از گروهی سلام کند از همه آن ها کفایت می کند و نیز کافی است که یک نفر پاسخ دهد

۴۷- بسنده بودن سلام یک نفر از گروهی و پاسخ یک نفر از گروهی دیگر

۱- امام صادق فرمود: هرگاه یک نفر از جماعتی سلام کند برای همه آن ها کفایت می کند(۲).

۲- امام صادق فرمود: اگر یک نفر از گروهی سلام کند برای همه آن ها کافی است و نیز اگر یکی پاسخ دهد از دیگران ساقط است(۳).

۳- ابن بُکَیر از یکی از یارانش نقل کرده است که امام صادق فرمود: اگر عدّه ای بر جماعتی بگذرند کافی است یکی از آن عدّه بر جماعت سلام کند، و نیز اگر یک نفر جواب دهد کافی است(۴).

۴- زید بن اسلم گوید: رسول خدا فرمود: باید سواره بر پیاده سلام کند و اگر یک نفر از بین گروهی سلام کند از همه ساقط است(۵).

۴۸ - کراهت ترک سلام بر مؤمن حتّی در حال تقیّه

۱- اسحاق بن عمّار گوید: به سبب تقیّه در مسجد کوفه بر دوستانم سلام نمی کنم، چون به خدمت امام صادق رسیدم به من فرمود: چرا به دوستانت ستم می کنی و در

۱- اصول کافی، ص ۶۱۴.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۴ (باب اذا سلم واحد من الجماعة أجزة).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۴.

۴- اصول کافی، ص ۶۱۴.

۵- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۲۹.

موقع ملاقات بر آن ها سلام نمی کنی؟ پاسخ دادم این امر به سبب تقیّه است، فرمود: وظیفه نداری به سبب تقیّه سلام را ترک کنی، بلکه وظیفه تو نشر سلام است. مؤمن وقتی مردم با ایمان را می بینـد و بر آن ها سـلام می کنـد ملائکه پاسخ می دهند: «سلامٌ علیکَ و رحمةُ الله و برکاتُهُ ابداً »(۱).

۴۹- روا بودن سلام کردن مرد بر زن

۲- رِبعِیّ بـن عبـدالله از قـول امـام صـادق گویـد: پیـامبر خـدا بر زنـان سـلام می کرد و آنـان پاسـخ سـالم وی را می دادنـد، امیرالمؤمنین نیز بر زنان سلام می کرد، ولی کراهت داشت از این که بر زنان جوان سلام کنـد، و می فرمود: می ترسم صدای آن ها مرا خوش آید و از اجرم کاسته شود(۲).

۵۰ - باب تحریم سلام کردن بر کفّار و اهل لهو و لعب و امثال آن مگر در حال ضرورت و چگونگی پاسخ داده به سلام آنان

۱- امام صادق از امیرالمؤمنین نقل فرموده است: شـما اوّل بر اهل کتاب سلام نکنید و اگر آنان بر شما سلام کردند بگویید: «و علیکُم»(۳).

۲- امام صادق فرمود: در اسخ سلام یهودی و نصرانی می گویی، سلام(۴).

۳- امام جعفر صادق می فرماید: هرگاه یهودی یا مسیحی یا مشرک بر تو سلام کند بگو «علیک»(۵).

۱- کشف الغمّه، ص ۲۳۷.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۴. (باب التسلیم علی النساء).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۵. (باب التسلیم علی اهل الملل).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۵. (باب التسلیم علی اهل الملل).

۵- اصول کافی، ص ۶۱۵. (باب التسلیم علی اهل الملل).

۴- امـام محمّـد بـاقر فرمود: مردی یهودی بر پیـامبر وارد شـد و عـایشه آن جـا بود، یهودی گفت «السّـام علیکم» (که معنـایش «مرگ بر تو» است). پیامبرفرمود: «علیکُم».

یهودی دیگری وارد شـد و ماننـد اوّلی سـلام کرد، حضـرت همان پاسـخ را به او دادنـد. یهودی سوم وارد شـد و مانند نفر اول سلام کرد، پیامبر همان جواب را به او دادنـد. عایشه خشـمگین شد و گفت: مرگ و غضب و لعنت بر شـما باد ای گروه یهود، ای برادران میمون ها و خوک ها. رسوفل خـدا به عایشه فرمود: اگر فحش به صورتی مجسّم می شد بد صورتی داشت. نرمش و مـدارا بر هیـچ چیز نشـده جز این که آن را آراسـته و از هیچ چیز برداشـته نشده مگر این که آن را زشت کرده است. عایشـه گفت: ای رسول خدا مگر سـخن آن ها را نشنیدی که گفتند «السّام علیکم» (یعنی مرگ بر شما). پیامبر فرمود: چرا شنیدم، آیا تو نشنیدی پاسخی را که به آن ها دادم، گفتم: «علیکم» (یعنی مرگ بر خودتان).

سپس پیامبر فرمود: هرگاه مسلمانی بر شما سلام کند بگوید: «سلامٌ علیکُم» و اگر کافری سلام کند، بگوید: «علیکَ»(۱).

۵- امام جعفر صادق فرمود: شخصی یهودی به نزد پیامبر آمد و گفت: «السّامُ علیکُم»، پیامبر فرمود «عَلَیکَ» یاران پیامبر گفتند: او گفت مرگ بر تو، پیامبر فرمودند: هم چنان پاسخ دادم(۲).

۶- سَـماعه گوید: از امام صادق پرسیدم اگر مسلمانی نشسته باشد و یهودی یا مسیحی یا مشرکی بر وی سلام کند چگونه باید پاسخ دهد؟ حضرت فرمود: بگوید «عَلیکُم»(۳).

ص:۶۴

۱- اصول کافی، ص ۶۱۵، (باب التسلیم علی اهل الملل).

۲- اصول کافی، ص ۶۱۵، (باب التسلیم علی اهل الملل).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۵، (باب التسلیم علی اهل الملل).

۷- امام باقر فرمود: ابوجهل و عدّه ای از قریش به نزد ابوطالب آمدند و گفتند: پسر برادر تو]حضرت محمد[ما را اذیّت می کند، از او بخواه که از خدایان ما دست بردارد، ما نیز به خدای او کاری نداریم. ابوطالب پیامبر را خواست. وقتی پیامبر وارد

شد و دید مشرکین در آن جلسه هستند فرمود: «السّلامُ علیٰ مَنِ اتَّبَعَ الهُدیٰ»]و صیغه مخصوص سلام را به کار نبرد[(۱).

۸- اصبغ بن نُباته گوید: از علی شنیدم که می فرمود: شش گروه شایسته سلام نیستند: ۱- یهود ۲- نصارا ۳- اهل نرد و شطرنج ۴- اهل مشروبات الکلی و موسیقی ۵- کسانی که فحش دادن به مادرانت را وسیله شوخی خود قرار می دهند ۶- شاعران]شاعرانی که افراد نالایق را مدح می کنند[(۲).

۹- امام صادق نقل می کند که پیامبر فرمود: شما بر اهل کتاب یعنی یهود و نصارا اسلام را آغاز نکنید و اگر آن ها بر شما سلام کردند بگویید: «عَلَیکُم» و با آنان مصافحه نکنید و با کُنیه آن ها را صدا نزدنید مگر این که مجبور باشید(۳).

۵۱ – وارد نشدن به خانه غیر بدون اجازه و خبر دادن و سلام کردن و ...

۱- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق در باره قول خدای عزّوجلّ «به خانه هایی غیر از خانه های خودتان وارد نشوید مگر این که مأنوس شودی و بر اهل خانه سلام کنید»(۴).

ص:۶۵

۱- اصول کافی، ص ۶۱۵، (باب التسلیم علی اهل الملل).

۲- کتاب سرائر، ص ۴۸۴.

۳- قرب الاسناد، ص ۶۲.

۴-)لا تَدْخُلُوا بُیُوتًا غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتَّی تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَی أَهْلِهَا (، نور / ۲۷.

۲- ابوالصباح گوید از امام محمّد باقر درباره قول خدای عزّوجلّ «چون به خانه هایی وارد شوید بر خودتان سلام کنید»(۱). پرسیدم، امام فرمود: منظور سلام کردن بر اهل خانه است و آن ها پاسخ سلام او را می دهند، پس این سلام بر او می باشد(۲).

۳- امام باقر فرمود: هرگاه وارد خانه خویش می شوید اگر کسی در خانه باشد بر او سلام کنید و چنانچه کسی نباشد بگویید «السّلامُ علینا مِن عِندِ ربّنا» (سلام بر ما از جانب پروردگار ما) چرا که خدای عزّوجلّ فرمود: «تحیّتی با برکت و پاکیزه از نزد خدا است(۳)»(۴).

۵۲ - باب کسانی که رفت و آمد به خانه آن ها شایسته است

۱- امیرالمؤمنین فرمود: حکمای روزگاران گذشته گفته اند: لازم است انسان از روی ده انگیزه رفت و آمد داشته است: اوّل، خانه خدا برای انجام عبادت و ادای حقّ و واجبات. دوم، خانه فرمانروایانی که اطاعت آن ها در ارتباط با اطاعت خداست و رعایت حقّشان واجب و منفعتشان فراوان و ضررشان سهمگین است. سوم، خانه دانشمندانی که علمشان نفع دینی و دنیوی دارد. چهارم، خانه اهل جود و بخشش که اموالشان را برای شکرگزاری خدا و اجر آخرت انفاق می کنند. پنجم، افرادی که از خرد بهره زیادی ندارند و در حوادث و پیش آمدها به آن ها نیاز هست و برای رفع گرفتاری ها از آن ها کمک

۱-)فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى(، نور ۶۱.

۲- معانی الاخبار، ص ۵۲.

۳-)تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً(، نور / ۶۱.

۴- تفسیر قمّی، ص ۴۶۲.

گرفته می شود. ششم، خانه اشراف و بزرگانی که دارای بخشش و مردانگی هستند و حاجت را برآورده می سازند. هفتم، کسانی که فکر و اندیشه شان و نیز مشورت با آن ها باعث رشد فکری انسان است. هشتم، برادران ایمانی که پیوند و رعایت حقوقشان واجب است. نهم، دشمنانی که شرّ و دشمنی آن ها با مدارا و نرمی کردن و مهربانی نسبت به آن ها برطرف می شود. دهم، کسانی که دیدار و گفتگوی با آن ها بر ادب و فرهنگ انسان می افزاید(۱).

۵۳ – استحباب سلام کردن هنگام بلند شدن از مجلس

۱- امام صادق از پیامبر نقل فرموده است که هر کس از مجلسی بلند شود و در حال جدا شدن از برادرانش به آن ها سلام کند، اگر آن ها در امر خیری مشغول بحث و گفتگو باشند او در آن امر خیر شریک است و اگر در امر باطلی مشغول بحث باشند به او گناهی نمی رسد(۲).

۲- در کتاب مکارم الاخلاق از رسول خدانقل شده است که هرگاه یکی از شما بخواهد از مجلس خارج شود، سلام کند زیرا سلام اول مجلس اولویّتی نسبت به سلام آخر مجلس ندارد(۳).

۵۴ – جواز سلام و دعا کردن بر ذمّی در صورت نیاز داشتن به او

۱- عبدالرّحمان بن حجّاج گوید: به ابوالحسن کاظم عرض کردم: نظر شما درباره مراجعه به پزشکی مسیحی که به او احتیاج دارم چیست، آیا می توانم بر او

۱- خصال صدوق، ج ۲، ص ۴۸.

۲- قرب الاسناد، ص ۲۲.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۱۵.

سلام کنم و برایش دعا نمایم؟ فرمود: آری ولی دعای تو به او سود نمی رساند(۱).

۲- امام رضا فرمود: به امام صادق گفته شد چگونه به یهودی و مسیحی دعا کنم؟ امام فرمود: بگو خدا در امور دنیایت برکت دهد(۲).

۵۵ – باب جواز مکاتبه مسلمان با اهل ذمّه

۱- عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق سؤال شد: مردی به یکی از کارگزاران مهمّ زردشتی نامه می نویسد، آیا جایز است نام او را قبل از اسم خویش بنویسد؟ امام فرمود: به منظور جلب منفعت اشکالی ندارد(۳).

۲- ابو بصیر گوید: از امام صادق سؤال شد: شخصی به فردی زردشتی یا یهودی یا مسیحی یا به کسی که کارگزار و از بزرگان ایالتی از سرزمین اوست نیازی دارد ناچار است به او نامه بنویسد، آیا در نامه اش نام آن کافر را بنویسد و برای برآوردن حاجتش بر او سلام کند؟ امام فرمود: نوشتن نام او در اوّل نامه جایز نیست ولی در نامه ات بر او سلام کن. پیامبر خدا به پادشاه ایران و روم نامه می نوشت(۴).

۵۶ – استحباب سالم کردن بر خضر هرگاه نام وی برده شود

۱- حسن بن علی بن فضّال گوید: از ابوالحسن علی بن موسی الرّضا شنیدم که می فرمود: خضر آب حیات نوشیده و تا نفخه صور نمی میرد. او به نزد ما می آید و بر ما سلام می کند، ما صدای او را می شنویم امّا خودش را نمی بینیم. هر جا نام او برده شود

۱- اصول کافی، ص ۶۱۵.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۵.

۳- اصول کافی، ص ۶۱۶ (مکاتبة أهل الذّمة).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۶ (مکاتبة أهل الذمّة).

حاضر است. هر کس از شما نام او را ببرد بر او سلام کند(۱).

۵۷ – استحباب چشم پوشی و گذشت نسبت به دوستان

۱- ثعلبة بن میمون گوید: عدّه ای در خدمت امام صادق بودند و امام بر ایشان حدیث می فرمود. یکی از آنان مام شخصی را ذکر کرد و به او بد گفت و نزد امام

شکایت کرد. امام فرمود: کجا می توانی کسی را پیدا کنی که در دوستی کامل باشد، و کو مردان کاملاً وارسته؟(۲)

۲- امام جعفر صادق فرمود: درباره]باطن و جزئیات روحی[اشخاص زیاد تحقیق نکن که بی دوست باقی خواهی ماند(۳).

۳- ضحّاک بن مخلّد گوید: از امام صادق شندیم: انصاف نیست که از دوستان عدالت کامل را انتظار داشته باشید(۴)

۵۸ – استحباب دعا برای عطسه کننده مسلمان

۱- امام صادق فرموده: فرد مسلمان نسبت به برادر مسلمان خود دارای حقوقی است. ۱) وقتی او را ملاقات می کند سلام کند ۲) در موقع بیماری از او عیادت کند ۳) در غیاب او دوستی خالص باشد ۴) هنگام عطسه کردن برایش

۱- کتاب کمال الدین، ص ۲۱۹. در دنباله حدیث آمده است: هر سال در موسم حج به مکّه می رود و تمام مناسک را انجا ممی.دهد و در پاسخ دعای مؤمنان آمین می گوید و خدا او را با حضرت مهدی در تنهایی آن حضرت مأنوس می گرداند.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۰ (باب الاغضاء).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۰ (باب الاغضاء).

۴- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۷۵.

دعا کند؛ عطسه کننده بگوید: «الحمدُ لله ربّ العالَمین، لا شریکَ لَه» و برادر مسلمان بگوید: «یَرحَمُکَ الله» و او در پاسخ بگوید: «یهدیکُم اللهُ و یُصلِحْ بالَکُم» (خدا شما را هدایت کند و زندگی شما را بهبود بخشید) ۵) دعوتش را بپذیرد ۶) وقتی بمیرد جنازه اش را تشییع کند(۱).

۲- امام صادق از رسول خدا نقل فرموده است: هرگاه شخصی عطسه کرد به او دعا کنید ولو از پشت جزیره]از راه دور[باشد(۲).

۳- در روایت دیگری آمده است: اگر چه از آن طرف دریا باشد(۳).

۴- اسحاق بن یزید و معمّر بن أبی زیاد و ابن رئاب گویند: در نزد امام صادق نشسته بودیم که مردی عطسه کرد. هیچ کس دعا نکرد. حضرت برایش دعا کرد و فرمود: «سبحان الله»، چرا دعا نکردید؟ از حقوق مسلمان بر برادرش این است که ۱) وقتی مریض شود از او عیادت کند ۲) دعوت او را بپذیرد ۳) در تشییع جنازه اش حاضر شود ۴) موقع عطسه کردن به او دعا کند(۴).

۵- داود بن حصین گوید: با چهارده نفر نزد امام صادق بودیم. امام عطسه کرد. هیچ کس سخن نگفت. امام فرمود: چرا دعا نکردید؟ از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن آن است که ۱) هرگاه مریض شود از او عیادت کند ۲) وقت مرگ در تشییع جنازه اش شرکت نماید ۳) موقع عطسه کردن به او دعا کند ۴) دعوت او را بپذیرد(۵).

۱- اصول کافی، ص ۶۱۷ (العطاس والتّسمیت).

۲- اصول کافی، ص ۶۱۷ (العطاس والتّسمیت).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۷ (العطاس والتّسمیت).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۷ (العطاس والتّسمیت).

۵- اصول کافی، ص ۶۱۷ (العطاس والتّسمیت).

۵۹ – نحوه دعا کردن برای عطسه و پاسخ دادن

۱- سعد بن ابی خلف گوید: امام باقر عطسه کرد. به آن حضرت گفته شد «یَرحَمُکَ اللهُ» (رحمت خدا بر تو باد). امام در پاسخ فرمود: «یَغف رُ اللهُ لکُم و یَرحَمُکُم» (خدا شما با بیامرزد و رحمت کند). هرگاه شخصی در نزد او عطسه می کرد می فرمود: «یَرحَمُکَ اللهُ عزّوجلّ»(۱).

۲- امام محمّد باقر فرمود: هرگاه شخصی عطسه کند یا بگوید: «الحمدُ لله لا شریکَ لَهُ» (سپاس خدایی را که شریکی برای او نیست) و کسی که برای او دعا می کند باید بگوید: «یَرحَمُکَ الله» (خدا تو را رحمت کند) و عطسه کننده در پاسخ بگوید: «یغف رُ اللهُ لَکَ وَلَنا» (خدا تو و ما را بیامرزد). (و آن حضرت فرمود) از رسول خدا درباره

آیه ای از قرگن یا چیزی که در آن نام خدا باشد سؤال شد، فرمود: هر چه نام خدا و یاد خدای عزّوجلّ در آن باشد نیکوست(۲).

۳- در کتاب خصال شیخ صدوق از حضرت علی نقل شده است: هرگاه کسی از شما عطسه کرد برایش دعا کنید و بگویید: «یَرحَمُکُمُ اللهُ» (خدا شما را بیامرزد) و او بگوید: «یَغفِرُ اللهُ لَکُم و یَرْحَمُکُم» (خدا شما را بیامرزد و رحمت کند). زیرا خداوند فرموده است: «چون کسی به شما تحیّت گفت، پس تحیّت دهید به خوبتر از آن یا ردّ کنید همان را(۳)»(۴).

۱- اصول کافی، ص ۶۱۸ (العطاس).

۲- اصول کافی، ص ۶۱۸ (العطاس).

۳-)وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا (، نساء / ۸۶.

۴- خصال صدوق، ص ۱۶۸.

۶۰ – استحباب عطسه کردن و کراهت عطسه های زشت

۱- احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: از امام رضا شنیدم که می فرمود: خیازه و دهن درّه از شیطان]زشت[و عطسه از خدای عزّوجلّ است (خیر است)(۱).

۲- امام صادق فرمود: عطسه برای تمام بدن مفید است در صورتی که از سه مرتبه تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد نشانه درد و بیماری است(۲).

۳- ابوبکر حَضرَمی می گوید: درباره قول خدای عزّوجلّ که «اِنَّ اَنْکَرَ الاصوات لَصَوتُ الحَمیر»(۳).

از امام صادق سؤال کردم، فرمود: منظور عطسه زشت است(۴).

۴- مردی از اهل سنّت از امام صادق نقل می کند که حضرت فرمود: عطسه مانند نطفه از تمام بدن خارج می شود، گر چه نطفه]به ظاهر[از آلت مردی خارج می گردد. دیده ای که وقتی انسان عطسه می کند تمام اعضایش تکان می خورد؟ و کسی که عطسه می کند تا هفت روز از مرگ در امان است(۵).

۶۲ – استحباب تکرار دعای عطسه های پی درپی تا سه مرتبه

۱- امام باقر فرمود: هرگاه شخصی تا سه مرتبه عطسه کند به او دعا کن و اگر بیش تر شد دعا لازم نیست(۶).

۲- امام جعفر صادق نقل کرده است که حضرت علی فرمود: برای

۱- کمال الدین، ص ۲۴۰.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۹.

۳- همانا بدترین آوازها صوت الاغ است. لقمان / ۱۹.

۴- اصول کافی، ص ۶۱۹.

۵- اصول کافی، ص ۶۱۹.

۶- اصول کافی، ص ۶۱۹ (العطاس).

عطسه کننده تا سه مرتبه «یَرحَمُکَمُ الله» بگو و اگر از سه مرتبه تجاوز کند نیازی به دعا نیست(۱).

۳- در حدیث دیگری آن حضرت فرموده است: اگر از سه عطسه تجاوز کند به او گفته شود «شَفاکَ الله» (خدا تو را شفا دهد) زیرا آن عطسه در اثر بیماری است(۲).

۶۳ – استحباب «الحمد لله» گفتن در موقع عطسه

۱- صالح بن ابی حَمّاد گوید: از عالم آل محمّد امام موسی کاظم درباره عطسه و علّت «الحمد لله» گفتن، پرسیدم، فرمود: سلامتی بدن و اعضا و جوارح نعمتی است از جانب خدا برای بنده اش، که ممکن است بنده این نعمت را فراموش کند، لذا خدا امر می کند بادی به صورت عطسه از بینی او خارج شود و بنده در موقع عطسه خدا را

ستایش کند. بنابر این گفتن «الحمدُ لله» در موقع عطسه شکر و سپاسی است برای نعمتی که فراموش کرده بود(۳).

۲- امام صادق فرموده: نوجوانی که به حدّ بلوغ نرسیده بود در نزد پیامبرعطسه زد و گفت «الحمد لله»، پیامبر به او فرمود: «بارکَ اللهِ فیکَ» خدا مبارک کند بر تو(۴).

۳- مِسْمَع بن عبد الملک گوید: امام صادق عطسه کرد، پس فرمود: «الحمدُ للهِ ربّ العالَمین» سپس انگشت روی بینی گذاشت و گفت: بینی من با تواضع و فروتنی در مقابل خدا بر خاک است(۵).

۴- امام صادق فرمود: وقتی عطسه کسی را بشنوید اول به او دعا کنید]یَرْحَمُکُم

۱- خصال صدوق، ص ۶۳.

۲- خصال صدوق، ص ۶۳.

۳- اصول کافی، ۶۱۷ (العطاس).

۴- اصول کافی، صفحات ۶۱۸-۶۱۹ (العطاس).

۵- اصول کافی، صفحات ۶۱۸-۶۱۹ (العطاس).

الله بگویید[؛ سپس با او سخن بگویید(۱).

۴- امیرالمؤمنین فرمود: هر کس موقع عطسه زدن بگوید: «الحمدُ لله ربّ العالمینَ علیٰ کُلّ حالٍ» (در هر حال سپاس و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است)، به درد گوش و دندان مبتلا نخواهد شد(۲).

۶- امام جعفر صادق از رسول خدا نقل فرموده است: هرگاه شخص مسلمان عطسه کند و به واسطه دردی که دارد سکوت کند]الحمد لله نگوید[فرشتگان از جانب او می گویند «الحمدُ لله ربّ العالمینَ»، و اگر خودش گفت «الحمدُ لله ربّ العالمینَ» ملائکه می گویند «یغفِرُ اللهُ لکَ» (خدا تو را بیامرزد). و نیز امام از پیامبر نقل کرده که عطسه برای مریض نشانه سلامتی و راحتی بدن است(۳).

۶۴ – استحباب صلوات بر محمّد و خاندانش برای کسی که عطسه می کند یا می شنود

۱- ابن ابی عمیر از یکی از دوستانش نقل کرده است: مردی نزد امام باقر عطسه کرد و گفت «الحمدُ لِله ربّ العالِمینَ» امام به او دعا نکرد و فرمود: «از حقّ ما کاست». سپس گفت هرگاه کسی از شما عطسه کند بگوید: «الحمدُ لِله ربّ العالَمینَ، و صلّی اللهُ علیٰ محمّدٍ و اَهل بَیته». آن مرد این دعا را گفت و امام برای او دعا کرد(۴).

۲- امام صادق فرمود: هر که عطسه ای بشنود و «الحمدُ لله» بگوید و صلوات بفرستد به درد چشم و درد دندان گرفتار نخواهد شد؛ سپس فرمود: اگر عطسه ای بشنوی

۱- اصول کافی، صفحات ۶۱۸-۶۱۹ (العطاس).

۲- اصول کافی، صفحات ۶۱۸-۶۱۹ (العطاس).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۹ (العطاس).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۸ و ۶۱۹ (العطاس).

این دعا را بگو اگر چه بین تو و او دریایی فاصله باشد(۱).

۳- جابر گوید: امام باقر فرمود: عطسه نیکوست، به جسم فایده می رساند و خدای عزّوجلّ را به یاد می آورد. به امام گفتم در نزد ما گروهی هستند که می گوید برای پیامبر نصیبی از دعای عطسه نیست، امام فرمود: اگر دروغ بگوید شفاعت محمّد به آن ها نخواهد رسید(۲).

۴- امام صادق فرمود: هر کس عطسه کند و دستش را بر تیغه بینی بگذارد و بگوید «الحمدُ لله ربّ العالمین، حمداً کثیراً کَما هُوَ اَهلُه، و صلّی الله علیٰ محمّدٍ النبیّ ِو آله وسلَّم» (سپاس و ستایش فراوان خدای را که پروردگار جهانیان و شایسته حمد است و درود خدا بر پیامبر و خاندانش)، پرنده کوچکی از بینی او خارج شده تا زیر عرش پرواز می کند و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می نماید(۳).

۶۵ – درود بر محمّد و خاندانش هنگام عطسه و ذبح حیوانات و جماع محکروه نیست بلکه مستحب است

۱- فضیل بن یسار گوید: به امام باقر عرض کردمک مردم در سه مورد صلوات بر محمّد و خاندانش را نمی پسندند: ۱) هنگام عطسه ۲) در موقع سر بریدن حیوانات ۳) هنگام جماع. امام فرمود: چه شده است آن ها را؟ وای بر آنان، منافق شده اند، لعنت خدا بر آنان باد(۴).

۲- در کتاب عیون اخبارالرضا نقل شده است: در نامه ای که امام رضا به مأمون نوشت، فرمود: صلوات بر پیامبر در هر جا لازم است از جمله هنگام عطسه کردن و

ص:۷۵

۱- اصول کافی، ص ۶۱۸ و ۶۱۹ (العطاس).

۲- اصول کافی، ص ۶۱۸ و ۶۱۹ (العطاس).

۳- اصول کافی، ص ۶۱۸ (العطاس).

۴- اصول کافی، ص ۶۱۸ (العطاس).

سر بریدن حیانات و غیر آن(۱).

۶۶ – جواز دعای عطسه برای ذمّی و دعا برای هدایت وی

۱- ابن ابی نَحران از بعضـی از دوسـتانش نقل کرده است که: مردی مسیحی در نزد امام صادق عطسه کرد، مردم به او گفتند: «هـداکَ الله» (خـدا تو را هـدایت کند)، امام فرمود: «یَرحَمُکَ اللّهُ» (خدا تو را بیامرزد). اصـحاب گفتند: او مسیحی است، امام پاسخ داد: تا خدا او را نیامرزد هدایت نمی کند(۲).

۶۷ – اگر گفتاری با عطسه مقارن باشد جایز است آن عطسه را دلیل بر راستی سخن گوینده دانست

۱- امام صادق از پیامبر نقل فرموده است: عطسه دلیل بر راستی گفتار گوینده است(۳).

۲- و نیز آن حضـرت از پیـامبر نقـل فرموده است: اگر کسـی سـخن بگویـد و در همان حال فردی عطسه کنـد گواه بر درستی گفتار اوست(۴).(۵)

۶۸ – استحباب احترام و بزرگداشت شخص مُسِنّ مؤمن

۱- عبد الله بن سِنان گوید: امام جعفر صادق به من فرمود: تجلیل از پیرمرد تجلیل از خدای عزّوجلّ است(۶).

۱- عیون اخبارالرضا، ص ۲۷۶.

۲- اصول کافی، ص ۶۱۸ (العطاس).

۳- اصول کافی (العطاس).

۴- عطسه نکردن در حال گفتار دلیل بر دروغگویی نیست.

۵- اصول کافی (العطاس).

۶- اصول کافی، ص ۶۱۹ (وجوب اجلال ذی الشّیبة المسلم).

۲- امام صادق فرمود: از نشانه های تجلیل از خـدای عزّوجلّ تجلیل و بزرگداشت مسـلمانی است که]در اثر پیری[دارای موی سفید باشد(۱).

۳- امام جعفر صادق فرمود: کسی که به بزرگ ما احترام و به کوچک ما رحم نکند از ما نیست(۲).

۴- امـام صـادق فرمود: از نشـانه های تجلیل از خـدای عزّوجلّ تجلیل از مؤمنی است که]در اثر پیری[موی او سـفید شـده. هر کس مؤمنی را گرامی بدارد خدا را حترام کرده است. کسی که به مؤمن پیر اهانت کند خدا قبل از مرگش کسی را می فرستد که به او توهین نماید(۳).

۵- امام جعفر صادق فرمود: سه کس حقّشان ناشـناخته نمی مانـد مگر از جانب منافقی که به نفاق شـناخته شـده باشـد]در حدّ اعلای نفاق باشد[. ۱- کسی که مویش را در اسلام سفید کرده باشد ۲- حافظ قرآن. ۳- پیشوای عادل(۴).

۶- امام صادق فرمود: بزرگان خویش را احترام کنید و صله رحم نمایید(۵) .

۷- با اسـنادی مانند این حدیث از آن حضرت نقل شده و در آن اضافه شده است: بهترین صله رحم خودداری از آزار و اذیّت نزدیکان است(۶) .

۸ - امام صادق از رسول خدا نقل فرمود: تجلیل از مسلمان پیر تجلیل از خداست(۷).

۱- اصول کافی، ص ۶۱۹ (وجوب اجلال ذی الشّیبة المسلم).

۲- اصول کافی، ص ۳۱۹ (باب اجلال الکبیر).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۰ (وجوب اجلال ذی الشیبة).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۰ (وجوب اجلال ذی الشیبة).

۵- اصول کافی، ص ۳۱۹ (باب اجلال الکبیر).

۶- اصول کافی، ص ۳۱۹ (باب اجلال الکبیر).

۷- اصول کافی، ص ۳۹۱ (اجلال الکبیر).

۹- امام صادق از پیامبر نقل فرموده است: هر کس شخص مُسِنّی را به سبب پیری او احترام کند خدا او را از ترس و وحشت روز قیامت در امان خواهد داشت.

۱۰- و نیز آن حضرت فرموده است: هر کس پیری را که مویش را در اسلام سفید کرده است احترام کند خدا او را از وحشت روز قیامت در امان دارد(۱).

۱۱- پیامبر فرموده: کسی که نسبت به فضیلت شخص مسنّ شناخت داشته باشد و او را احترام کند خدا او را از وحشت روز قیامت در امان می دارد.

و نیز فرمود: تجلیل از پیرمرد مؤمن احترام به خداست(۲).

۱۲- امام صادق فرمود: کسی که برای اشخاص فضیلتی قاطل نباشد از بابت اندیشه خویش مغرور است(۳).

۱۳- رسول خدا فرمود: پیران را تجلیل کنید زیرا احترام به بزرگسالان تجلیل از خداست(۴).

۶۹ – استحباب احترام کریم و شریف

۱- حَجّال گوید: از جمیل بن درّاج سؤال کردم درست است که رسول خدا فرموده است: هرگاه شرافتمند قومی به نزد شما بیاید او را احترام کنید؟ گفت: بلی. پرسیدم شریف کیست؟ گفت از امام صادق در این باره پرسیدم. امام فرمود: شریف کسی است که

۱- اصول کافی، ص ۶۱۹)وجوب اجلال ذی الشیبة المسلم).

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۰۲.

۳- معانی الاخبار، ص ۷۲.

۴- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۹۶.

دارای مال باشد. از امام پرسیدم حسب چیست؟ فرمود: آن که به وسیله مال و غیر آن کارهای پسندیده انجام دهد. سؤال کردم کَرَم چیست؟ فرمود: پرهیزکاری(۱).

۲- امام صادق از پیامبر نقل فرمود: وقتی سخاوتمندی به نزد شما بیاید او را احترام کنید(۲).

۳- امام جعفر صادق از پیامبر نقل فرمود: هرگاه سخاوتمند قومی به نزد شما بیاید او را گرامی بدارید(۳).

۴- عبدالله علوی از جدّش نقل کرده است که امیرالمؤمنین فرمود: وقتی که عدیّ پسر حاتم به خدمت پیامبر رسید، پیامبر او را به خانه خویش برد و تنها حصیر و بالشی از پوست که در خانه داشت برایش پهن کرد و او را روی آن نشاند(۴).

۷۰ - کراهت نپذیرفتن تکرمی و احترام مانند نپذیرفتن متکا و بوی خوش

۱- امام صادق فرمود: دو نفر بر حضرت علی وارد شدند. حضرت برای هر کدام تشکی گذاشت. یکی روی آن نشست و دیگری امتناع کرد. حضرت به او فرمود: روی آن بنشین زیرا از پذیرفتن احترام خودداری نمی کند مگر الاغ(۵).

۲- ابوالحسن امام موسی کاظم فرمود: امیر مؤمنان می فرمود: از پذیرفتن احترام خودداری نمی کند مگر الاغ، پرسیدم مقصود از احترام چیست؟ فرمود: جا دادن به

۱- روضه کافی، ص ۲۱۹.

۲- اصول کافی، ص ۶۲۰ (باب اکرام الکریم).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۰ (باب اکرام الکریم).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۰ (باب اکرام الکریم).

۵- اصول کافی، ص ۶۲۰ (باب اکرام الضیف).

شخص در مجلس، و بوی خوش که به او تعارف می شود(۱).

۳- علی بن جَهْم گوید: از ابوالحسن امام کاظم شنیده ام که می فرمود: از پذیرفتن احترام خودداری نمی کند مگر الاغ، سؤال کردم منظور از احترام چیست؟ فرمود: چیزی مانند بوی خوش و هر چه انسان بدان احترام می شود(۲).

۴- ابو زید مکّی گوید: از امام موسی کاظم شنیدم که می فرمود: از پذیرفتن احترام خودداری نمی کند مگر الاغ، و منظور امام احترام، بوی خوش و متّکا بود(۳).

۵- بَزَنْطی از ابوالحسن علی بن موسی الرضا نقل کرده است که حضرت علی فرمود: از پذیرفتن احترام خودداری نمی کند مگر الاغ. از امام رضا پرسیدم: منظور چیست؟ فرمود: آن کرامت]احترام[شامل بوی خوش و جا دادن در مجلس می شود که هر کس این دو را نپذیرد چنان است که گفته شد(۴).

۶- سماعة بن مهران گوید: از امام صادق پرسیدم اگر کسی عطری را که به او تعارف می شود ردّ کند چگونه است؟ فرمود: شایسته نیست کراهت و احترام را ردّ نماید(۵).

۷- در کتاب قرب الاسناد از حضرت حلی نقل شده است که رسول خدا فرمود: هرگاه کرامتی بر شما عرضه شد آن را ردّ نکنید زیرا الاغ است که احترام را ردّ می کند(۶).

۱- معانی الاخبار، ص ۷۸؛ عیون الاخبار، ص ۱۷۳.

۲- معانی الاخبار، ص ۷۸؛ عیون الاخبار، ص ۱۷۳.

۳- معانی الاخبار، ص ۷۸؛ عیون الاخبار، ص ۱۷۳.

۴- معانی الاخبار، ص ۵۲.

۵- معانی الاخبار، ص ۷۸.

۶- قرب الاسناد، ص ۴۴.

۷۱ – استحباب استقبال و بدرقه از مهمان و اطاعت مهمان از صاحبخانه

۱- امام صادق از پیامبرنقل فرموده است: از جمله حقوق مهمان بر صاحبخانه آن است که صاحبخانه با آرامش و وقار در موقع ورود و خروج مهمان چند قدمی با وی برود.

و نیز آن حضرت از رسول خدا نقل فرموده است هنگامی که کسی به خانه برادر مسلمانش وارد می شود تا زمانی که از آن جا خارج شود صاحبخانه بر او فرمانرواست(۱).

۷۲ – نباید راز دوست را فاش کرد

۱- امام باقر از رسول خدا نقل فرموده است: مجلس ها امانت است]یعنی سخنی که در مجلسی گفته می شود حکم امانت دارد و نباید برای دیگران گفته شود[(۲).

۲- ابن ابی عوف گوید: از امام صادق شنديم که فرمود: مجلس ها امانت است(۳).

۳- امام جعفر صادق فرمود: مجلس ها امانت است و جایز نیست سخن کسی را که می خواهد پوشیده بماند برای دیگران نقل کند مگر با اجازه او، یا برای فرد مورد اطمینان، یا برای ذکر خیر او(۴).

۴- جابر بن عبدالله انصاری گوید: پیامبر خدا فرمود: مجلس ها امانت است مگر در سه مورد: ۱) مجلس که در آن خونی به ناحق ریخته شده باشد۲) جایی که در آن

۱- اصول کافی، ص ۶۲۰ (باب حق الدّاخل).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۰ (باب المجالس بالامانة).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۰ (باب المجالس بالامانة).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۰ (باب المجالس بالامانة).

مرتکب زنا شده اند ۳) مجلسی که در آن به ناحق مال حرامی را حلال کنند(۱).

۷۳ – هرگاه سه نفر با هم باشند کراهت دارد دو نفر از آن ها درِ گوشی صحبت کنند

۱- امام صادق فرمود: هرگاه سه نفر با هم باشند نباید دو نفر از آنان با یکدیگر درِ گوشی صحبت کنند زیرا این کار نفر سوم را اندوهگین و آزرده خاطر می کند(۲).

۲- امام کاظم فرمود: هرگاه سه نفر در خانه ای باشند نباید دو نفر از آنان با هم درِ گوشی صحبت کنند زیرا این کار دوستشان را غمگین می سازد(۳).

۷۴ – کراهت قطع کردن سخن مسلمان

۱- امام جعفر صادق از پیامبر نقل فرموده است: کسی که سخن برادر مسلمانش را قطع کند مانند آن است که صورت او را بخراشد(۴).

۷۵ – باب استحباب یا کراهت کیفیّت نشستن

۱- عبدالعظیم بن عبدالله علوی (در حدیث مرفوعه) گوید: پیامبر سه جور می نشست: ۱- سرپا به این ترتیب که ساقهای پا را بلند می کرد و دو زانو را در میان دو دست خویش حلقه وار می گرفت]و ران ها را به شکم می چسباند[. ۲- دو زانو می نشست. ۳ط یک پا را خم می کرد و پای دیگر را روی آن می انداخت، و هرگز دیده نشد که آن

۱- مجالس پسر شیخ صدوق، ص ۳۳.

۲- اصول کافی، (باب المناجات).

۳- اصول کافی، (باب المناجات).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۱.

حضرت چهار زانو بنشیند(۱).

۲- ابو حمزه ثُمالی گوید: علی بن الحسین را در حالی نشسته دیدم که یک پایش ار روی ران دیگر گذاشته بود؛ عرض کردم مردم]قوم یهود به استناد حدیث بعد[این گونه نشستن را نمی پسندند و می گویند مانند نشستن پروردگار است. امام فرمود: این نحوه نشستن من در اثر خستگی است، در صورتی که پروردگار خسته نمی شود و چرتش نمی گیرد و در خواب نمی رود(۲).

۳- حَمّاد بن عثمان گوید: امام صادق نشسته بود در حالی که پای راست آن حضرت روی رانت چپ بود، شخصی عرض کرد: فدایت شوم این گونه نشستن مکروه است. امام فرمود: نه، این سخن یهود است که می گویند وقتی خدا از خلقت اسمان ها و زمین فارغ شد بر عرش جای گرفت و این گونه نشست تا استراحت کند. خدا این آیه را نازل کرده است: «خدا نیست خدایی جز او که زنده و قائم به ذات خویش است، او را چُرت و خواب نمی گیرد»(۳).

و امام صادق همان طور که نشسته بود باقی ماند(۴).

۴- در کتاب مکارم الاخلاق، آمده است که رسول خدا هرگاه می نشست ساق های پا را از زمین بلند می کرد و زانوها را در میان دو دست خود حلقه وار می گرفت(۵).

۷۶ - نشستن در جای به عنوان تواضع

۱- امام صادق فرمود: کسی که راضی شود در پایین مجلس بنشیند تا وقتی که از

۱- اصول کافی، (باب الجلوس).

۲- اصول کافی، (باب الجلوس).

۳-)اللَّهُ لا إِلَهَ إِلا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ(، بقره / ۲۵۵.

۴- اصول کافی، (باب الجلوس).

۵- مکارم الاخلاق، ص ۱۵.

جایش بلند شود ملائکه بر او درود می فرستند(۱).

۲- امام جعفر صادق نقل فرموده است که پیامبر هرگاه وارد منزلی می شد در پایین مجلس می نشست(۲).

۳- امام صادق فرمود: از نشانه های تواضع این است که انسان در جایی پایین تر از شأن خود بنشیند(۳).

۴- امام صادق فرمود: از نشانه های تواضع آن است که ۱) به نشستن در پایین مجلس خشنود باشی ۲) به کسی که او را ملاقات می کنی سلام نمایی ۳) مجادله و

بگومگو را رها کنی اگر چه حق با تو باشد ۴) دوست نداشته باشی به خاطر تقوایی که داری ستایش شوی(۴).

۵- ابن عبّاس گوید: رسول خدا روی زمین می نشست، روی زمین غذا می خورد و با دست خویش گوسفندان را می بست و دعوت بردگان را حتّی برای نان جو می پذیرفت(۵).

۶- مُصْعَب بن شیبه گوید: پیامبر خدا فرمود: وقتی گروهی در مجلسی نشسته اند و کسی وارد می شود اگر به وی جا دهند باید بپذیرد زیرا بدین وسیله به او احترام گذاشته اند، و اگر به او جا ندهند در هر جا خالی هست بنشیند(۶).

۱- اصول کافی، ص ۶۲۱ (باب الجلوس).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۱ (باب الجلوس).

۳- اصول کافی، ص ۳۶۹ (باب التواضع).

۴- اصول کافی، ص ۳۶۹ (باب التواضع).

۵- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۵.

۶- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۵.

.

۷۷ – باب استحباب رو به قبله نشستن

۱- جَمّاد بن عثمان گوید: امام صادق را می دیدم که در خانه اش رو به قبله می نشیند(۱).

۲- امام صادق فرمود: پیامبر خدا اکثرئ رو به قبله می نشست(۲).

۳- شیخ بهایی در کتاب مفتاح الفلاح روایت کرده که از ائمّه روایت شده است: بهترین نوع نشستن آن است که رو به قبله باشد(۳).

۷۸ – باب کراهت نشستن روبه روی خورشید

۱- سهب بن زیاد در حدیثی که سند آن به حضرت علی می رسد از آن حضرت نقل کرده است: روبه روی خورشید ننشینید زیرا آن آتشدانی است که باعث رنگ پریدگی و کهنه شدن لباس و اشکار شدن دردهای پنهان می گردد.(۴).

۲- امام موسی کاظم از رسول خدا نقل فرموده است: در خورشید چهار خصلت است:

۱) رنگ را تغییر می دهد ۲) باد را گندیده می کند ۳) لباس را کهنه می سازد ۴) ایجاد درد می کند(۵).

۳- حضرت علی «در حدیث اربعماة» فرموده است: پشت به آفتاب بنشینید زیرا خورشید دردهای پنهانی را آشکار می سازد(۶).

۱- اصول کافی، ص ۶۲۱ (باب الجلوس).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۱ (باب الجلوس).

۳- مفتاح الفلاح، ص ۱۳.

۴- خصال صدوق، ج ۱، ص ۴۸.

۵- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۱۷.

۶- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۵۹.

۷۹ – استحباب نشستن در هر جایی که صاحب خانه بخواهد

۱- امام صادق از پدرش امام باقر نقل فرموده است: هرگاه کسی وارد خانه برادر مؤمنی شود هر جا صاحب خانه امر کند بنشیند زیرا صاحب خانه آشناتر است به خانه و محرم بودن آن(۱).

۸۰ – استحباب نشستن روی دو پا و در بغل گرفتن زانوها

۱- ابوالحسن امام کاظم از رسول خدا نقل فرموده است: روی پا نشستن و زانوها را در بغل گرفتن به منزله دیوار عرب هاست(۲).

۲- سَماعة گوید: از امام صادق در باره مردی که خودش را با یک جامه بپوشاند سؤال کردم، امام فرمود: اگر لباس عورتش را بپوشاند اشکال ندارد(۳).

۸۱ – استحباب شوخی و خنده کم

۱- معمّر بن خلاّد گوید: به ابوالحسن امام کاظم عرض کردم فدایت شومن عدّه ای با هم هستند و شوخی می کنند و می خندند. امام فرمود: اشکال ندارد اگر در آن نباشد؛ فهمیدم منظور امام این است که در آن شوخی، فحش و هرزه گویی نباشد. سپس فرمود: عرب صحرانشینی هدیه ای برای پیامبر آورد و به پیامبر عرض کردم: پول هدیه مرا بدهید، رسول خدا خندید. پس از آن، هنگامی که غمگین می شد می فرمود: آن عرب چه شد؟ ای کاش به نزد ما می آمد(۴).

ص:۸۶

۱- قرب الاسناد، ص ۳۳.

۲- اصول کافی، ص ۶۲۲ (باب الإتکاآ والاحتباء).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۲ (باب الإتکاآ والاحتباء).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۲ (باب الدعابة و الضّحک).

۲- ابوالحسن اول امام موسـی کاظم فرمود: یحیی بن زکریّا گریه می کرد و نمی خندید، امّا عیسی بن مریم می خندید و گریه هم می کرد و عمل حضرت عیسی بهتر از عمل حضرت یحیی بود(۱).

۳- فضل بن ابی قُرَّة گوید: امام صادق فرمود: هر مؤمنی دارای دُعایه است. پرسیدم دُعایه چیست؟ فرمود: شوخی(۲).

۴- یونس بن شـیبانی گوید: امام صادق سؤال کرد: چگونه است وضع شوخی کردن شما مؤمنین با یکدیگر؟ عرض کردم کم است. فرمود: شوخی را ترک نکنید زیرا

شوخی نشانه خوش خلقی است و بدین وسیله برادرت را خوشحال می کنی. رسول خدا با مردم شوخی می کرد و می خواست آن ها را خوشحال کند(۳).

۵- عبـدالله بن محمّد جُعفی گوید: از امام صادق شـنیدم که می فرمود: کسـی را که در بین مردم شوخی می کند خدا دوسـت دارد در صورتی که به فحش نینجامد(۴).

۶- حمران بن اعین گویـد: به خـدمت امـام محمّـد بـاقر رسـیدم و عرض کردم مرا نصـیحت کنیـد، فرمود: تو را به تقوای الهی سفارش می کنم. از شوخی بپرهیز زیرا احترام و آبروی شخص را می برد(۵).

۷- امـام جعفر صـادق از پـدرانش نقـل فرموده است که پیامبر (در وصـیّتش به علی فرمود: یا علی شوخی نکن زیرا آبرویت را می برد و دروغ مگو که نورانیّت را از تو می گیرد. (مرحوم علاّمه می فرمایند منظور در اینت احادیث شوخی زیاد است)(۶).

ص:۸۷

۱- اصول کافی، ص ۶۲۲ (باب الدعابة و الضّحک).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۲ (باب الدعابة و الضّحک).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۲ (باب الدعابة و الضّحک).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۲ (باب الدعابة و الضّحک).

۵- السرائر، ص ۴۸۴.

۶- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۴.

۸۲ – کراهت قهقهه زدن و استحباب تبسّم

۱- امام صادق فرمود: قهقهه زدن از شیطان است(۱).

۲- امام محمّد باقر فرمود: اگر قهقهه زدی پس از آن بگو «خدایا مرا دشمن مدار»(۲).

۳- امام صادق فرمود: خنده مؤمن تبسّم است(۳).

۸۳ – کراهت خنده بدون علّت

۱- امام صادق فرمود: خنده بدون سبب نشانه نادانی است. و می فرمود: در موقع خنده نباید دندان های جلو دهان دیده شود، که در این صورت عمل ناپسندی انجام داده ای. کسی که عمل بدی مرتکبی می شود از شبیخون در امان نمی ماند(۴).

۲- امام جعفر صادق فرمود: چه بسیارند کسانی که خنده بیهوده می کنند و گریه آن ها در روز قیامت زیاد است، و چه بسیارند کسانی که از خوف خدا زیاد گریه می کنند و در روز قیامت در بهشت خنده و شادی آنان زیاد است(۵).

۳- امام صادق فرمود: سه چیز مورد غضب شدید خداست: ۱) خوابیدن بدون شب زنده داری ۲) خنده بدون علّت ۳) غذا خوردن از روی سیری(۶).

۴- امام صادق فرمود: در مدینه مردی بیکاره مردم را می خنداند و می گفت: علی بن الحسین مرا خسته کرد چرا که نتوانستم او را بخندانم. در همین حدیث آمده

۱- اصول کافی، ص ۲۲۳ (باب الدّعابة و الضّحاک).

۲- اصول کافی، ص ۲۲۳ (باب الدّعابة و الضّحاک).

۳- اصول کافی، ص ۲۲۳ (باب الدّعابة و الضّحاک).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۲ (باب الدّعابة و الضّحاک).

۵- عیون اخبارالرضا، ص ۱۷۹.

۶- خصال صدوق، ص ۱۳۲ (مجالس ۳۹).

است که امام زین العابدین فرمود: به او بگویید مسلّم برای خدا روزی است که بیکاره ها در آنت روز]قیامت[زیان می کنند(۱).

۸۴ – باب کراهت شوخی و خنده زیاد

۱- امام صادق فرمود: از شوخی بپرهیزید زیرا آبرو را می برد(۲).

۲- امام جعفر صادق فرمود: خنده زیاد قلب را می میراند(۳).

۳- امام صادق فرمود: با کسی که او را دوست داری شوخی و مجادله مکن(۴).

۴- عَنْبَسه عابد گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: خنده زیاد آبرو را می برد(۵).

۵- عَنْبَسه نیز می گوید: از آن حضرت شنیدم که فرمود: شوخی دشنام کوچک است(۶).

۶- امام صادق فرمود: مجاله مکن، زیرا آبروی تو می رود و شوخی نکن که نسبت به تو گستاخ می شوند(۷).

۷- امام باقر فرمود: شوخی زیاد آبرو را می برد و خنده زیاد ایمان را به سک سو پرتاب می کند]از بین می برد[(۸).

۸- ابوالحسن امام موسی کاظم در وصیّت به بعضی از فرزندانش فرموده است: از

۱- مجالس صدوق، ص ۱۳۲ (مجلس ۳۹).
۲- اصول کافی، ص ۶۲۳ (باب الدعابة و الضحاک).
۳- اصول کافی، ص ۶۲۳ (باب الدعابة و الضحاک).
۴- اصول کافی، ص ۶۲۳ (باب الدعابة و الضحاک).
۵- اصول کافی، ص ۶۳۲ (باب الدعابة و الضحاک).
۶- اصول کافی، ص ۶۳۲ (باب الدعابة و الضحاک).
۷- اصول کافی، ص ۶۳۲ (باب الدعابة و الضحاک).
۸- اصول کافی، ص ۶۳۲ (باب الدعابة و الضحاک).

شوخی بپرهیز زیرا نور ایمان را از تو می برد و مروّت و مردانگی تو را سبک می سازد(۱).

۹- امام صادق از امیرالمؤمنین نقل فرموده است: از شوخی بپرهیز زیرا شوخی باعث کینه و دشمنی شده و فحش کوچک است(۲).

۱۰- امام جعفر صادق فرمود: از شوخی بپرهیز زیرا آبرو و شکوه و عظمت اشخاص را از بین می برد(۳).

۱۱- امام صادق فرمود: شوخی نکن چون نسبت به تو گستاخ می شوند(۴).

۱۲- امام صادق از پدرانش نقل فرموده است که پیامبر خدا فرموده: شوخی زیاد آّرو را می برد و خنده زیاد ایمان را نابود می کند و دروغ زیاد نور ایمان را می برد(۵).

۱۳- امام صادق از پدرانش نقل کرده است که حضرت علی فرموده است: خنده پیامبر تبسّم بود. روزی بر گروهی از انصار گذشت و دید با یکدیگر صحبت می کنند و دهانشان پر از خنده است، فرمود: ای گروه دست بازدارید. اگر کسی را آرزویش مغرور کند و او را از عمل خیر باز دارد به گورستان سری بزند و رستاخیز را به یاد آورد، مرگ را به یاد آورید زیرا مرگ درهم شکننده لذّت هاست(۶).

۱۴- عبدالله بن جُعفی گوید: از امام باقر شنیدیم که می فرمود: خدا کسی را که در حضور جمعی شوخی می کند دوست دارد مشروط بر این که شوخی به فحش کشانده نشود، و کسی را که در تنهایی بیندیشد و در خلوت پند و اندرز گیرد و به نماز

۱- اصول کافی، ص ۶۳۲ (باب الدعابة و الضحاک).

۲- اصول کافی، ص ۶۳۲ (باب الدعابة و الضحاک).

۳- اصول کافی، ص ۶۳۲ (باب الدعابة و الضحاک).

۴- اصول کافی، ص ۶۳۲ (باب الدعابة و الضحاک).

۵- مجالس صدوق، ص ۱۶۳ (مجلس ۴۶).

۶- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۳۳۲.

خواندن افتخار ورزد دوست دارد(۱).

۱۵- امام صادق از پدرش نقل فرموده است که داوود به سلیمان گفت: پسرم از خنده زیاد بپرهیز، زیرا خنده زیاد انسان را در روز قیامت تهیدست رها می کند(۲).

۱۶- سیّد رضی در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین نقل کرده است که آن حضرت فرمود: شخص شوخی نمی کند مگر این که چیزی از عقلش پریده باشد(۳).

۸۵ – استحباب تبسّم بر چهره مؤمن

۱- در کتاب الاِخوان از حضرت رضا نقل شده است: هر کس بر صورت خود گلاب بپاشد و برای حاجتی از خانه خارج شود دچار تنگدستی و خواری نگردد و هر کس از بقیّه آبی که برادر مؤمنش آشامیده به منظور تواضع بنوشد خدا حتماً او را وارد بهشت می کند و کسی که بر چهره برادر مؤمنش تبسّم زند خدا برایش حسنه می نویسد و کسی که خدا برایش حسنه بنویسد او را عذاب نخواهد کرد(۴).

۲- امام باقر فرمود: تبسّم مؤمن بر چهره برادرش حسنه است و پاک کردن گرد و غبار از چهره مؤمن نیز حسنه می باشد و هیچ عبادتی مانند خوشحال کردن مؤمن است(۵).

۳- امام صادق فرمود: هر که از چهره برادر مؤمنش گرد و غبار غم بزداید خدا برای او ده حسنه می نویسد و کسی که بر چهره برادرش تبسّم زند برای او حسنه ای است(۶).

۱- محاسن برقی، ص ۲۹۳.

۲- قرب الاسناد، ص ۳۳.

۳- نهج البلاغه، قسمت دوم، ص ۲۰۵.

۴- مصادقة الاخوان، ص ۲۴.

۵- مصادقة الاخوان، ص ۲۴.

۶- مصادقة الاخوان، ص ۲۴.

۸۶ – استحباب صبر کردن بر اذیّت همسایه و دیگران

۱- عمرو بن عِکْرِمَة گوید: به خدمت امام صادق رسیدم و عرض کردم همسایه ای دارم که مرا اذیّت می کند. امام فرمود: با او مهربان باش. گفتم: خدا به او رحم نکند. آن حضرت صورتش را از من برگرداند. من نخواستم با آن وضع از امام جدا شوم، لذا توضیح دادم که وی به صورت های مختلف مرا اذیّت می کند. فرمود: گمان می کنی اگر آشکارا با او دشمنی کنی می توانی از او انتقام بگیری؟ گفتم او را به اطاعت خود وا می دارم. فرمود: این همسایه تو از اشخاصی است که نسبت به کسانی که خدا به آن ها چیزی بخشیده حسد می ورزد، پس هرگاه نعمتی برای کسی دید اگر اهل و عیالی داشته باشد آن ها را اذیّت می کند و اگل اهل و عیالی ندارد به خدمتگزارش اعتراض می نماید

و اگر خدمتگزار نداشته باشد شب ها را به بیداری و روزها را به جوش و خروش به سر می برد(۱).

۲- عبد صالح (امام موسی کاظم) فرمود: خوش رفتاری با همسایه، تنها خودداری از اذیّت او نیست، بلکه تحمّل اذیّت و آزار اوست(۲).

۳- امام صادق فرمود: مؤمن از یکی از سه چیز خلاصی ندارد و گاهی هر سه در او جمع می شود؛ یا بعضی از افراد خانه در را به رویش می بندند و بدین وسیله او را اذیّت می کنند، یا همسایه او را اذیّت می کند، یا کسی در راه بر آوردن نیازمندی هایش به او آزار می رساند؛ و اگر مؤمن بر قلّه کوهی باشد خدای عزّوجلّ شیطانی را می فرستد تا او را اذیّت کند و در عین حال او را با ایمانش مأنوس می کند که از هیچ کس وحشت نداشته باشد(۳).

۱- اصول کافی، ص ۶۲۳ (حقّ الجوار).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۴ (حقّ الجوار).

۳- اصول کافی، ص ۴۳۳.

۴- امام جعفر صادق فرمود: در عالم نبوده و نمی باشد و نخواهد بود مؤمنی مگر این که دارای همسایه ای باشد که او را اذیّت کند. اگر مؤمن در جزیره ای از جزیره های دریا باشد خدا کسی را می فرستد که او را اذیّت نماید(۱).

۵- امام صادق فرمود: در گذشته و در آینده و زمانی که شما در آن به سر می برید مؤمنی نبوده و نمی باشد مگر این که دارای همسایه ای است که او را اذیّت می کند(۲).

۶- معاویّة بن عمّار گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: مؤمنی نبوده و تا روز قیامت نخواهد بود مگر این که دارای همسایه ای باشد که به او آزار رساند(۳).

۷- امام محمّد باقر فرمود: مردی به نزد پیامبر آمد و شکایت کرد که همسایه اش او را اذیّت می کند رسول خدا به او فرمود: صبر کن، مجدّداً آمد و از همسایه اش شکایت کرد، باز هم پیغمبر فرمود: صبر کن...(۴).

۸ - امام صادق فرمود: خوش رفتاری با همسایه روزی را زیاد می کند(۵).

۹- امام جعفر صادق فرمود: اگر مؤمن در قلّة کوهی ساکن باشد خدا کسی را برای آزار او می فرستد تا از این طریق پاداشی از جانب خدا به او برسد(۶).

۱۰- علی بن الحسین از پدر بزرگوارش امام حسین نقل کرده است که پیامبر خدا فرمود: من و پیامبران قبل از من پیوسته گرفتار کسانی بودیم که ما را اذیّت می کردند، و اگر مؤمن بر سر کوهی باشد خدای عزّوجلّ کسی را می رساند که او را آزار

۱- اصول کافی، ص ۴۳۳.
۲- اصول کافی، ص ۴۳۳.
۳- اصول کافی، ص ۴۳۳.
۴- اصول کافی، ص ۶۲۴.
۵- الزهد، محظوط از کتاب کافی استخراج شده است. فی ۲/ ۸۷.
۶- علل الشرایع، ص ۲۹.

رساند تا بدین طریق اجری به او برسد(۱).

۱۱- حضـرت رضا از پـدرانش نقل فرموده است که رسول خـدا فرمود: هیـچ مؤمنی نبوده و تا روز قیامت نخواهد بود مگر این که دارای همسایه ای باشد که او را اذیّت نماید(۲).

۱۲- امـام علی النّقی از پـدرانش نقل کرده است کهامام صادق فرمود: هیـچ مؤمنی نبوده و تا روز قیامت نخواهـد بود مگر این که همسـایه ای خواهـد داشت تـا او را اذیّت کنـد. (و نیز) از امـام صادق نقل فرموده است که هر کس دنیایش گوارا و بـدون گرفتاری باشد در دین او شک کنید. (و نیز امام علی النّقی گوید: امام صادق فرمود: هر گاه

دوستی از تو به امارت و ریاستی برسد و یک دهم قبل از ریاستش به تو توجّه کند دوست بدی نیست(۳).

۱۳- امـام صـادق از امیرالمؤمنین نقـل فرموده است: سه چیز از کارهای نیک است: سـخاوتمندی، نیکویی در گفتار، و صبر بر اذیّت و آزار(۴).

۸۷ - وجوب خودداری از آزار همسایه

۱- امام صادق (در حـدیثی) فرموده است: مردی از انصار به نزد رسول خـدا آمد و عرض کرد: از شخصـی خانه ای خریده ام. نزدیک ترین همسایه ام کسـی است که امیدی به خبر او ندارم از شـرّش در امان نیسـتم. رسول خدا به علی و سـلمان و اباذر و یک نفر دیگر که گمان می.کنم مقداد بود دستور داد در مسجد با صدای بلند اعلان

۱- علل الشرایع، ص ۲۹.

۲- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۱.

۳- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۷۶.

۴- محاسن برقی، ص ۶.

کنند: ایمان ندارد کسـی که همسایه اش از ظلم او در امان نباشد. آن ها به مسـجد رفته سه مرتبه اب صدای بلند گفتند، سپس پیامبر با دستش به چهل منزل از از روبرو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ اشاره کرد(۱) .

۲- امام صادق از پدرش امام باقر نقل فرموده است که در کتاب علی خواندم که رسول خدا بین مهاجرین و انصار و کسانی از مردم یثرب]مدینه[که ملحق به انصار هستند نوشت: همسایه به منزله خود انسان است و نباید زیان و گناهی به او برسد. احترام همسایه نسبت به همسایه مانند احترام نسبت به مادر است(۲) .

۳- امـام صادق فرمود: حضـرت فاطمه به نزد پیامبر آمـد تا درباره بعضـی امور شـکایت کنـد. پیامبر لوحی به وی داد و فرمود: آنچه را که در آن نوشته شده است یاد

بگیر. در آن لوح نوشـته شـده بود: هر کس به خـدا و روز قیـامت ایمان دارد همسایه اش را اذیّت نکنـد، هر که به خـدا و روز قیـامت ایمـان دارد مهمـانش را احترام کنـد و هر کس به خـدا و روز قیـامت ایمـان دارد یا بایـد سـخن خیر بگویـد یا سـکوت کند(۳) .

۴- ابو حمزه گویـد: از امـام صادق شـنیدم که می فرمود: مؤمن کسـی است که همسایه اش از بَوائق او در امان باشـد. پرسـیدم «بَوائق» چیست؟ فرمود: ظلم و ستم او(۴) .

۵- امام صادق از پدرانش، از حضـرت علی نقل کرده است که رسول خدا فرمود: هر کس همسایه اش را اذیّت کند خدا بویِ بهشت را بر او حرام کرده، جایگـاهش دوزخ است و بـد جایگـاهی است. هر کس حقّ همسـایه اش را ضایع کنـد از ما نیست. جبرئیل پیوسته مرا نسبت به همسایه سفارش می کرد به طوری که گمان

۱- اصول کافی، ص ۶۲۳ (باب حق الجوار).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۳ (باب حق الجوار).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۳ (باب حق الجوار).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۳ (باب حق الجوار).

کردم همسایه ارث می برد و پیوسته مرا نسبت به بردگان سفارش می کرد تا این که گمان کردم زمانی برای آن در نظر گرفته شده که چون آن زمان فرا رسد آزاد شوند و نیز مرا به مسواک کردن سفارش می کرد تا آن جا که گمان کردم واجب است و به اندازه ای مرا به شب زنده داری سفارش می کرد که گمان بردم نیکان امّت من هرگز نمی خوابند(۱).

۶- امام رضا فرمود: از صفات مؤمن این است که وقتی نیکی کند خوشحال می شود و زمانی که دست به کار بدی بزند استغفار می کند. مسلمان]حقیقی[کسی است که سایر مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند و آن که همسایه اش از ظلم او در امان نباشد از ما نیست(۲).

۷- امام جعفر صادق فرمود: هر که از اذیّت و آزار همسایه اش خودداری کند خدا در روز قیامت از لغزش وی صرف نظر می کند. کسی که شکم و فرجش را پاک نگه

دارد بهشت را برای او زینت می کنند. هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند خدا در بهشت برایش خانه ای بنا می کند(۳).

۸۸ - استحباب خوش رفتاری با همسایه

۱- امام صادق از پیامبرنقل فرموده است: خوش رفتاری با همسایه خانه ها را آباد و مرگ را به تأخیر می اندازد(۴).

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۷؛ عقاب الاعمال، ص ۴۶.

۲- عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۴.

۳- مجالس صدوق، ص ۳۲۹ (مجلس ۸۲).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۴ (باب حق الجوار).

۲- امام جعفر صادق فرمود: خوش رفتاری با همسایه روزی را زیاد می کند(۱).

۳- ابومسعود گوید: امام صادق به من فرمود: خوش رفتاری با همسایه باعث زیادی عمر و آبادی سرزمین گردد(۲).

۴- امام صادق فرمود: خوش رفتاری با همسایه خانه ها را آباد و عمرها را زیاد می کند(۳).

۵- ابو ربیع شامی گوید: امام صادق در حالی که خانه اش پر از جمعیّت بود فرمود: آگاه باشید از ما نیست کسی که با همسایه اش خوش رفتاری نکند(۴).

۸۹ – استحباب طعام دادن به همسایگان و وجوب آن در صورت ضرورت

۱- امام باقر از رسول خدا نقل فرموده است: کسی که شب را سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است.

و نیز فرمود: اگر در منطقه ای یک نفر شبی را گرسنه بخوابد خدا در روز قیامت به اهل آن منطقه نظر نمی کند(۵).

۲- کاهلی]یکی از اصحاب امام صادق[گوید: از آن حضرت شنیدم که می فرمود: زمانی کهم بِنیامین از نزد یعقوب رفت، یعقوب ندا کرد خدایا به من رحم نمی کنی؟ بینایی مرا گرفتی و دو فرزندم]یوسف و بنیامین[را بردی. خدا به یعقوب وحی کرد: اگر روح آن دو را گرته بودم برایت زنده شان می کرم تا به سوی تو باز

۱- اصول کافی، ص ۶۲۴ (باب حق الجوار).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۴ (باب حق الجوار).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۴ (باب حق الجوار).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۴ (باب حق الجوار).

۵- اصول کافی

گردنـد، امّـا به یـاآور گوسـفندی که کشتی و بریـان نمودی و خوردی و همسایهٔ تو رُوزه دار بود و از آن گوسـفند هیـچ به او ندادی(۱).

۳- در روایت دیگری فرموده است: پس از آن هر روز صـبح کسـی از طرف حضـرت یعقوب تا فاصـله یک فرسخ از خانه آن حضـرت نـدا می داد هر کس صـبحانه یا نهار می خواهـد به خانه یعقوب بیاید، و چون شب می شد اعلان می کرد هر که شام می خواهد به نزد یعقوب بیاید(۲).

۹۰ – کراهت همسایگی با اشخاص بد

۱- امام محمّـد باقر فرمود: از بلاهایی که پشت انسان را می شـکند همسایه بد است که اگر خوبی ببیند آن را پنهان می کند و اگر کار بدی مشاهده نماید آن را پخش می کند(۳).

۲- امام جعفر صادق از پیامبرنقل فرموده است: به خدا پناه می برم از همسایه بدی که در خانه ای

زندگی می کند، با چشـمانش تو را زیر نظر دارد و با دلش به تو توجّه دارد، اگر تو را در خوشـی ببیند ناراحت شود و اگر در بدی مشاهده کند خوشحال گردد(۴).

۳- امام جعفر صادق از پدرانش نقل فرموده است که: پیامبر در وصـیّتش به علی فرمود: یا علی چهار چیز کمرشـکن است: ۱- پیشوایی که مردم امرش را اطاعت کننـد امّا خود نافرمانی خدا کند. ۲- زنی که شوهر در عفّت و پاکـدامنی او بکوشد ولی به شوهرش خیانت کند. ۳- فقری که صاحب آن دستگیر و یاوری نیابد. ۴- همسایه بدی که

ص:۹۸

۱- اصول کافی

۲- اصول کافی

۳- اصول کافی، ص ۶۲۵ (باب حقّ الجوار).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۵ (باب حقّ الجوار).

در خانه ای ساکن باشد(۱).

۹۱ – استحباب رعایت حدّ همسایگی که از هر طرف چهل خانه است

۱- امام باقر فرمود: حدّ همسایگی چهل خانه است از روبرو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ(۲).

۲- امام صادق از پیامبر نقل فرموده است: هر چهل خانه از روبرو، و پشت سر و سمت راست و سمت چپ همسایه است(۳).

۳- معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق عرض کردم: فدایت شوم حدود همسایگی چقدر است؟ فرمود: از هر طرف چهل خانه(۴).

۴- امام صادق از پدرانش نقل کرده است که امیرالمؤمنین فرمود: حریم مسجد چهل ذراع]تقریباً ۲۰ متر[و حریم همسایگی چهل خانه از چهار جانب است(۵).

۹۲ – استحباب مدارا کردن با همسفر

۱- امام جعفر صادق از رسول خدا نقل فرموده است: از جمله حقوق مسافر بر همراهانش این است که اگر مریض شود سه روز برای او توقّف کنند(۶).

۲- امام صادق از رسول خدا نقل فرموده است: از میان دو هم نشین آن که

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۸.
۲- اصول کافی، ص ۶۲۵ (باب حقّ الجوار).
۳- اصول کافی، ص ۶۲۵ (باب حقّ الجوار).
۴- معانی الاخبار، ص ۵۲.
۵- وسائل، ج ۲، ص ۴۸۴ (احکام المساجد)؛ خصال صدوق، ص ۱۱۴.
۶- اصول کافی، ص ۶۲۵ (باب حسن الصّحابه).

نسبت به دوستش بیش تر مدارا می کند اجرش بیش تر و در نزد خدا گرامی تر است(۱).

۳- امام جعفر صادق از رسول خدا نقل فرموده است: هرگاه در سفر یکی از همراهان شما مریض شود سه روز به خاطر او توقّف کنید(۲).

۴- امام صادق فرمود: رساندن سخن به گوش شخص ناشنوا در حدّی که باعث ملال و خستگی نگردد صدقه پسندیده ای است(۳).

۹۳ - استحباب بدرقه هم سفر هنگام جدا شدن، و چند ذمّی باشد

۱- امام صادق از پدرانش نقل کرده است که امیرالمؤمنین با مردی ذمّی هم سفر شد. ذمّی به آن حضرت گفت: قصد کجا داری؟ حضرت فرمود: می خواهد به کوفه بروم. چون ذمّی جدا شد و به راه خود رفت، امیرالمؤمنین نیز با او همراه شد. ذمّی پرسید

چرا مسیر خود را به جانب من تغییر دادید؟ حضرت فرمود: این نشانه کمال حُسن رفاقت است که انسان هنگام جدا شدن چند قدمی همراهش را بدرقه کند، این دستور پیامبر ماست. در دنباله همین مطلب آمده است که آن ذمّی به همین جهت اسلام آورد(۴).

۹۴ - استحباب نامه نوشتن در سفر و وجوب پاسخ دادن به نامه

۱- امام صادق فرمود: پاسخ دادن به نامه مانند جواب دادن به سلام واجب است(۵).

۱- اصول کافی، ص ۶۲۵ (باب حسن الصّحابه).

۲- قرب الاسناد، ص ۶۴.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۳۹، (باب ثواب الصّدقة).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۵ (باب حسن الصحابه).

۵- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب التکاتب).

۲- امام جعفر صادق فرمود: پیوند بین دوستان، در حضر به دیدن یکدیگر رفتن و در سفر، نامه نوشتن به یکدیگر است(۱).

۳- در کتاب الاِخْوان از امام صادق نقل شده است: پیوند بین دوستان، به دیدن یکدیگر رفتن و در سفرع نامه نوشتن است(۲).

۹۵ – استحباب شروع نامه با بسم الله و نوشتن آن به بهترین خط

۱- امام صادق فرمود: در نوشتن]نامه[«بسم الله الرحمن الرحیم» را فراموش مکن اگر چه بعد از آن شعر باشد(۳).

۲- امام جعفر صادق فرمود: «بسم الله الرّحمن الرّحیم» را]در اوّل نامه[با نیکوترین خط بنویس، و حرف «ب» را کشیده ننویس مگر زمانی که «سین» را با دندانه نوشته باشی(۴).

۳- علی بن موسی الرضا از پدرانش در حدیثی نقل فرموده است که از امیرالمؤمنین سؤال شد چرا تُبّع، تُبّع نامیده شده؟ امام فرمود: او جوانی کاتب بود که برای مَلِکِ قبل از خود نامه می نوشت، و در اوّل نامه ها می نوشت به نام خدایی که رعد و باد را آفرید. مَلِک به او گفت: در آغاز نامه بنویس به نام فرشته رعد. جوان گفت: جز به نام خدای خویش آغاز نمی کنم، سپس فرمان های تو را می نویسم. خدا برای سپاسگزاری، حکومت آن سرزمین را به او داد و مردم از او اطاعت کردند، بدین سبب تُبّع نامیده شد(۵).

۱- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب التکاتب).

۲- الاِخوان، ص ۲۸.

۳- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۵- علل الشرایع، ص ۱۷۶؛ عیون اخبارالرضا، ص ۱۳۳.

۹۶ – چگونگی نوشتن عنوان نامه

۱- امام صادق فرمود:]در مکاتب[بعد از بسم الله الرّحمنِ الرّحیم بلافاصله ننویس «باری فلانی» ولی اشکال ندارد که بر پشت پاکت بنویسی «برای فلانی»(۱).

۲- امام جعفر صادق فرمود: داخل نامه ننویس: «برای ابی فلان» بلکه بنویس: به سوی «ابی فلان»، و بر پشت نامه بنویس «برای فلان»(۲).

۹۷ – استحباب آغاز نامه به نام کسی که نامه برایش فرستاده می شود

۱- امام صادق فرمود: اشکال ندارد که شخص نام دوستش را در آغاز نامه قبل از اسم خود بنویسد(۳).

۲- سَماعه گوید: از امام صادق درباره کسی که نام شخص را در اغاز نامه بنویسد پرسیدم، فرمود: اشکال ندارد، این فضیلتی است که شخص به وسیله آن به دوستش احترام می گذارد(۴).

۹۸ – استحباب نوشتن «ان شاءالله» در نامه هر جا که مناسب باشد

۱- مُرازِم بن حکیم گوید: امام صادق دستور داد برای کاری نامه بنویسند. نامه را نوشتند و به نظر آن حضرت رساندند. در آن کلمه «ان شاءالله» نبود. امام فرمود: چگونه امید دارید این نامه به نتیجه برسد در صورتی که «ان شاءالله» در آن نیست؟ دقّت کنید هر

۱- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

جا لازم است بنویسید(۱).

۹۹ – استحباب خشک کردن خط های نامه

۱- احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: ابوالحسن علی بن موسی الرضا روی نامه]برای خشک شدن[خاک می پاشید، و می فرمودک اشکال ندارد(۲).

۲- علی بن عطیّه]از اصحاب امام موسی کاظم[گوید: نامه هایی را از امام کاظم دیده است که خاک بر آن پاشیده بوده است(۳).

۳- احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا روی نامه خاک می پاشید(۴).

۴- امام رضا از پدرانش نقل کرده است که رسول خدا فرمود: برای حاجات خود صبح زود از خانه بیرون روید تا آن حاجت ها انجام شود، روی نامه خاک بپاشید]برای

خشک شدن نامه و مخدوش نشدن خطوط آن[که در برآوردن حاجت مؤثر است، و خیر را در نزد خوشرویان جستجو کنید(۵).

۱۰۰ – عدم جواز سوزاندن کاغذهایی که در آن یات قرآن یا نام خدا باشد

۱- عبدالملک بن عُتْبه گوید: از ابوالحسن اوّل امام موسی کاظم درباره کاغذهایی که جمع می شود و در آن نام خدا هست پرسیدم که آیا می شود آن ها را سوزاند؟ امام

۱- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۴- قرب الاسناد، ص ۱۷۰.

۵- خصال صدوق، ج ۲، ص ۳۱.

فرمود: نه، اوّل آن ها را با آب بشویید سپس بسوزانید(۱).

۲- عبدالله بن سِنان گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: کاغذها را نسوزانید بلکه خطوط آن ها را محو و سپس پاره کنید(۲).

۳- زُرارة گوید: از امام صادق درباره نامی از نامهای خدا که به وسیله آب دهان محو شود سؤال شد. امام فرمود: با پاک ترین چیزی که به آن دسترسی دارید از بین ببرید(۳).

۴- محمّد بن اسحاق بن عمّار گوید: از ابوالحسن، موس بن جعفر درباره نامه هایی که در آن نام خدای عزّوجلّ نوشته شده است سؤال شد. امام فرمود: آن ها را بشویید(۴).

۵- امام صادق از رسول خدا نقل فرموده است: آیات قرگن و نام خدا را پاک ترین چیزی که دسترسی دارید محو کنید.]نیز فرمود[پیامبر مسلمانان را از سوزاندن و از بین بردن آن ها به لگدمال کردن با قلم کشیدن روی آن ها نهی فرموده است(۵).

۶- جعفر بن محمّد از پدرانش نقل کرده است که پیامبر]مسلمانان را[از محو کردن یا نوشتن آیات قرآن با آب دهان نهی فرموده است(۶).

۷- حسن بن علیّ وشّاء گوید: عبّاس بن جعفر بن اشعث از من خواست که از امام رضا درباره سوختن نامه هایش بعد از این که آن ها را می خواند، از ترس آن که به دست دیگران نیفتد سؤال کنم. وشّاء گوید: قبل از این که بپرسم حضرت نامه ای به من نوشت و فرمود: به دوست خود بگو: من نامه هایش را بعد از خواندن می سوزانم. (شیخ

۱- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر).

۲- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر).

۵- اصول کافی، ص ۶۲۷ (باب النوادر).

۶- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶.

حرّ عـاملی فرمایـد: این حمـل بر جواز یـا ضـرورت است، یـا به نـامه هـایی مربوط می شود که]آیات[قرآن یا نام خـدا در آن نیست)(۱).

۸- علی بن جعفر گویـد: از برادرم امام موسـی کاظم درباره سوزانـدن کاغـذی که در آن چیزی نوشـته باشد سؤال کردم. امام فرمود: اگر بترسی که در آن چیزی باشد]و به دست دشمن بیفتد] سوزاندنش اشکال ندارد(۲).

۱۰۱ – استحباب تقسیم وقت بین دوستان به طور مساوی

۱- امـام صـادق فرمـود: رسول خـدا وقتش را بین دوسـتانش تقسـیم می کرد و به این و آن به یـک چشم نگـاه می کرد، و نیز فرمود: پیامبر هرگز پاهایش را در مقابل یارانش دراز نمی کرد و وقتی مصافحه می نمود دسـتش را از دست طرف نمی کشـید تـا او دست پیـامبر را رهـا نمایـد. وقتی اصـحاب این مطلب را دانسـتند هنگام پس دادن با آنت حضـرت آن ها دسـتشان را می کشیدند(۳).

۲- امـام مجعفر صادق فرمود: از زمانی که خـدا پیامبر را مبعوث کرد تا آخر عمر در حال تکیه کردن غـذا نخورد، هرگز پیش هم نشـین خویش پا روی پا نمی انداخت، د رموقع مصافحه هرگز دسـتش را پس نمی کشـید تا طرف دستش را پس بکشد، و هیچ وقت سائل را رد نمی کرد، اگر چیزی داشت به اوت می داد و اگر نمی داشت می فرمود: خدا می دهد(۴).

۳- امام باقر فرمود: وقتی که شخص با دوستش مصافحه می کند آن که دست

۱- عیون اخبار الرضا، ص ۳۳۷؛ کشف الغمّة، ص ۲۶۹.

۲- قرب الاسناد، ص ۱۲۲.

۳- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب النوادر)؛ روضه کافی، ص ۲۶۸.

۴- روضه کافی، ص ۱۶۴.

دادن را ادامه می دهد اجرش بیش تر است و گناهان آن ها آمرزیده می شود تا حدّی که هیچ گناهی باقی نمی ماند(۱).

۴- امام صادق فرمود: هرگز رسول خدا با کسی مصافحه نکرد که دستش را از دست آن شخص بکشد تا این که شخص دستش را از دست پیامبر می کشید(۲).

۱۰۲ - استحباب سؤال کردن از نام و نام خانوادگی و نَسَب و حال دوست و هم نشین

۱- علی بن الحسین نقل کرده است که رسول خدا روزی از دوستانش پرسید: می دانید ناتوانی چیست؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند، فرمود: سه چیز نشانه ناتوانی است: اوّل این که کسی دوستش را دعوت کند، غذایی تهیّه نماید امّا آن دوست خلف وعده کند و نیاید، دوم این که: یکی دوست یا هم نشین کسی باشد و علاقمند باشد بداند او کیست و از کجاست، امّا از وی جدا شود و سؤال نکند، سوم: درباره زن هاست

که کسی به زن خود نزدیک شود و از وی لذت برد امّا زن بهره اش را از همسرش نبرد(۳).

۲- علی بن الحسین از رسول خدا نقل فرموده است: ناتوان ترین نسبت و محلّ زندگی او نپرسد(۴).

۳- امام صادق از پیامبر نقل فرموده است: اگر کسی از شما برادر مسلمانش را

۱- اصول کافی، ص ۴۰۰ (باب المصافحه).

۲- اصول کافی، ص ۴۰۰ (باب المصافحه).

۳- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

دوست دارد از نام او و نامن پدر و نامن قبیله و خاندانش سؤال کند، این از حقوق واجب و صدق و صفای در دوستی استع و الاّ آشنایی کامل نخواهد بود(۱).

۴- امام جعفر صادق از پدرش نقل کرده است که رسول خدا فرمود: سه چیز جور و ستم است: ۱) شخصی با کسی معاشرت کند و از نام و نام خانوادگی او نپرسد ۲) کسی او را برای صرف غذا دعوت کند و او نپذیرد یا دعوت را بپذیرد ولی غذا نخورد ۳) قبل از این که با همسرش شوخی و بازی کند جماع نماید(۲).

۱۰۳ – کراهت از بین رفتن شرم و حیا بین دوستان

۱- امام جعفر صادق فرمود: به برادر مسلمانت کاملاً ـ اطمینان مکن، زیرا به زمین خوردن در اثر اطمینان و انسِ زیاد جبران پذیر نیست(۳).

۲- سَماعه گوید: از ابوالحسن امام موسی شنیدم که می فرمود: از بین تو و برادر مسلمانت احترام برداشته نشود، احترام یکدیگر را نگه دارید زیرا رعایت نکردن احترام حیا را از بین می برد(۴).

۳- امام جعفر صادق فرمود: دوستی دارای شرایطی است، هر کس آن شرایط را رعایت نکند او را دوست کامل به حساب نیاور و هر کس هیچ کدام از آن شرایط را ندارد دوستش مخوان. آن شرایط عبارتند از: ۱) نهان و آشکارش یکی باشد ۲) خوبی تو را خوبی خود و بدی تو را بدی خود بداند ۳) دارایی و پُست و مقام او را نسبت به تو دگرگون نسازد

۱- قرب الاسناد، ص ۷۴.

۲- قرب الاسناد، ص ۷۴.

۳- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۴- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب النوادر فی آخر الکتاب).

۴) هر /ه در توان و قدرت است از تو باز ندارد ۵) در گرفتاری ها تو را رها نکند(۱).

۴- امام صادق به بعضی از یارانش فرمود: به دوست خود اطمینان کامل نداشته باشید زیرا به زمین خوردن از راه اطمینان و زیاد انس گرفتن جبران پذیر نیست(۲).

۵- و نیز امام صادق به بعضی از دوستانش فرمودک هر کس سه مرتبه از تو خشمگین شود و درباره تو بدی نگوید او را برای خود دوست انتخاب کن(۳).

۶- امام صادق فرمود: دوستت را از راز خود آگاه مکن مگر تا حدّی که اگر دشمن تو بر آن راز آگاه شود نتواند به تو زیان رساند، چون ممکن است دوست روزی دشمن گردد(۴).

۷- علی بن موسی الرضا از پدرانش از امیرالمؤمنین نقل فرموده است: با دوست خویش در دوستی زیاده روی مکن، زیرا شاید روزی دشمن تو شود و با دشمنت در دشمنی میانه روی کن چون ممکن است روزی دوست تو گردد(۵).

۸ - طبرسی در تفسیر مجمع البیان درباره قول خدای متعال: «در محفلتان ناپسند وارد می شوید»(۶) فرموده است: در آن وجوهی است، یکی این است که اعراب وقتی دور هم می نشستند بدون اینت که از یکدیگر شرم کنند از خود باد خارج می کردند(۷).

ص:۱۰۸

۱- مجالس صدوق، ص ۳۹۷ (مجلس ۹۵).

۲- مجالس صدوق، ص ۳۹۷ (مجلس ۹۵).

۳- مجالس صدوق، ص ۳۹۷ (مجلس ۹۵).

۴- مجالس صدوق، ص ۳۹۷ (مجلس ۹۵).

۵- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۳۲.

۶-)وَتَأْتُونَ فِی نَادِیکُمُ الْمُنْکَرَ(، عنکبوت / ۲۹.

۷- مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸۰.

۱۰۴ – انتخاب دوستانی که نمازشان را به موقع می خوانند و نسبت به دوستان نیکی می کنند

۱- امام صادق فرمود: دستانتان را به دو خصلت آزمایش کنید، اگر دارای آن دو خصلت نباشند از آن ها دوری گزینید، دوری گزینید، دوری گزینید. آن دو خصلت عبارتند از: خواندن نماز در وقتش و نیکی به دوستان در سختی و رفاه(۱).

۱۰۵– استحباب خوش خویی با مردم

۱- امام محمّد باقر فرمود: با ایمان ترین مردم خوش خوترین آن هاست(۲).

۲- امام صادق فرمود: چهار چیز در هر کس باشد ایمانش کامل است و اگر از سر تا پا گناه باشد آسیبی به او نرساند، آن ها عبارتند از: راستگویی، ادای امانت، شرم و خوش خویی(۳).

۳- امام صادق از رسول خدا نقل فرموده است: برای شخص خوش خو اجری مانند اجر روزه دار شب زنده دار است(۴).

۴- امام صادق فرمود: خوش خویی به صاحبش اجر روزه دارِ شب زنده دار را می رساند(۵).

۵- از امام صادق نقل شده است: نیکی و خوش خویی باعث آبادی خانه ها و

۱- اصول کافی، ص ۶۲۶ (باب النّوادر فی آخر الکتاب).

۲- اصول کافی، ص ۳۵۷ و ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۳- اصول کافی، ص ۳۵۷ و ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۴- اصول کافی، ص ۳۵۷ و ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۵- اصول کافی، ص ۳۵۷ و ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

زیادی عمر می شود(۱).

۶- امام صادق فرمود: خوش خویی گناهان را ذوب می کند همچنان که آفتاب یخ را آب می کند(۲).

۷- امام صادق فرمود: تا می توانی با کسانی معاشرت کن که نفع تو به آن ها برسد، زیرا گاهی بنده در عبادت کوتاهی می کند ولی اخلاقش نیکوست و خدا به سبب حسن خلقش او را به درجه روزه دار شب زنده دار می رساند(۳).

۸ - امام صادق از رسول خدا نقل فرموده است: بیش ترین چیزی که امّت مرا وارد بهشت می کند تقوای الهی و خوش خویی است(۴).

۹- امام جعفر صادق فرمود: عاقل ترین مردم خوش خوترین آن هاست(۵).

۱۰- عَنْبَسه عابد گوید: امام صادق به من فرمود: مؤمن بعد از انجام واجبات پیش خدای عزّوجلّ چیزی محبوب تر از این ندارد که مردم را از لحاظ خلقش در وسعت گذارد(۶).

۱۱- بحر (بن کثیر) سقّاء گوید: امام صادق به من فرمود: ای بحر سقّاء خوش خلقی مایه آسانی امور است. سپس حضرت حدیثی نقل فرمود: که پیامبر خوش خلق بود(۷).

۱۲- امام صادق فرمود: خدای تبارک و تعالیٰ به بعضی از پیامبرانش وحی فرمود:

۱- اصول کافی، ص ۳۵۷ و ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۲- اصول کافی، ص ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۳- اصول کافی، ص ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۴- اصول کافی، ص ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۵- اصول کافی، ص ۱۲.

۶- اصول کافی، ص ۳۵۷ تا ۳۵۹ (باب حسن الخلق).

۷- اصول کافی، ص ۳۵۷ تا ۳۵۹ (باب حسن الخلق).

خوی نیکو خطاها را از بین می برد همان طور که آفتاب یخ را ذوب می کند(۱).

۱۳- علی بن الحسین از رسول خدا نقل فرموده است: در روز قیامت چیزی بهتر از خوش خویی در میزان اعمال انسان گذاشته نمی شود(۲).

امام صادق فرمود: خلق و خوی بخششی است که خدا به مخلوقش عطا می کند، برخی از آن فطری و برخی مربوط به نیّت و اراده می باشد]شخص از راه اراده و قصد می تواند آن را به دست آورد[، عرض کردم: کدام بهتر است؟ فرمود: آنچه فطری است انسان بر آن سرشته شده و جز آن نمی تواند انجام دهد و آنچه مربوط به نیّت و اراده می باشد باید برای تحقّق آن صبر و سختی را تحمّل کند، پس این بهتر است(۳).

۱۵- امام صادق فرمود: خدای تبارک و تعالی مانندِ ثواب ِ کسی را که صبح و شام در راه خدا جهاد کند به بنده خوش خلق می بخشد(۴).

۱۶- امام رضا از پدرانش نقل کرده است که پیامبر فرمود: جبرئیل از جانب پروردگار عالم بر من نازل شد و گفت: ای محمّد خوش خو باش چون باعث خیر دنیا و آ[رت می شود. آگاه باشید شبیه ترین شما به ن خوش خوترین شماست(۵).

۱۷- امام رضا نقل کرده است که رسول خدا فرمود: خوش خو باشید، زیرا خوش خو ناگزیر جایش در بهشت است، و بپرهیزید از بدخویی چون بدخو ناگزیر در آتش است(۶).

۱- اصول کافی، ص ۳۵۷ تا ۳۵۹ (باب حسن الخلق).

۲- اصول کافی، ص ۳۵۷ تا ۳۵۹ (باب حسن الخلق).

۳- اصول کافی، ص ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۴- اصول کافی، ص ۳۵۸ (باب حسن الخلق).

۵- عیون اخبارالرضا، ص ۲۱۳.

۶- عیون اخبارالرضا، ص ۱۹۹؛ صحیفة الرضا، ص ۱۴.

۱۸- امام رضا از رسول خدا نقل فرموده است: خوی بد عمل را فاسد می کند همچنان که سرکه عسل را فاسد می نماید(۱).

۱۹- امام رضا از پیامبر نقل فرموده است: بنده به واسطه خوش خویی پاداش روزه دارِ شب زنده دار را دریافت می کند(۲).

۲۰- امام رضا از رسول خدا نقل فرموده است: در میزان اعمال هیچ چیز سنگین تر از خوش خویی نیست(۳).

۲۱- امام رضا از حضرت علی نقل فرموده است: کامل ترین شما از حیث ایمان خوش خوترین شماست(۴).

۲۲- حضرت رضا از علی بن ابی طالب نقل فرموده است: خوش خویی بهترین هم نشین است(۵).

۲۳- حضرت رضا از حضرت علی نقل فرموده است: از رسول خداسؤال شد: بهترین وسیله برای ورود به بهشت چیست؟ فرمود: پرهیزگاری و خوش خویی(۶).

۲۴- امام رضا از رسول خدا نقل کرده است که آن حضرت فرمود: در روز قیامت نزدیک ترین شما به من خوش خوترین و مهربان ترین شما نسبت به خانواده اش می باشد(۷).

۲۵- نیز آن حضرت از پیامبر نقل فرموده است: بهترین مردم از لحاظ ایمان

۱- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۳؛ صحیفة الرضا، ص ۱۹.
۲- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۳؛ صحیفة الرضا، ص ۱۹.
۳- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۳؛ صحیفة الرضا، ص ۱۹.
۴- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۳؛ صحیفة الرضا، ص ۱۹.
۵- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۴؛ صحیفة الرضا، ص ۲۱.
۶- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۴؛ صحیفة الرضا، ص ۲۱.
۷- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۴؛ صحیفة الرضا، ص ۲۱.

خوش خوریت آن ها و مهربان ترین شان به خانواده خویش می باشد، و من مهربان ترین شما به خانواده ام هستم(۱).

۲۶- امام حسن فرمود: بهترین خوبی ها خوی نیکو است(۲).

۲۷- پیامبرفرمود: خوش خویی نصف دین است(۳).

۲۸- زیاد بن علاقة بن شریک گوید: از رسول خدا سؤال شد: بهترین چیزی که به مسلمانان عطا شده چیست؟ فرمود: خوش خلقی(۴).

۲۹- امام جعفر صادق فرمود: خدا اسلام را به عنوان دین شما پسندید، شما با سخاوت و خوش خویی آن را زینت بخشید(۵).

۳۰- امّ سلمه به پیامبر عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو، اگر زنی دو شوهر داشته باشد که هر دو اهل بهشت باشند، زن در بهشت به کدام یک تعلّق خواهد داشت؟ پیامبر فرمود: آن را که خوش خوتر و برای خانواده اش بهتر است انتخاب کند. ای امّ سلمه خوش خویی باعث خیر دنیا و آخرت است(۶).

۳۱- موسی بن ابراهیم گوید: از ابوالحسن اوّل]امام موسی کاظم[شنیدم که می فرمود: خدا بنده اش را به بهترین صورت و بهترین خلق و خوی آفریده است و حیا می کند از این که گوشت او را در روز قیامت طعمه آتش قرار دهد(۷).

۳۲- علی بن میمون صائغ گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: هر کس

۱- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۴؛ صحیفة الرضا، ص ۲۱.
۲- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۷.
۳- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۷.
۴- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۷.
۵- مجالس صدوق، ص ۱۶۳ (مجلس ۴۶).
۶- ثوابُ الأعمال، ص ۹۸؛ مجالس صدوق، ص ۲۹۸ (مجلس ۷۵).
۷- ثواب الاعمال، ص ۹۸.

می خواهـد رحمت خـدا شامل حال او شود و او را در بهشت ساکن گرداند باید خلقش را نیکو سازد، عدالت را رعایت کند، به یتیم رحم به ضعیف کمک و به بندگان خدا تواضع نماید(۱).

۳۳- در کتاب معانی الاخبار نقل شده که لقمان به پسـرش گفت: پسر عزیزم با صد نفر دوست باش و با یک نفر دشمن مباش. پسرم هر چه هست اخلاق و خلق توست، اخلاق تو همان دینت و خلق تو همان خوی و نحوه برخورد تو با مردم است. مردم را با خود دشـمن نکن و اخلاق پسـندیده را بیاموز. پسـرم بنـده نیکان باش و فرزند بدان مباش. امانت را به صاحبانش برگردان تا دنیا و آخرت تو سالم باشد. امین باش تا بی نیاز گردی(۲).

۳۴- امام جعفر صادق از رسول خدانقل فرموده است: کامل ترین مؤمنین از لحاظ ایمان خوش خوترین آن هاست(۳).

۳۵- پیامبر فرمود: کامل ترین مؤمنین از جهت ایمان خوش خوترین آن هاست و بهترین شما کسی است که با همسرش بهترین رفتار را داشته باش(۴).

۳۶- امـام جعفر صادق از پـدرانش نقل کرده است که رسول خـدا فرمود: در روز قیامت اوّلین چیزی که در میزان اعمال بنـده گذاشته می شود حُسن خلق است(۵).

۱۰۶ – استحباب انس و الفت با مردم

۱- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است برترین شما خوش خوترین و

۱- مجالس صدوق، ص ۲۳۴ (مجلس ۹۱).

۲- معانی الاخبار، ص ۷۴.

۳- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۸۷.

۴- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۵۰.

۵- قرب الاسناد، ص ۲۲. (توضیح داده اند پس از واجبات).

بخشنده ترین شماست؛ آنان که با مردم انس می گیرند و دیگران با آنان مأنوس می شوند و با مردم رفت و آمد دارند (کنایه از مردم داری و خوش رویی با مردم است)(۱).

۲- امام صادق فرمود: مؤمن اُنس پذیر است. کسی که با دیگران انس نگیرد و دیگران با او مأنوس نشوند خیری ندارد(۲).

۳- علی فرمود: دل های مردم رمنده است هر که به آن ها محبّت کند، به او رو آورند(۳). e`

۱۰۷ – استحباب خوش رفتاری با مردم

۱- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است آیا خبر ندهم شما را از کسی که فردا (روز قیامت) آتش دوزخ بر او حرام می شود؟ گفتند چرا یا رسول الله، فرمود: کسی که خوش خو و خوش رفتار باشد(۴).

۲- ابوالبَخْتَری در حدیث مرفوعه ای گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: مؤمنان خوش رفتار و نرم خویند، همچون شتر رام که اگر مهار شود فرمان بردار است و اگر بر روی سنگ خوابانده شود می خوابد(۵).

۳- امام صادق فرمود: از نشانه های ایمان، آگاهی در دین است و از علایم آگاهی در دین بردباری و از نشانه های بردباری مدارا نمودن با مردم است و از نشانه های

ص:۱۱۵

۱- اصول کافی، ص ۳۵۹ (باب حسن الخلق).

۲- اصول کافی، ص ۳۵۹ (باب حسن الخلق).

۳- نهج البلاغة، ص ۱۵۵، قسم دوم.

۴- ثواب الاعمال، ص ۹۴؛ مجالس، ص ۱۹۲.

۵- اصول کافی، ص ۴۲۵ (باب المؤمن و علاماته).

مردم داری؛ نرم خویی و از نشانه های نرم خویی آسان گیری و ملایمت است(۱).

۴ط امام رضا از پدرانش نقل می کند که علی فرمود پیغمبرفرموده است: مؤمن نرم خو، خوش رفتار، با سخاوت و خوش اخلاق است، و کافر خشن، تندخو، بداخلاق و متکبّر است(۲).

۱۰۸ – استحباب خوش رویی و خوش برخوردی

۱- امام صادق فرمود: نیکی به دیگران و خوش رویی محبت می آورد و آدمی را به بهشت داخل می کند و بخل و ترش رویی انسان را از خدا دور و وارد دوزخ می نماید(۳).

۲- امام باقر فرمود: شخصی نزد پیغمبر آمد و عرض کرد یا رسول الله مرا سفارشی فرمایید. از جمله سفارشات حضرت به آن شخص این بود: برادرت را با چهره باز دیدار و ملاقات کن(۴).

۳- یکی از یاران امام صادق نقل می کند که به آن حضرت عرض کردم: میزان و معیار خوش اخلاقی چیست؟ فرمود: این که فروتنی نشان دهیع خوش سخن باشی و با برادرت با چهره باز برخورد کنی(۵).

۴- حسن بن حسین گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: پیغمبر خطاب به فرزندان عبدالمطلب فرمود: ای فرزند عبدالمطلب، شما هرگز نمی توانید با اموالتانت در زندگی مردم گشایشی حاصل کنید، پس با چهره باز و خوش رویی با آن ها برخورد

۱- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۱۸.

۲- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۳۳ و صدوق در الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹ مانند آن را ذکر کرده است.

۳- اصول کافی، ص ۳۵۹ (حسن البشر).

۴- اصول کافی، ص ۳۵۹ (حسن البشر).

۵- اصول کافی، ص ۳۵۹؛ الفقیه... معانی الاخبار، ص ۷۴.

کنید (حدیث ۵ مانند حدیث ۴ است)(۱).

۵- امام صادق فرمود: سه چیز است که اگر کسی برای خدا یکی از آن ها را انجام دهد خداوند بهشت را بر او واجب گرداند: ۱) انفاق در حال فقر و تنگدستی ۲) خوش رویی با همه مردم ۳) رعایت انصاف نسبت به دیگران(۲).

۶- موسی بن جعفر به نقل از پیغمبر فرمود: خوش رویی کینه را از بین می برد(۳).

۷- امام جواد از پدرانش نقل می کند که حضرت علی فرمود: شما که نمی توانید با مالتان به مردم کنک کنید پس با چهره باز و دیدار خوش آنانت را خشنود سازید، زیرا از پیغمبر شنیدم که می فرمود: شما که هرگز نمی توانید در زندگی مردم با اموالتان گشایشی حاصل کنید، پس با اخلاقتان آنان را خوشنود سازید(۴).

۱۰۹- وجوب راستگویی

۱- امام صادق فرمود: مردم را به نیکی دعوت کنید به غیر زبانتان (یعنی با عمل و کردارتان) تا این که آنان کوشش د رعبادت و راستگویی و پرهیزگاری را از شما ببینند(۵).

۲- امام صادق فرمود: هر که زبانش راست باشد عملش پاک است(۶).

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: بنده خدا راست می گوید تا این که نزد خداوند جزو راستگویان محسوب گردد و دروغ می گوید تا این که نزد خدا

۱- اصول کافی، ص ۳۵۹.

۲- اصول کافی، ص ۳۵۹.

۳- اصول کافی، ص ۳۵۹.

۴- اصول کافی.

۵- اصول کافی، ص ۳۶۰ به طرز دیگری در جهاد نفس گفته است.

۶- اصول کافی، ص ۳۶۰.

از دروغگویان نوشته شود، پس هرگاه راست گوید خدای عزّوجلّ فرماید: این بنده راست

گفت و نیکوکار است و هنگامی که دروغ بگوید خداوند می فرماید: این بنده دروغ گفت و بدکار است(۱).

۴- امام صادق فرمود: هر که زبانش راست باشد عملش پاک است و هر که نیّتش خوب باشد روزی اش زیاد شود و هر که به خانواده اش نیکی کند عمرش طولانی گردد(۲).

۵- عمرو بن ابی مِقدام گوید: نخستین بار که خدمت امام باقر رسیدم آن حضرت فرمود: پیش از سخن گفتن راستگویی بیاموزید(۳).

۶- امام صادق فرمود: ای فُضَیل نخستین کسی که راستگو را تصدیق می کند خدای عزّوجلّ است که می داند او راستگو است. خود شخص نیز خویشتن را تصدیق می کند، زیرا می داند که صادق است(۴).

۷- ربیع بن سعد گوید: که امام باقر به من فرمود: ای ربیع شخص راست می گوید تا آن جا که خداوند او را صدّیق (بسیار راستگو) می نویسد(۵).

۸ - پیغمبر فرمود: فردای قیامت آن که از همه شما به من نزدیک تر و شفاعتش بر من واجب تر است، کسی که در سخنانش راستگوتر و در ردّ امانت درستکارتر و خوش اخلاق تر و به مردم نزدیک تر باشد(۶).

۹- در حدیث مرفوعه ای امام صادق از پیغمبر روایت کرده است: ای علی تو

۱- اصول کافی، ذیل حدیث را از محاسن نقل کرده، ج ۱۰، ص ۱۳۸.

۲- اصول کافی، ص ۳۶۰؛ کلینی در روضة، ص ۲۱۹، ط ۲.

۳- اصول کافی، ص ۳۶۰ (باب الصدق).

۴- اصول کافی، ص ۳۶۰ (باب الصدق).

۵- اصول کافی، ص ۳۶۰ (باب الصدق).

۶- مجالس صدوق، ص ۳۰۴، (م ۷۶) و در آن جا (اصدقکم لساناً) است.

را به چند خصلت سفارش می کنم، خداوند علی را در داشتن این خصال یاری ده، نخستین آن ها راستگویی است. هر گز از دهانت دروغی خارج نشود(۱).

۱۱۰ – استحباب صدق وعده، گر چه یک سال طول بکشد

۱- امام صادق فرمود: اسماعیل را صادق الوعد گفتند برای این که به شخصی در محلّی وعده داد و یک سال برایش منتظر ماند، در نتیجه خداوند او را صادق الوعد نامید. پس از یک سال آن شخص پیش اسماعیل آمد، اسماعیل به او گفت من پیوسته منتظر تو بودم(۲).

۲- امام صادق از پیغمبر نقل فرموده است، کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده ای که می دهد وفا کند(۳).

۳- هشام بن سالم گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: وعده دادن مؤمن به برادر دینی نذری است که کفّاره ندارد. کسی که خلف وعده کند خلف وعده با خدا را شروع کرده و خود را مورد خشم او قرار داده است. همین است معنای آیه شریفه، که می فرمایند: «ای کسانی که به زبان ایمان آورده اید، چرا به زبان چیزی می گویید که عمل نمی کنید، دشمنی بزرگی است در نزد خدا این که بگویید آنچه را عمل نکنید(۴) .(۵)

۴- سلیمان جعفری گوید: امام رضا فرمود: آیا می دانی که جرا اسماعیل صادق الوعد نامدیه شد؟ عرض کردم نه. حضرت فرمود: اسماعیل به شخصی وعده داد

ص:۱۱۹

۱- محاسن.

۲- اصول کافی، ص ۳۶۰ (باب الصدق).

۳- اصول کافی، ص ۳۶۰، (باب الصدق).

۴-)یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لا تَفْعَلُونَ(، الصف / ۲ و ۳.

۵- اصول کافی، ص ۴۷۴.

و یک سال به انتظارش نشست(۱).

۵- عبدالله بن سِنان گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: پیغمبر کنار تخته سنگی به مردی وعده داد، فرمود: من این جا منتظر تو هستم تا برگردی. امام می فرمود تابش آفتاب بر حضرت رسول شدید شد، یارانش عرض کردند: یا رسول الله چه خوب است که به مکانی سایه دار تشریف ببرید، فرمود: من در همین جا به آن شخص وعده داده ام و اگر نیاید در روز رستاخیز باید پاسخ گو باشد(۲).

۱۱۱ – مستحب بودن حیا

۱- امام صادق یا امام باقر فرمود: حیا و ایمان هر دو به یک رشته بسته شده اند، هرگاه یکی از آن ها برود دیگری نیز در پی آن می رود(۳).

۲- امام صادق فرمود: حیا بخشی از ایمان و ایمان وسیله رفتن به بهشت است(۴).

۳- امام صادق فرمود: کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد(۵).

۴- امام صادق فرمود: حیا و پاکدامنی، و کُندزبانی (کم گویی) نه کُنددلی، از نشانه های ایمان است(۶).

۵- پیغمبر فرمود: هر که چهار خصلت داشته باشد، اگر از سرتا پا غرق گناه باشد، خداوند گناهانش را مبدّل به حسنات گرداند. ۱) راستگویی ۲)داشتن حیا ۳) خوش خلقی

۱- علل الشرایع، ص ۳۷؛ عیون اخبارالرضاع ص ۲۳۳.

۲- علل الشرایع، ص ۳۷.

۳- اصول کافی، ص ۳۶۰ (باب الحیاء).

۴- اصول کافی، ص ۳۵۹.

۵- اصول کافی، ص ۳۶۰ و مانند این حدیث دیگری قبلاً ذکر شده، ج ۲، ص ۲۹ از ملابس.

۶- اصول کافی، ص ۳۶۰.

۴) سپاسگزاری(۱).

۶- علی فرمود: جامه حیا هر که را بپوشاند مردم عیب او را نمی بینند(۲).

۷- پیغمبر فرمود: فخر در هر چیزی که باشد از مقام و منزلت صاحبش می کاهد و حیا در هر چیزی که باشد زینت بخش صاحبش است(۳).

۸ - از کلمات قصار پیغمبر است: حیا همه اش خیر و نیکی است(۴).

۹- از جمله سفارش های علی به فرزندش محمّد حنفیّه است: جامه حیا هر که با بپوشاند، عیبش از نظرها پنهان می ماند(۵).

۱۰- پیغمبر فرمود: حیا و شرم همه اش خیر و نیکی است. یعنی حیا دیندار و بی دین را از کارهای زشت باز می دارد، شرم و حیا جامع همه زیبایی ها است(۶).

۱۱- پیغمبر فرمود: حیا و ایمان هر دو بسته به یک رشته اند، اگر یکی از بین برود، دیگری نیز از بین خواهد رفت(۷).

۱۲- پیغمبر فرمود: اگر خداوند حیا را از بنده اش بگیرد، بنده دشمن خدا و مورد نفرت قرار می گیرد، پس کسی که حیا از او برداشته شود، رحمت خدا از او سلب و رشته اسلام نیز از او گسسته می شود و چنین بنده ای مبدّل به شیطانی می گردد که دور از رحمت خداست(۸).

۱- اصول کافی، ص ۳۶۰.
۲- نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۹۴.
۳- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۱۹.
۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۳.
۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۷.
۶- معانی الاخبار، ص ۱۱۶.
۷- معانی الاخبار، ص ۱۱۶.
۸- معانی الاخبار، ص ۱۱۶: در ذیل هر دو روایت جملاتی اضافه شده، در صورت نیاز به معانی الاخبار مراجعه شود.

۱۱۲ – جایز نبودن شرم و حیا در پرسش احکام دین

۱- امام صادق فرمود: هر که در پرسیدن از چیزی خجالت کشد، در عملش سستی پدید آید(۱).

۲- پیغمبر فرمود: حیا دو گونه است: ۱) حیای عقل ۲) حیای حماقت، حیای عقل، دانش و حیای حماقت، نادانی است(۲).

۱۱۳ – استحباب عفو و گذشت

۱- ابن فَضال گوید: از امام موسی بن جعفر شنیدم که می فرمود: هیچ گاه دو گروه با هم ملاقات نکردند (به جنگ یکدیگر برنخاستند)، مگر این که هر کدام گذشتش بیش تر بود، پیروز شد(۳).

۲- پیغمبر فرمود: گذشت و عفو کنید، زیرا گذشت بر عزّت بنده می افزاید، پس همدیگر را عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند(۴).

۳- امام باقر فرمود: آن زن یهودی را که گوشت گوسفندی زهرآلود کرده بود تا پیامبر بخوردع به نزد آن حضرت آوردند، فرمود: انگیزه تو از این کار چه بود؟ زن پاسخ داد با خود گفتم اگر پیغمبر باشد زهر به او ضرری نمی رساند و اگر پادشاه باشد مردم را از دستش راحت می کنم - راوی گوید: پیغمبر او را بخشید(۵).

۴- امام باقر فرمود: پشیمانی بعد از عفو برتر و آسان ر است از پشیمانی

ص:۱۲۲

۱- اصول کافی، ص ۳۶۲ (باب العفو).

۲- اصول کافی، ص ۳۶۲ (باب العفو).

۳- اصول کافی، ص ۳۶۲ (باب العفو).

۴- اصول کافی، ص ۳۶۱.

۵- اصول کافی، ص ۳۶۲ (باب العفو).

بعد از کیفر(۱).

۵- از کلمات قصار رسول الله است: گذشتِ سلطان، حکومت او را بیش تر دوام می بخشد(۲).

۶- امام رضا در توضیح آیه)فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِیلَ((۳) «با خوی خوش آنان ار به حقّ دعوت کن» فرمود: عفو کردن بدون نکوهش و سرزنش(۴).

۷- (حدیث ۷ مانند حدیث ۶ است)(۵).

۸ - علی فرمود: چون بر دشمنت پیروز شدی گذشت از او را شکرانه پیروزی ات قرار بده(۶).

۹- علی فرمود: سزاوارترین مردم به گذشت کسی است که بر کیفر توانمندتر باشد(۷).

۱۰- امام باقر در حدیثی از پدرانش نقل کرده است که پیغمبر فرمود: چون روز رستاخیز شود منادی اعلانت می کند طوری که همه مردم می شنوند؛ وی می گوید: صاحبان فضیلت کجایند؟ گروهی از مردم برمی خیزند. آن گاه فرشتگان از آنان استقبال می کنند و می پرسند، فضیلت و برتری شما چیست که به سبب آن شما را خواستند؟ آنان می گویند، در دنیا ما را ناداتن خواندند، تحمّل کردیم، به ما بدی نمودند، عفو کردیم. آن گاه از طرف خدا خطاب شود بندگانم راست گویند، راهشان

۱- اصول کافی، ص ۳۶۱.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۳.

۳- حجر / ۸۵ .

۴- معانی الاخبار، ص ۱۰۶.

۵- مجالس صدوق.

۶- نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۴۵.

۷- نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۵.

را باز کنید تا بدون حساب به بهشت درآیند(۱).

۱۱۴ – استحباب عفو از ستمگر، صله رحم، احسان و نیکی...

۱- امام صادق فرمود: پیغمبر در خطبه ای فرموده است: آیا بهترین اخلاق دنیا و آخرت را به شما خبر ندهم؛ عفو کسی که به تو ستم کرده، پیوستن با کسی که از تو بریده، نیکی با کسی که به تو بدی کرده و عطا و بخشش به کسی که تو را محروم ساخته است.

۲- ابوحمزه ثُمالی گوید از علی بن حسین شنیدم که فرمود: چون روز رستاخیز شود خداوند اوّلین و آخرین را در یک سرزمین گرد آورد. منادی فریاد کشد صاحبان فضیلت کجایند؟ گروهی از مردم برمی خیزند. فرشتگان آن ها را ملاقات می کنند و می پرسند فضیلت شما چه بوده است؟ پاسخ می دهند، به کسی که از ما می برید می پیوستیم و به کسی که ما را محروم می ساخت بخشش می نمودیم و از کسی که به ما ستم می کرد درمی گذشتیم. به آنان گفته می شود: راست گفتید وارد بهشت شوید(۲).

۳- امام صادق فرمود: سه چیز از صفات خوب دنیا و آخرت است. عفو کسی که به تو ستم روا داشته، پیوستن به کسی که از تو بریده، خویشتن داری زمانی که با تو نادانی کنند(۳).

۴- امام باقر فرمود: سه چیز است که خدا به وسیله آن ها بر عزّت مسلمان

۱- مجالس پسر شیخ مفید، ص ۶۳پ در صدر حدیث ج ۶، ص ۱۵، ۱۹، از جهاد نفس و ذیل آن در ج ۱۵، ص ۱۵، امر به معروف.

۲- اصول کافی؛ مجالس پسر شیخ مفید، ص ۶۲.

۳- اصول کافی، ص ۳۶۱.

می افزاید، عفو کسی که به او ستم کرده است، بخشش کسی که وی را محروم ساخته است و پیوستن با کسی که از او بریده است(۱).

۵- پیغمبر فرمود: آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟ پیوستن به کسی که از تو بریده، بخشیدن کسی که محرومت ساخته گذشتن از کسی که به تو ستم کرده است(۲).

۶- علی بن موسی الرضا از پدرانش نقل کرده است که پیغمبر فرمود: شما را به صفات خوب سفارش می کنم، چون خداوند مرا برای آن مبعوث نموده است. از جمله صفات خوب آن است که انسان عفو کند کسی را که به او ستمن روا داشته ببخشد کسی را که وی را محرومن نموده، بپیوندد با کسی که از او بریده و دیدن کند از کسی که به دیدن وی نیامده است(۳).

۷- عی در وصیّت به فرزندش محمّد حنفیّه فرمود: بریدن برادرت از تو از پیوستن تو اب او و بدی گردنش از نیکی تو نباید افزون تر باشد(۴).

۸ - زُراره گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: ما خاندانی هستیم که جوانمردی ما گذشت از کسی است که به ما ستم کرده است(۵).

۹- علی بن جعفر بن محمّد گوید: هنگامی که محمّد بن اسماعیل می خواست به عراق مسافرت کند از عمویش امام موسی کاظم اجازه خواست. حضرت اجازه فرمود: محمّد برخاست و گفت: ای عمّ بزرگوار دوست دارم مرا نصیحت فرمایی.

ص:۱۲۵

۱- اصول کافی، ص ۳۶۲.

۲- اصول کافی، ص ۳۶۱.

۳- مجالس پسر شیخ مفید، ص ۳۰۴.

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۸.

۵- خصال صدوق، ج ۱، ص ۹.

حضرت فرمود: سفارش می کنم ترا به این که در ریختن خون من از خدا پروا کنی. محمّد گفت خدا لعنت کند کسی را که در ریختن خون تو کوشش نماید، سپس گفت: ای عمّ بزرگوار مرا نصیحت بفرما، حضرت مجدّداً فرمود: سفارشت می کنم به این که در ریختن خون من از خدا پروا داشته باشی. راوی گوید: آن گاه حضرت کیسه پولی را که در آن صدو پنجاه دینار بود به وی داد. محمّد آن را گرفت، سپس حضرت کیسه دیگری را که صدو پنجاه دینار داشت به او عطا فرمود: محمّد آن را نیز گرفت. برای سومین بار کیسه دیگری را که صد و پنجاه دینار داشت به او عطا فرمود. سپس هزار و

پانصد درهم را که نزد محمّد بود نیز به او بخشید. راوی گوید: عرض کردم پول زیادی به او بخشیدی. حضرت فرمود: این ها مطمئن ترین دلیل و حجّت من باشد بر او وقتی که او از من قطع رحم کند و من نسبت به او صله رحم کنم. راوی می گوید: محمّد پیش هارون الرشید از عمویش موسی بن جعفر سعایت کرد که وی ادعای خلافت دارد و برایش خراج می رسد. هارون دستور داد صد هزار درهم به محمّد بدهند و او در همان شب درگذشت. کلینی عین همین روایت را نقل کرده با این تفاوت که گفته است در آن کیسه صد دینار و در آخر روایت گفته است که در کیسه سه هزار درهم بوده است(۱).

۱۱۵ – استحباب فرو خوردن خشم

۱- امام صادق فرمود: چه خوب جرعه ای است خشم برای کسی که بر آن صبر کند، زیرا پاداش بزرگ در برابر بلای بزرگ است، چون خداوند هر گروهی را که دوست دارد گرفتارشانت می کند(۲).

۲- امام سجّاد فرمود: دوست ندارم که به جای نرم خویی و فروتنی شتران سرخ

۱- رجال کشی، ص ۱۷۱؛ اصول کافی، ص ۲۶۷.

۲- اصول کافی، ص ۳۶۲ و ۳۶۳ (باب کظم الغیظ).

مویی داشته باشم، و هیچ جرعه ای نیاشامیدم که برایم محبوب تر باشد از جرعه خشمی که طرف را به آن کیفر ندهم.]یعنی چنین صفت خوبی را با مال دنیا معاوضه نمی کنم و هرگز راضی نمی شوم که تندخو باشم و بهترین چهارپایان و زیور دنیا را داشته باشم[(۱).

۳- امام باقر از پدرش نقل فرمود: هیچ چیزی بهتر از فرو خوردن خشمی که عاقبتش صبر و شکیبایی است روشنی بخش چشم پدرت نیست، و داشتن شتران سرخ مو با لذّت نفس مرا شاد نمی کند(۲).

۴- پیغمبر فرمود: محبوب ترین راه بنده به سوی خدای عزّوجلّ نوشیدن دو جرعه است: ۱) جرعه خشمی که با خویشتن داری از آن جلوگیری کنی ۲) جرعه مصیبتی که با شکیبایی خود برگردانی.

۵- امام صادق فرمود: هیچ بنده ای خشمی فرو نخورد مگر این که خداوند در دنیا و آخرت بر عزّت او بیفزاید، چون خدای عزّوجلّ در قرآن فرموده: «آنان که خشمشان را فرو می خورند و مردم را عفو می کنند، خداوند نیکوکاران را دوست می دارد (خداوند در عوض رو خوردن خشم، این پاداش را به وی عطا می فرماید که او را دوست بدارد(۳))(۴)».

۶- امام صادق فرمود: بنده خدا هیچ جرعه ای ننوشد که در نزد خدا محبوب تر باشد از جرعه خشمی که وقتی در دلش به گردش درآمد با صبر و خویشتن داری آن را بنوشد (منظور از گردش جرعه در دل، هیجان و جوششی است که برای شخص خشمگین دست می دهد و در کیفر کردن و بخشیدن مردّد است)(۵).

۱- اصول کافی، ص ۳۶۲ و ۳۶۳ (باب کظم الغیظ).
۲- اصول کافی، ص ۳۶۳..
۳-)الَّذِینَ یُنْفِقُونَ فِی السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْکَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ(، آل عمران / ۱۳۴.
۴- اصول کافی، ص ۳۶۲.
۵- اصول کافی، ص ۳۶۳؛ محاسن برقی، ص ۲۹۲.

۷- برقی در کتاب محاسن از وَشّا مثل روایت فوق را نقل کرده جز این که در اوّل آن چنین آمده است: هیچ قطره ای نزد خداوند محبوب تر نیست از قطره اشکی که بنده ای در سیاهی شب فقط از ترس خدا فرو می ریزد(۱).

۸ - امام صادق می فرمود: هر کسی خشمی را فرو خورد که قدرت دارد آن را اِعمال کند، خداوند روز قیامت قلب او را از رضای خود پر می کند(۲).

۹- امام باقر فرمود: هر که خشمی را فرو خورد که بتواند آن را به کار برد خداوند در روز قیامت دل او را از آرامش و ایمان پر می کند(۳).

۱۰- از فرمایشان رسول الله است: هر که خشمش را فرو خورد خدا پاداش دهد و هر که بر مصیبتی صبر نماید خداوند عوضش دهد(۴).

۱۱- در وصایای پیغمبر به علی آمده است: یا علی ترا سفارشی می کنم، آن را به خاطر بسپار و بدان تا وقتی که وصیّت مرا عمل کنی در خیر هستی، یا علی هر که خشمی را فرو خورد که قادر بر اِعمال آن هست، خداوند پاداشی از آرامش و ایمان به او عطا فرماید که مزه اش را دریابد(۵).

۱۲- امام صادق از اجدادش نقل می کند که در حدیث مناهی رسول الله آمده است: هر که خشمی را فرو خورد که قادر بر اِعمال آن است و خویشتن داری کند، خداوند اجر شهید به او عطا فرماید(۶).

۱۳- ربیع بن عبدالرحمن گوید: به خدا سوگند موسی بن جعفر از فراست و

۱- اصول کافی، ص ۳۶۳؛ محاسن برقی، ص ۲۹۲.

۲- اصول کافی، ص ۳۶۲.

۳- اصول کافی، ص ۳۶۳.

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۲.

۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۳.

۶- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۸.

هوشیاری برخوردار بود و کسانی را که بر علیه او ایستادگی و رهبری امام بعد از او را انکار می کنند می شناخت، با این حال خشمش را نسبت به آن ها فرو می خورد و آنچه را که درباره آن ها می دانست بر آنان اظهار نمی کرد، بنابراین کاظم نامیده شد(۱).

۱۴- پیغمبر در آخر یکی از خطبه هایش فرمود: هر که خشمش را فرو خورد و از برادر مسلمانش گذشت کند، خداوند اجر شهید به او عطا فرماید(۲).

۱۵- امام صادق فرمود: هر که دارای سه خصلت باشد خداوند برایش حورالعین تزویج می کند، هر طور که دلش بخواهد، آن سه خصلت عبارتند از: ۱) فرو خوردن خشم ۲) صبر بر شمشیرها در راه خدا ۳) کسی که بر مال حرام دست یابد ولی برای خدا از آن درگذرد(۳).

۱۱۶ – استحباب فرو خوردن خشم از دشمنان دین در زمان حکومتشان

۱- امام صادق فرمود: فور خوردن خشم از دشمن زمان حکومت و اقتدار آن تقیّه و احتیاط است برای کسی که دوراندیشی کند و در معرض بلای دنیا درنیاید، و خصومت و دشنام دادن دشمنان در زمان اقتدارشان، بدون رعایت تقیّه، ترک کردن دستور خدای عزّوجلّ است. پس با مردم مدارا کنید تا کردار شما نزد آنان بزرگ جلوه کنند و از شما به نیکی یاد کنند - و با آنان عداوت و دشمنی نورزید، که بر گردنتان سوارشان کنید و خوار و زبون گردید(۴)

ص:۱۲۹

۱- علل الشرایع، ص ۸۹.

۲- عقاب الاعمال، ص ۴۷.

۳- محاسن برقی، ص ۶.

۴- اصول کافی، ص ۳۶۲؛ محاسن برقی، ص ۲۵۹.

.

۱۱۷ – استحباب صبر در برابر حسودان و مانند آن

۱- امام صادق فرمود: در برابر دشمنان نعمت (حسودان) صبر پیشه کن. زیرا کسی را که نسبت به تو خدا را نافرمانی کرده هرگز نتوانی بهتر از فرمانبرداری خدا نسبت به او جبران کنی(۱).

۲- پیغمبر فرمود: خداوند در مورد چهار بلا از مؤمن پیمان گرفته که سخت تری آن ها بر مؤمن این است که مؤمنی ظاهراً با او هم عقیده باشد ولی بر او رشک برد، یا این که منافقی درصدد کشف نقطه ضعف های او باشد، یا شیطان گمراهش کند، یا کافری به جنگ با او برخیزد، برای مؤمن با این ها بقایی نیست. (یعنی با این گرفتاری ها مؤمن چه قدر می تواند تحمل داشته باشد)(۲).

۳- داود بن سرحان گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: چهار چیز است که مؤمن از آن چهار چیز با یکی از آن ها برکنار نیست: مؤمنی که مؤمن دیگر بر او رشک برد و این از همه گرفتاری ها سخت تر است، منافقی که مؤمن را دنبال کند تا نقطه ضعفی از او پیدا کند دشمنی که با او در ستیز باشد، یا شیطانی که او را گمراه نماید(۳).

توضیح این که حدیث ۴ مانند حدیث یک است و از امام موسی کاظم نقل شده(۴) و حدیث ۵ نیز مانند حدیث یک است، به اضافه جملاتی در ذیل حدیث به این شرح که امام خطاب به زید شَحّام می فرماید: ای زید خداوند اسلام را انتخاب فرموده، پس هم نشینی و مصاحبت او را با خوش رویی و سخاوت نیکو بدارید(۵).

ص:۱۳۰

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۰؛ خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۳؛ اصول کافی، ص ۳۶۳ (باب کظم الغیظ).

۲- اصول کافی، ص ۴۳۲.

۳- اصول کافی، ص ۴۳۲.

۴- اصول کافی، ص ۳۶۱.

۵- اصول کافی، ص ۳۶۳.

۱۱۸ – استحباب سکوت، مگر در امور خیر

۱- امام رضا فرمود: دانش، سکوت و بردباری از نشانه های دانایی است. همانا سکوت یکی از درهای حکمت است. محققاً سکوت محبّت می آورد و راهنمای هر امر خیری است(۱).

۲- امام رضا فرمود: سکوت و بردباری از علایم دانایی است(۲).

۳- ابو حمزه گوید: از امام باقر شنیدم که می فرمود: همانا پیروان ما بی زبانند. (کم گوی گزیده گو هستند)(۳).

۴- امام صادق فرمود: پیغمبر به مردی که خدمتش آمده بود فرمود: نمی خواهی ترا به امری راهنمایی کنم که خدا به وسیله آن ترا به بهشت برد. عرض کرد چرا، یا رسول الله. حضرت فرمود: از آنچه که خدا به تو عطا فرموده بده. گفت: اگر خودم نیازمندتر باشم چه کنم؟ فرمود: ستمدیده را یاری کن. گفت: اگر خودم ناتوان تر باشم چه کنم؟ فرمود: کاری برای نادان بکن، یعنی او را راهنمایی کن. گفت اگر خودم نادان تر از او بودم چه کنم؟ فرمود: زبانت را جز از خیر خاموش دار، آیا شادمان نیستی که یکی از این خصلت ها را داشته باشی که ترا به بهشت ببرد(۴).

۵- امام صادق فرمود: لقمانت حکیم به پسرش گفت: پسر جان اگر گمان می کنی که سخن گفتن نقره است، بدان که خاموشی طلاست(۵).

۶- وَشّاء گوید: از امام رضا شنیدم که می فرمود: هرگاه مردی از بنی اسرائیل

۱- اصول کافی، ص ۳۶۴ (باب الصمت).

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶.

۳- اصول کافی، ص ۳۶۴.

۴- اصول کافی، ص ۳۶۴.

۵- اصول کافی، ص ۳۶۴.

می خواست عبادت نماید، ده سال قبل از آن سکوت اختیار می کرد. (یعنی سخن بیهوده نمی گفت)(۱).

۷- امام صادق در نصایحش به یاران خود فرمود: از این که زبانتان به سخن دروغ و ناحق و بهتان و گناه و دشمنی مشغول باشد بپرهیزید، زیرا اگر زبانتان را از آنچه که خدا زشت دانسته و نهی فرموده است نگه دارید، این کار برایتان بهتر خواهد بود از این که زبانتان به سخنان زشت مشغول باشد، چون چیرگی زبان به پلیدی هایی که خدا نهی کرده است دلیل پستی شخص در نزد خدا و دشمنی با پروردگار است، و هم چنین نوعی کری و کوری است که خداوند در روز قیامت نصیبش گرداند(۲).

۸ - پیغمبر فرمود: زبانت را نگهدار، زیرا نگهداری زبان صدقه ای است که به خود بخشیده ای، سپس فرمود: هیچ بنده ای حقیقت ایمان را نمی شناسد، تا این که زبانش را حفظ کند (یعنی آنچه را که سود دنیا و آخرت دارد بگوید و زبان را از بقیه باز دارد)(۳).

۹- امام صادق فرمود: بنده مؤمن تا زمانی که خاموش است از نیکوکاران نوشته می شود و چون لب به سخن گشاید، نیکوکار یابد کار نوشته شود (یعنی نیکی و بدی او بسته به کلامش است)(۴).

۱۰- امام صادق فرمود: سخن گفتن در راه حقّ بهتر است از سکوت بر باطل(۵).

۱۱- امام صادق فرمود: سکوت گنجی وسیع است که برای بردبار زینت و برای

۱- اصول کافی، ص ۳۶۵؛ عیون اخبارالرضا، ص ۱۸۵.
۲- روضه کافی، ص ۳.
۳- اصول کافی، ص ۳۶۴.
۴- اصول کافی، ص ۳۶۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹؛ خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۱؛ ثواب الاعمال، ص ۹۰ و ۹۷.
۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹.

نادان پرده و پوشش است(۱).

۱۲- امام صادق فرمود: با هیچ چیز همانند سکوت و رفتن به زیارت خانه خدا نمی توان خدا را عبادت کرد(۲).

۱۳- پیغمبر فرمود: زمانی برای مردم پیش می آیـد که در آن زمان سـلامتی دارای ده جزء است، نه جزء آن در کناره گیری از مردم، و جزء دیگرش در خاموشی است. و در کتاب خصال از محمّد بن حسن از صفّار از عباس بن معروف نظیر همین روایت نقل شده است(۳).

۱۴- حدیث ۱۴ مانند حدیث شماره یک است از امام رضا(۴).

۱۵- امام صادق فرمود: خواب، راحتی بدن، سخن گفتن، راحتی روح و سکوت، راحتی برای عقل است(۵).

۱۶- علی بن حسـین فرمود: گفتار نیک ثروت را زیاد و روزی را افزون می کند، اجل را به تأخیر می اندازد، محبت خاندان را جلب و انسان را وارد بهشت می کند(۶).

۱۷- امام صادق به نقل از اجدادش فرمود: حضرت داود به سـلیمان گفت: پسـرم، بسیار سکوت کن، زیرا یک بار پشیمانی بر سکوت درازمدت، بهتر از پشـیمانی متعدّد بر گفتار زیاد است. فرزندم، اگر سـخن گفتن نقره است سـزاوار است که خاموشـی طلا باشد(۷).

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲- ثواب الاعمال، ص ۹۷؛ خصال صدوق، ج ۶، ص ۳۲ در باب وجوب حج.

۳- ثواب الاعمال، ص ۹۷؛ خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۸.

۴- خصال صدوق، ج ۱، ص ۷۶؛ عیون اخبارالرضا، ص ۱۴۳؛ قرب الاسناد، ص ۱۶۲.

۵- مجالس صدوق، ص ۲۶۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۲.

۶- مجالس صدوق، ص ۲؛ خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۵۳.

۷- قرب الاسناد، ص ۳۳.

۱۸- علی فرمود: خاموشی از اندرز دادن خیری ندارد. چنان که در سخن گفتن از روی نادانی بهره ای نیست(۱).

۱۹- علی فرمود: سکوت زیاد، شکوه و بزرگی می آورد(۲).

۲۰- علی فرمود: هر که گفتارش زیاد شود، لغزشش بیش تر است و هر که لغزشش بیش تر باشد، از حیای او کاسته شود و هر که حیایش کم شود، پارسایی اش کاهش یابد و هر که پارسایی اش کم گردد، دلش می میرد، هر که دلش بمیرد، در آتش داخل می شود(۳).

۲۱- علی فرمود: تا سخن نگفته ای گفتارت گروگان توست، و چون سخن گفتی کلامت را در موضعش قرار دادی، (چه خوب یابد) زبانت را نگهدار چنان که طلا و سکّه ات را نگاه می داری، ای بسا سختی نعمتی را از تو باز گیرد(۴).

۱۱۹ – استحباب سخن گفتن در جایی که سکوت روا نیست

۱- پیغمبر در نصیحتش به ابوذر فرمود: ای اباذر! کسی که در میان جمعی غافل و بی خبر یاد خدا می کند، همانند کسی است که در میان گروهی که از جنگ می گریزند به نبرد ادامه می دهد.

ای اباذر، هم نشین خوب بهتر از تنهایی و تنهایی بهتر از هم نشین بد است. گفتن سخن خیر بهتر از خاموشی و خاموشی بهتر از گفتار شرّ است.

ای اباذر، سخنان زاید را ترک کن و سخن به مقداری که نیازت را برآورد ترابس است.

۱- نهج البلاغه، بخش دوم، ص ۱۸۶ و ۲۵۴.

۲- نهج البلاغه، بخش دوم، ص ۱۹۴.

۳- نهج البلاغه، بخش دوم، ص ۲۲۷.

۴- نهج البلاغه، بخش دوم، ص ۲۳۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱۵، ص ۱۱۹.

ای اباذر، در دروغگویی شخص همین بس که هر چه را بشنود نقل می کند. ای اباذر، هیچ چیز برای حبس کردن طولانی در زندان سزاوارتر از زبان نیست. ای اباذر، خدا نزد زبان هر گوینده حاضر است، پس شخص باید از خدا پروا داشته باشد و بداند که چه می گوید(۱).

۲- در احتجاج طبرسی است که از علی بن حسین سؤال شد، سکوت بهتر است یا سخن گفتن، فرمود: برای هر یک از آن ها آفت هایی است؛ اگر سالم از آفت باشند سخن گفتن بهتر از خاموشی است. عرض شد یابن رسول الله چگونه است آن؟ فرمود: برای این که خدای عزّوجلّ هیچ یک از پیغمبران و اوصیا را برای سکوت مبعوث نفرموده، بلکه برای سخن گفتن فرستاده است، و استحقاق بهشت با سکوت امکان پذیر نیست و دوستی خدا با سکوت میسّر نمی شود، دوری از آتش غضب پروردگار با سکوت ممکن نیست، بلکه همه این ها با سخن گفتن و تکلّم به دست می آید، من نمی توانم ماه را با خورشید یکسان بدانم. راوی گوید: یابن رسول الله شما برتری سکوت بر کلام را بیان فرمودی، ولی فضیلت کلام را بر سکوت توصیف نفرمودی(۲).

۱۲۰ – وجوب نگهداری زبان از آنچه که گفتنش روا نیست

۱- امام سجّاد فرمود: هر روز صبح زبان آدمی تمام اعضای بدنش را زیر نظر گرفته می گوید: چگونه هستید؟ شب را چگونه به صبح رساندید؟ پاسخ می دهند: اگر تو ما را رها کنی خوب هستیم و می گویند: خدا را، خدا را نسبت به ما یاد بیاور، سوگندش

ص:۱۳۵

۱- مجالس صدوق، ص ۳۳۹.

۲- احتجاج طبرسی، ص ۱۷۲.

دهند و گویند ما به وسیله تو پاداش و کیفر می بینیم(۱).

۲- ابو جَوّانِی گوید: امام صادق را دیدم که انگشت بر لب های مبارکش گذاشته به غلامش سالم می فرماید: ای سالم زبانت را نگهدار تا سلامت بمانی و مردم را بر دوش ما سوار مکن (از فضایل ما آنچه خلاف تقیّه است مگو تا بر ما نشورند)(۲).

۳- شخصی به امام موسی بن جعفر عرض کرد: یابن رسول الله مرا نصیحت فرمایید، فرمود: زبانت را نگهدار تا عزیز شوی، اختیارت را به دست مردم نده تا خوار و زبون نگردی(۳).

۴- امام صادق در مورد آیه شریفه «مگر کسانی را ندیدی که به آن ها گفته شد دست های خود را نگه دارید»(۴).

فرمود: مراد از کفوّا اُیدیکم، یعنی زبانتان را نگه دارید(۵).

۵- امام صادق به مردی که زیاد حرف می زد، فرمود: سخن را کوچک و خوار می شماری همانا خدا هیچ پیغمبری را همراه با طلا و نقره مبعوث نفرموده بلکه آن ها را با کلام به سوی مردم فرستاده، خداوند خودش را نیز به وسیله کلام و براهین و ادلّه به مردم معرفی کرده است(۶).

۶- در حدیث مرفوعه ای پیغمبر فرمود: نجات مؤمن در نگه داشتن زبانش باشد(۷).

۱- اصول کافی، ص ۳۶۵ (باب الصمت)؛ مجالس صدوق...؛ خصال صدوق، ج ۱، ص ۶؛ عقاب الاعمال، ص ۲۲.

۲- اصول کافی، ص ۳۶۴.

۳- اصول کافی، ص ۳۶۴.

۴-)أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ(، نساء / ۷۷.

۵- اصول کافی، ص ۳۶۴.

۶- روضه کافی، ص ۱۴۸.

۷- اصول کافی، ص ۳۶۵.

۷- ابوبصیر گوید: از امام باقر شنیدم که می فرمود: ابوذر رحمة الله علیه می گفت: ای آن که دانش می طلبی همانا این زبان کلید خیر و شرّ است، پس چنان که بر طلا و نقره ات (برای محفوظ ماندن) مهر می زنی، بر زبانت نیز مهر بزن(۱).

۸ - در حدیث مرفوعه آمده است که مردی خدمت پیغمبر آمد و عرض کرد: یا رسول الله مرا نصیحتی فرما. فرمود: زبانت را نگهدار. عرض کرد: یا رسول الله مرا نصیحتی فرما. فرمود: زبانت را نگهدار، عرض کرد: یا رسول الله به من نصیحتی فرما. فرمود: زبانت را نگهدار، وای بر تو، آیا مردم را به جز نتیجه گفتار زبانشان به رو در آتش اندازند؟(۲).

۹- امام صادق فرمود: در حکمت آل داود است (کتاب زبور) که بر عاقل لازم است به وضع زمانش آشنا باشد، سرگرم کار خود بوده، زبانش را نگه دارد(۳).

۱۰- امام صادق فرمود: روزی نیست جز آن که هر عضوی از اعضای بدن در برابر زبان فروتنی کرده و می گویند: ترا به خدا مبادا به وسیله تو ما عذاب ببینیم(۴).

۱۱- امام صادق از پیغمبر نقل فرمود: اگر در چیزی نحسی و شومی باشد، آن شومی در زبان است(۵).

۱۲- علی فرمود: زبان درنده ای گزنده است، اگر به خود واگذار شود می گزد(۶).

۱۳- علی فرمود: چون خرد به مرتبه کمال رسد گفتار کاهش می یابد(۷).

۱- اصول کافی، ص ۳۶۵.

۲- اصول کافی، ص ۳۶۵.

۳- اصول کافی، ص ۳۶۵.

۴- اصول کافی، ص ۳۶۵.

۵- اصول کافی، ص ۳۶۵.

۶- نهج البلاغه، بخش دوم، ص ۱۵۶.

۷- نهج البلاغه، بخش دوم، ص ۱۵۷.

۱۴- امـام صـادق فرمود: در حکمت آل داود (کتاب زبور) است که خردمنـد سـزاوار است سـرگرم کار خود باشـد، زبانش را نگهدار و وضع اهل زمانش را بشناسد(۱).

۱۵- علی در وصـیّت فرزنـدش محمّـد حنیفیّه فرمود: خدای عزّوجلّ چیزی نیکوتر از سـخن و زشت تر از آن نیافریده است؛ به سبب سخن چهره ها سیاه و سفید می شوند.

آگاه باش تا وقتی که سـخن نگفته ای کلامت در اختیار توست و چون سـخن گفتی آن را در جایش قرار دادی، «خوب یا بد» همچنان که طلا و نقره ات را نگاه می داری، زبانت را نیز نگه دار، زیرا زبان سگ گزنـده است اگر آزادش گذاری می گزد، ای بسا سـخنی نعمتی را بِرُبایـد. هرکه افسار گسـیخته باشـد به سوی زشتی ها و پلیدی ها کشـیده می شود، آن گاه از روزگار رهایی ندارد مگر با مذمّت مردم و دشمنی با خدا(۲).

۱۶- علی فرمود: هیچ چیزی برای این که مدتی دراز، زندانی شود سزاوارتر از زبان نیست(۳).

۱۷- امام رضا از پدرش نقل کرده است که امام صادق فرمود: نجات مؤمن در نگهداری زبانش است، و نیز علی فرمود: هر که زبانش را نگه دارد، خداوند عیب های او را می پوشاند(۴).

۱۸- سـلیمان بن مهران گویـد: بر امام صادق وارد شدم، عده ای از شـیعیان در خدمتش بودند، شـنیدم که می فرمود: ای گروه شیعیان زینت ما باشید و سبب ننگ ما نشوید، به مردم سخنان خوب بگویید، زبانتان را حفظ کنید و آن را از گفتن سخنان

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۹.
۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۹؛ نهج البلاغه، بخش دوم، ص ۲۳۷.
۳- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۱.
۴- ثواب الاعمال، ص ۹۹.

زشت و بی فایده باز دارید(۱).

۱۹- پیغمبر فرمود: در غیر ذکر خدا زیاد سخن نگویید زیرا سخن گفتن زیاد در غیر ذکر خدا قساوت قلب می آورد و دورترین مردم از خدا کسانی هستند که قساوت قلب دارند(۲).

۲۰- امام صادق به یارانش فرمود: کلامی را از من بشنوید که از پول پس انداز شده برایتان بهتر است: هیچ کدام از شما سخنی را که سودمند نیست نگویید و سخنی را که سود دارد زیادی اش را ترک کنید و به در موقعیت مناسب بگویید. ای بسا گوینده ای که با گفتار بی مورد خویشتن را به اشتباه انداخته است. هیچ یک از شما نباید با بردبار و احمق مجادله کند، زیرا هر که با بردبار مجادله نماید محکوم می شود و هر که با سفیه مجادله کند خوار و زبون شود. برادرانتان را در غیابشان بهتر از آنچه که می خواهید آنان شما را در غیاب یاد نمایند یاد کنید. اعمالتان را مانند کسی انجام دهید که از پاداش کار نیک و عذاب گناهان آگاه است(۳).

۲۱- امام صادق از پدرانش نقل کرده است که علی فرمود: سه چیز باعث نجات است: ۱) نگهداری زبان ۲) گریه بر گناهان ۳) توسعه دادن زندگی اهل و عیال(۴).

۲۲- فُضَیل بن یسار گوید: امام باقر فرمود: ای فضیل، به دوستان ما سلام برسان و به آنان بگو که من چنین می گویم: من از آنان به هیچ چیز مثل تقوا برای خدا بی نیاز نمی شوم. زبان هایتان را حفظ کنید، دست هاتان را «از کارهای بد» باز دارید، نماز خواندن

ص:۱۳۹

۱- المجالس، ص ۹۹.

۲- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲.

۳- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۳۹.

۴- محاسن، ص ۴.

و صبر کردن پیشه نمایید، زیرا خداوند با صابران است(۱).

۲۳- امام صادق از اجدادش نقل کرده است که پیغمبر فرمود: بر زبان هر گوینده نگهبانی مراقب است، شخص باید از خدا پروا داشته باشد، و بنگرد که چه می گوید(۲).

۲۴- امام صادق از جدّش نقل فرماید: از نشانه های کمال اسلام شخص، ترک سخن بیهوده است(۳).

۱۲۱ – کراهت گفتار زیاد در غیر ذکر خدا

۱- امام صادق فرمود: حضرت عیسی می گفت در غیر ذکر خدا زیاد سخن نگویید، زیرا آنان که در غیر ذکر خدا زیاد سخن گویند، قساوت قلب دارند امّا خودشان نمی دانند(۴).

۲- امام صادق از پیغمبر نقل فرمود: هر که گفته های خود را جزو اعمالش نشمارد لغزش هایش زیاد شود و عذابش فرا رسد(۵).

۳- جعفر بن ابراهیم گوید: امام صادق از پیغمبر نقل فرموده است: هر که موقعیّت گفتارش را در کردار خود بنگرد، از سخنش کاسته شود، مگر درباره آنچه که برای او سودمند باشد(۶).

۴- در نامه امام صادق به یارانش آمده است: از خدا پروا کنید، زبانتان را نگه دارید

ص:۱۴۰

۱- سرائرع ص ۴۷۲.

۲- قرب الاسنادع ص ۳۲.

۳- قرب الاسناد، ص ۳۲.

۴- اصول کافی، ص ۳۶۵ (باب الصمت).

۵- اصول کافی، ص ۳۶۵ (باب الصمت).

۶- اصول کافی، ص ۳۶۵ (باب الصمت).

مگر از خیر و نیکی، تا این که فرمود: سکوت کنید مگر در آنچه که برای آخرتتان نفعی داشته باشد، خداوند پاداشتان دهد. کلمه لا اله الاّ الله و سبحان الله را بیش تر بگویید. خدا را زیاد حمد و ثنا گفته، تضرع و زاری نمایید. به خیری که نزد خداوند است و مقدار و کنهش برای کسی به جز خدا معلوم نیست رغبت نشان دهید و با آن کلمات (اذکار یاد شده) زبانتان را از گفتار باطلی که خدا نهی فرموده و گوینده اش اگر توبه نکرده بمیرد در آتش همیشگی معذّب می شود، نگه دارید(۱).

۵- امیرالمؤمنین از جایی می گذشت. شخصی را دید که حرف های لغو و بیهوده می زد. حضرت ایستاد و فرمود: ای مرد، تو برای خدا نامه ای را بر محافظانت دیکته می کنی. آنچه که برای تو اهمیّت دارد بگو و آنچه که مهمّ نیست رها کن(۲).

۶- علی فرمود: همه نیکی ها در سه خصلت جمع شده: ۱) فکر کردن ۲) خاموشی ۳) کلام. هر اندیشه ای که در آن پندآموزی نباشد بی جا و مهمل است. هر کلامی که در آن یاد خدا نباشد بیهوده، و هر سکوتی که در آن اندیشیدن نباشد غفلت و نادانی است. پس خوشا به حال کسی که نگاهش عبرت، سکوتش تفکّر و کلامش یاد خدا باشد، بر گناهانش اشک ریز و مردم از شرّ او آسوده باشند(۳) .

۷- جعفر بن ابراهیم گوید از امام صادق شنیدم که فرمود: هر که موقعیّت گفتارش را با عقلش تمیز دهد، سخنش در چیزهایی که سودی ندارد کاسته می شود(۴).

۸ – پیغمبرفرمود: از مجادله با فتنه گران بپرهیزید، زیرا هر که گرفتار فتنه شود،

۱- روضه کافی، ص ۳ و ۴.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹؛ مجالس صدوق، ص ۲۱.

۳- من لاـ یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۴؛ مجالس صدوق، ص ۱۸ (م ۸) و ص ۶۷ (م ۲۳)؛ ثواب الاعمال، ص ۹۷؛ خصال صدوق، ص ۴۸؛ محاسن برقی، ص ۵.

۴- الزهد، ص ۴.

پذیرش عذرش مدّت زمانی لازم دارد، هنگامی که مدّتش به سر رسید، فتنه اش وی را در آتش می سوزاند(۱).

۹- ابو اَراکه گوید: از علی شنیدم که می فرمود: خداوند را بندگانی است که دل هایشان را خوف خدا شکسته است، با این که فصیح و عاقل و نجیبند از سخن گفتن خودداری می کنند، با انجام کارهای خوب در نزدیک شدن به خدا بر هم پیشی می گیرند، کار بسیاری را که برای خدا انجام می دهند زیاد نمی شمارند و به کار اندکی

که برای او انام می دهند راضی نمی شوند و نفس خود را شرور می بینند در صورتی که زیرک ترین نیکانند(۲).

۱۰- علی به نقل از پیغمبرفرمود: صاحبان سخن بر سه گونه اند: رابح، سالم، شاجب. رابح کسی است که ذکر خدا گوید، سالم کسی است که می گوید، خدا را دوست دارم و امّا شاجب کسی است که به مردم دروغ گوید و آنان را مسخره کند(۳).

۱۱- امام صادق فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود: ترک کردن اموری که برای شخص سودی ندارد از نشانه نیکویی اسلام است(۴).

۱۲۲ - استحباب مدارا کردن با مردم

۱- امام صادق فرمود که پیغمبرفرموده است: خداوند مرا به سازگاری با مردم

۱- الزهد، ص ۴، ح ۴.
۲- الزهد، ص ۵، ح ۶.
۳- الزهد، ص ۷، ح ۱۱.
۴- الزهد، ص ۱۱، ح ۱۹.

دستور داد همان طور که به انجام واجبات امر فرمود(۱).

۲- امام باقر فرمود: در تورات نوشته شده است: از جمله سخنان خدا با موسی بن عمران این بود: ای موسی اسرار مرا در باطن خویش نهفته دار، ولی در ظاهرت مدارا کردن با دشمن خود و من را از جانب من آشکار کن، و با اظهار اسرار من در نزد مردم باعث ناسزاگویی آنان به من نشوی، و در دشنام دادنت به من شریک دشمن خود و دشمن من گردی(۲).

۳- حسین بن حسن گوید: از امام صادق شنديم كه می فرمود: جبرئیل بر پیغمب نازل شد و گفت: ای محمّد خداوند به تو سلام می رساند و می گوید: با خلق من مدارا کن(۳).

۴- امام صادق فرمود: پیغمبر فرموده است سه خصلت است که هر کس نداشته باشد هیچ یک از اعمالش کامل نیست. تقوایی که وی را از نافرمانی خدا باز داردع اخلاقی که با آن با مردم مدارا کند، حلمی که جهالت نادان را با آن ردّ نماید(۴).

۵- امام صادق فرمود: پیغمبر فرموده است: مدارا کردن با مردم نصف ایمانت و لطف کردن به آن ها نصف زندگی است. سپس امام فرمود: با نیکان به طور پنهانی و با بدان آشکارا معاشرت داشته باشید و به بدان رغبت زیاد نشان ندهید که بر شما ستم کنند، زیرا به زودی روزگاری برایتان پیش آید که در آن روزگار مردم متدیّن رهایی ندارند مگر کسی که وی را ابله پندارند، و خودش نیز تحمل کند که به او نسبت ابله و بی عقلی بدهند(۵).

۱- اصول کافی، ص ۳۶۶ (باب المدارات).

۲- اصول کافی، ص ۳۶۶ (باب المدارات).

۳- اصول کافی، ص ۳۶۶ (باب المدارات).

۴- اصول کافی، ص ۳۶۶ (باب المدارات).

۵- اصول کافی، ص ۳۶۶ (باب المدارات).

۶- حـذیفة بن منصور گویـد: از امام صادق شـنیدم که می فرمود: گروهی از قریش مـدارا کردنشان با مردم کم شد، از قریش رانـده شدنـد. به خـدا قسم آن ها از نظر خانوادگی عیبی نداشـتند. گروه دیگر از غیر قریش سازگاری شان با مردم بهتر شد به خانـدان عـالی پیوسـتند. سپس فرمود: کسـی که دست نیکی خود را از مردم دریغ دارد، فقـط دستی از آن هـا بـاز داشـته، در صورتی که مردم دست های زیاد از او باز می دارند(۱).

۷- امام صادق خطاب به اسـحاق بن عمّاد فرمود: ای اسـحاق، منافق را با زبانت اصـلاح کن، دوستی خویش را با مؤمن خالص گردانت و اگر فرد یهودی هم نشین تو شد، حقّ هم نشینی وی را نیکو بدار(۲).

۸ – علی در وصـیّت خود به فرزنـدش محمّـد حنفیّه فرمود: به همه مردم نیکی کن آن چنـان که می خواهی به تو نیکی کننـد، آنچه را برای خودت می پسـندی برای آنان نیز بپسند و آنچه را برای خویشتن نمی پسندی برای دیگران نیز مپسند، اخلاقت را با مردم نیکو کن تا در غیابت به تو محبّت ورزند و اگر مُردی برایت اشک ریزند، (و اِنّا لله و اِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ) گویند، از کسانی مباش که در مرگش بگویند: الحمد لله رب العالمین. بدان که مدارا کردن با مردم پس از ایمان به خدای عزّوجلّ سـرآمد عقل است. کسـی که با هم نشـینانش خوب معارشت نکنـد، خیری در او نیست و آنان که ناچارنـد با وی معاشـرت نمایند، خداوند برای رهایی از شـر. او راه نجاتی قرار می دهد. من تمام زندگی و معاشـرت مردم با یکدیگر را به منزله پیمانه پر می پندارم که دو جزء آن جلب محبّت و نیکی کردن و یک جزء دیگرش در غفلت به سر بردن است(۳).

۹- در حدیث مرفوعه ای آمده است که علی به فرزندانش فرمود: فرزندانم از

۱- اصول کافی، ص ۳۶۶ (باب المدارات).

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۶.

دشمنی با مردم بپرهیزید، زیرا آن ها از دو صنف خارج نیستند: عاقلی که با شما مجاله کند و نادانی که با شما به جهالت رفتار نمایـد. کلام به منزله مرد است و پاسـخش زن؛ هنگامی که زن و مرد به هم پیوندنـد، ناچار ثمره ای خواهد داشت، سـپس این شعر را خواند(۱):

هر که از پاسخ بپرهیزد آبرویش سلامت ماند

و کسی که با مردم مدارا کند کار خوبی کرده است

کسی که مردم را بزرگ شمارد مردم نیز او را بزرگ دانند

و هر که مردم را تحقیر نماید هرگز مردم بزرگش نشمارند(۲)

۱۰- سـفیان بن عُیَیْنَه گوید به زُهری گفتم: با علی بن حسین ملاقات کردی؟ گفت آری و تا به حال با کسی برتر از او ملاقات نکرده ام. من برای او دوستی در نهان و دشـمنی آشـکارا نمی شـناسم. گفتند چگونه؟ گفت کسی را ندیدم که آن حضرت را دوست بدارد. ولی از شدّت معرفت به فضـلش به او رشک نبرد و کسـی را ندیدم که با آن حضرت دشمن باشد ولی از شدّت مدارای او با وی مدارا نکند(۳).

۱۲۳ - وجوب ادا کردن حقوق واجب و مستحبّ مؤمن

۱- امام صادق فرمود: خدا به چیزی بهتر از ادای حقّ مؤمن عبادت نشود(۴).

۲- امام صادق فرمود: مسـلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم نمی کند، او را خوار نمی دارد و به وی خیانت نمی کند. سزاوار است که مسـلمانان در برقراری پیونـد با یکـدیگر بکوشـند و در کمک کردن و مهربانی دوجانبه و به یاری به نیازمندان سـعی کنند.

۱- خصال صدوق، ج ۱، ص ۳۷.

۲- سلیم العرض من حذر الجوابا و من دار الرّجال فقد اصابا و من هاب الرّجال تهیّبوه و من حقر الرّجال فلن یهابا

۳- علل الشرایع، ص ۸۸ .

۴- اصول کافی، ص ۳۹۴ (باب حق المؤمن).

آن چنان باشید که خدا دستور داده «رُحَمٰاءُ بَینَکُم». با همدیگر مهربان باشید و نسبت به امور دیگران که نتوانسته اید به یاری آنان بشتابید، اندوهگین باشید، مانند انصار که در زمان رسول الله غمخوار یکدیگر و مهاجرین بودند(۱).

۳- امام صادق فرمود: پیغمبر فرموده است: شش خصلت است که در هر کس باشد در برابر خدا و نزدیک او باشد. ابن ابی یعفور گفت: قربانت گردم آن ها کدامند؟ فرمود: مسلمان آنچه را که برای عزیزترین افراد خانواده اش دوست می دارد، برای برادر

مسلمانش نیز دوست بدارد و آنچه را که برای آنان نمی پسندند، برای برادر مسلمان نیز نپسندد و با او دوستی صمیمانه داشته باشد. وقتی در دوستی به این حدّ برسد آنچه که در دل دارد برایش توضیح دهد و با شادی او شاد و اندوه وی غمناک شود و اگر توانایی انجام کاری را برای او دارد انجام دهد و در نه برایش دعا کند. و از قول پیامبر فرمود: خدا در جانب راست عرش بندگانی دارد که رخسارشان سفیدتر از برف و روشن تر از آفتاب است، شخصی پرسید آن ها کیستند؟ فرمود: آن ها کسانی هستند که برای عظمت خدا همدیگر را دوست داشتند(۲).

۴- امام صادق فرمود: مسلمان برادر مسلمان و چشم و آینه و راهنمای اوست. نسبت به او خیانت نمی کند، نیرنگ نمیزند و ستم روا نمی دارد. به او دروغ نمی گوید و غیبتش نمی کند(۳).

۵- امام باقر فرمود: از جمله حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که در وقت گرسنگی او را سیر کند، عورتش را بپوشاند، از گرفتاری ها نجاتش دهد، قرضش را ادا نماید و چون بمیرد نسبت به خانواده و فرزندانش از طرف او جانشینی کند (یعنی نسبت

۱- اصول کافی، ص ۳۹۶.

۲- اصول کافی، ص ۳۹۵

۳- اصول کافی، ص ۳۹۲ (باب اخوة المؤمنین).

به آن ها محبّت نماید)(۱).

۶- امام صادق فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنمای اوست، نسبت به او خیانت نمی کند، ستم روا نمی دارد، گولش نمی زند و اگر وعده داد خُلف وعده نمی کند(۲).

۷- مُعَلیّ بن خُنیس گوید: به امام صادق عرض کردم: حقّ مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود: برای او هفت حقّ واجب است که همه آن ها بر عهده برادرش است و

اگر برخی از آن ها را ضایع کند از دوستی و اطاعت خدا خارج می شود و برای او (در اطاعت و بندگی خدا) بهره ای نیست. عرض کردم: فدایت شوم. آن ها کدامند؟ فرمود:

اوّل ای معلّی، ترا دوست دارم و می ترسم که نتوانی حفظ و مراعات کنی. می ترسم بدانی ولی عمل نکنی. گفتم: «لا قوّة الاّ بالله» نیرویی جز ای خدا نیست، فرمود: آسان ترین حقوق این است که آنچه را برای خودت دوست می داری برای او هم دوست داشته باشی و آنچه برای خود نمی پسندی برای او نی نپسندی.

دوم این که از غضب او دوری و از رضایتش پیروی کنی و فرمانبردار امر او باشی.

سوم این که با جان، مال، زبان و دست و قدمت او را یاری کنی.

چهارم این که چشم، راهنما و آینه او باشی.

پنجم این که تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه، تو پوشیده نباشی و او برهنه.

ششم این که اگر خدمتگزار داری و برادرت ندارد، بر تو واجب است خدمتگزارت را بفرستی تا لباس های او را بشوید و غذایش را آماده کند و بسترش را مرتّب نماید.

هفتم این که سوگند را تصدیق کنی، دعوتش را بپذیری، در وقت بیماری از او

۱- اصول کافی، ص ۳۹۳.

۲- اصول کافی، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

عیادت کنی، بر جنازه اش حاضر شوی و چون بدانی حاجتی دارد در انجام حاجتش پیشدستی کنی تا او مجبور نشود از تو حاجت بخواهد بلکه خودت پیشدستی کنی چون این ها را انجام دادی دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای(۱).

۸ - امام صادق فرمود: از جمله حقوق مسلمان بر مسلمان این است که او سیر نباشد و برادرش گرسنه و او سیراب و برادرش تشنه و او پوشیده و برادرش برهنه. چه بزرگ است حق مسلمان بر برادر مسلمانش و فرمود: آنچه برای خود می پسندی برای برادر مسلمانت نیز بپسند، اگر نیازمند شدی از او یاری بخواه و اگر وی از تو چیزی

خواست به او عطا کن. نسبت به خیری نباید از او دلگیر شوی و نه او از تو ملول گردد. تو پشتیبان او باش و او پشتیبان تو باشد. چون غایب شود در غیبتش او را نگهدار و چون حاضر شود از او دیدن کن و تجلیل و اکرامش نما، زیرا او از تو و تو از او هستی. اگر تو را نکوهش کرد از او جدا نشوی تا کینه از دلش بزدایی، اگر خیری به او رسید خدا را شکر کن و اگر گرفتاری برایش پیش آمد کمکش کن و اگر فریبش دادند او را یاری کن. هرگاه مردی به برادرش «افّ» (وای بر تو) بگوید، دوستی بین آن ها قطع می شود و چون بگوید تو دشمن منی، یکی از آن دو کافر می شود و چون برادرش را متّهم کند، ایمان در قلبش همانند نمک در آب ذوب می شود(۲).

۹- امام صادق فرمود: از جمله حقوق مسلمان بر مسلمان این است که وقتی او را ببیند سلامش کند و چون بیمار شود عیادت نماید، وقتی غایب گردد خیرخواهش باشد، چون عطسه نماید دعایش کند (یرحمک الله بگوید)، اگر دعوتش کرد قبول نماید و

۱- اصول کافی، ص ۳۹۳؛ خصال صدوق، ج ۲، ص ۶؛ مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۵۹.

۲- اصول کافی، ص ۳۹۴، در ذیل روایت جملاتی نیز اضافه شده در صورت نیاز به اصول کافی مراجعه شود.

چون بمیرد او را تشییع کند(۱).

۱۰- ابو میمون حارثی گوید: به امام صادق عرض کردم: حقّ مؤمن بر مؤمن چیست؟ فرمود: از جمله حق. مؤمن بر مؤمن، دوستی قلبی و مواسات مالی است و این که به جای او از خانواده اش سرپرستی کند و در برابر ظالم وی را یاری نماید. اگر در بین مسلمانان «از غنیمت و یا بخشش» نصیبی دارد و او غایب است سهمش را برای او دریافت کند و چون بمیرد به زیارت قبرش رود. به او ستم روا ندارد، فریبش ندهد، خیانت نکند، خوارش نسازد، تکذیبش ننماید و به او «افّ» (وای بر تو) نگوید. اگر به او «افّ» گوید دوستی میان آن ها نباشد و چون بگوید تو دشمن منی، یکی از آن ها کافر

می شود و اگر او را متّهم کند، ایمان در قلبش آب می شود همانند نمک که در آب حلّ می شود(۲).

۱۱- معلی بن خُنَیس می گوید: از امام صادق در مورد حقّ مؤمن پرسیدم، فرمود: هفتاد حقّ است، فقط هفت حقّ را به تو می گویم، زیرا به تو مهربانم و می ترسم نتوانی تحمّل کنی. عرض کردم: چرا؟ انشاءالله، فرمود: از جمله حقوق مؤمن این که تو سیر نباشی و او گرسنه، پوشیده نباشی و او برهنه. برای او راهنما باشی و به منزله پیراهنی که عیوب او را می پوشاند. زبان گویای او باشی و آنچه که برای خودت دوست داری برای او نیز بخواهی و اگر خدمتگزار داری، برای مرتّب نمودن فرش و بسترش پیش او بفرستی و در رفع نیاز او شب و روز کوشش نمایی. وقتی که این کارها را انجام دادی، دوستی خودت را به محبّت ما رسانیده ای و دوستی ما را به دوستی خدا پیوند داده ای(۳).

۱۲- علی در وصیّتش به محمّد بن حنفیّه فرمود: هرگز حقّ برادرت را به خاطر

۱- اصول کافی، ص ۳۹۴.

۲- اصول کافی، ص ۳۹۴.

۳- اصول کافی، ص ۳۹۹.

اعتمادی که میانت شما هست ضایع مکن، زیرا کسی که حقش را ضایع کردی برادرت نیست(۱).

۱۳- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است: مؤمن برای خدا در ذمّه مؤمن هفت حق واجب دارد: محترم داشتن او در غیابش، دوستی با او از ژرفای دل، مواسات با او در مال خود و این که غیبت او را حرام بداند، هنگام بیماری عیادتش کند، جنازه اش را تشییع کند و پس از مرگ جز خوبی او را نگوید(۲).

۱۴- ابراهیم بن عباس گوید: هرگز ندیدم امام رضا کسی را با سخنی آزار دهد و حرف کسی را پیش از تمام شدن سخنش قطع کند. آن حضرت در صورت توانایی

حاجت کسی را رد نمیکرد و در حضور همنشینانش هرگز پای خود را دراز نمی کرد و به چیزی تکیه نمی داد. هیچ وقت ندیدم که به خدمه و غلامانش ناسزا گوید، هیچ گاه ندیدم که وی تنش را بخاراند و بلند بخندد، بلکه خنده اش تبسّم بود(۳).

۱۵- داود بن حَفْص گوید: در حضور امام صادق بودیم: چون عطسه فرمود، اراده کردیم که او را دعا کنیم (یَرحَمُكَ الله بگوئیم)، خودش فرمود: چرا «یرحمك الله» نگفتید؟ همانا از جمله حقّ مؤمن بر برادرش چهار خصلت است، چون عطسه کرد او را دعا کند «یرحمک الله» گوید، اگر دعوت کرد بپذیرد، اگر بیمار شد عیادتش کند و چون بمیرد جنازه اش را تشییع نماید(۴).

۱۶- ابان بن تغلب گوید: با امام صادق طواف می کردم، یکی از دوستانم را دیدم. از من خواست همراه او بروم که حاجتی دارد. او به من اشاره کرد و امام صادق او را

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۰؛ مجالس صدوق، ص ۲۰؛ خصال صدوق، ج ۲، ص ۶.

۳- عیون الاخبار، ص ۳۱.

۴- مصادقة الاخوان، ص ۱۰ و در کافی هم با اختلافی در ج ۵، ص ۵۷ ذکر شده.

دیـد و به من فرمود: ای ابان آن شـخص ترا می خواهد؟ گفتم: آری. فرمود: او نیز عقیده تو را دارد، (یعنی شـیعه است) گفتم: آری. فرمود: طوافت را قطع کن و با او برو. عرض کردم: اگر طواف واجب هم باشـد. فرمود: بلی. ابان گویـد: با دوسـتم رفتم. پس از آن به خدمت حضـرت رسـیدم و از حقّ مؤمن پرسـیدم، فرمود: این موضوع را کنار بگذار و از من مخواه سپس همواره تکرار کردم و اصـرار نمودم، تا فرمود: ای ابان نیمی از مالت را به او می دهی، سـپس به من نگریست و چون دیـد چه حالی به من دست داده است فرمود: ای ابـان آیـا نمی دانی که خداونـد از ایثارگران یاد نموده است؟ گفتم: چرا؟ فرمود: چون تو نیمی از مالت را به او دهی وی را بر خود ترجیح نداده ای زمانی او را بر خود ترجیح داده ای که از نصف دیگر هم به او بدهی(۱).

۱۷- امـام صـادق فرمـود: چه زشت است برای مرد که برادرش حقّ او را بشـناسد - و رعـایت نمایـد - ولی او حـقّ برادرش را نشناسد(۲).

۱۸ - در حدیث مرفوعه ای، پیغمبر فرمود: مؤمن آینه برادر مؤمنش است، پلیدی ها را از او دور می کند(۳).

۱۹- امام باقر فرمود: برادر مسـلمانت را دوست بـدار، آنچه برای خودت دوست داری برای او نیز بخواه و آنچه برای خود نمی پسـندی برای او نیز مپسـند، چون نیازمنـد شـدی از او بخواه و اگر او از تو چیزی درخواست کرد به او بده، هیچ خیری را از او پنهان مـدار که او نیز خیری را از تو نهفته نـدارد، پشتیبان او باش تا او نیز پشتیبان تو باشد، چون غایب شد در غیبتش حق او را رعایت کن و اگر حاضـر شـد با او دیدار و تجلیل و احترامش کن، زیرا تو از او و او از توست، و اگر بر تو نکوهش کرد، از او جدا نشوی تا

۱- مصادقة الاخوان، ص ۱۰.

۲- مصادقة الاخوان، ص ۱۴.

۳- مصادقة الاخوان، ص ۱۴.

این که از کینه دلش کاسته شود، اگر خیری به او برسد، خدا را سپاسگزاری کن چون گرفتار شد کمکش کن و حقّش را نیز به گردن گیر(۱).

۲۰- امام صادق فرمود: هر که حقّ مؤمن را رعایت نکند، خداوند روز رستاخیز او را صد سال روی پا نگه می دارد تا از عرقش سیلی در بیابان جاری گردد، سپس از طرف خدای عزّوجلّ منادی فریاد زند: این همان ستمگری است که حقّ خدا را نزد خود حبس نموده، سپس فرمود: پس از چهل سال توبیخ دستور داده می شود که او را به سوی آتش دوزخ ببرند(۲).

۲۱- علی از قول پیامبر فرمود: پسندیده است که هر مسلمان شش کار را در حق برادرش انجام دهد: ۱) وقتی که او را دید سلام کند. ۲) چون مریض شد عیادتش

نماید. ۳) وقتی عطسه کرد دعایش کند (یرحمک الله بگوید). ۴) پس از مرگ بر جنازه اش حاضر شود. ۵) اگر او را دعوت کرد اجابت نماید. ۶) آنچه که برای خود می پسندد برای او نیز بپسندد و آنچه که برای خودش دوست ندارد برای او نیز روا ندارد(۳).

۲۲- محمّد بن مسلم گوید: شخصی از جبل عامل پیش من آمد و با او به خدمت امام صادق رسیدیم. در وقت خداحافظی از امام تقاضا کرد که او را نصیحت فرماید. حضرت فرمود: سفارش می کنم تو را به تقوای الهی و نیکی به برادر مسلمانت. دوست بدار برای برادرت آنچه را که برای خودت دوست می داری و آنچه که برای خود نمی پسندی برای او نیز مپسند. اگر از تو چیزی خواست به او بده و اگر چیزی را از تو منع کرد تو از او بخواه. نسبت به خیری از او دلگیر مباش، تا او نیز ترا ملول نسازد. یار و

۱- مجالس صدوق، ص ۱۹۵ (م ۵۲).

۲- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳- امالی پسر شیخ طوسی، ابن شیخ، ص ۳۰۴.

یاور او باش تا او نیز یاور تو باشد. اگر بر تو خشمگین شد از او دوری مجوی تا کینه از دلش بیرون کنی. اگر غایب شد در غیاب حقّ او را رعایت و چون حاضر شد کمکش کن و بازویش را بگیر و در حقّش مساعدت نموده و اکرامش کن، زیرا او از توست و تو از اویی(۱).

۲۳- علی فرمود: شش خصلت است که در هر کس باشد در نزد خدا مقرّب و دارای منزلت است: خداوند مسلمانی را دوست دارد که آنچه را برای خودش دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد و هر چه که بر خود نمی پسندد بر او نیز نپسندد. دوستانه او را نصیحت کند. فضیلت و برتری مرا بشناسد و از من پیروی کند و نتیجه کار مرا در نظر داشته باشد(۲).

۲۴- علی فرمود که پیغمبر فرموده است: هر مسلمانی بر ذمّه برادر مسلمانش سی حق دارد، ذمّه اش از آن ها بری نمی شود مگر این که آن حقوق را ادا کند یا برادرش از او درگذرد: از لغزش او چشم بپوشد. به اشک چشمش شفقت آرد. عیبش را بپوشاند. لغزشش را نادیده بگیرد. عذرش را بپذیرد. اگر کسی غیبت او را کرد از او دفاع کند. همواره خیرخواهش باشد. دوستی و محبّت او را حفظ کند. عهد و پیمانش را مراعات نماید. در موقع بیماری عیادتش کند. در تشییع جنازه اش حاضر شود. دعوتش را بپذیرد. هدیه اش را قبول کند و آن را جبران نماید. نعمتش را سپاسگزار باشد. با بهترین وجه او را یاری دهد. زن و بچه او را محافظت کند. حاجتش را روا کند. در انجام خواسته اش کوشش نماید. موقع عطسه کردن (یرحمك الله بگوید)، راهنمای گمشده اش باشد. به سلام پاسخ دهد. کلامش را خوب تلقی کند. بخشش او را ارج نهد. سوگندهایش را تصدیق

۱- امالی پسر شیخ طوسی، ابن شیخ، ص ۵۹.

۲- محاسن برقی، ص ۹.

نماید. دوست او را دوست داشته باشد و با وی دشمنی نکند. اگر ظالم و یا مظلوم واقع شد او را یاری کند، امّا یاری نمودن در حال ستمگری یعنی اینت که او را از ستم کردن باز دارد، یاری دادنِ در حال مظلومیت یعنی این که در بازپس گرفتن حقّش به او کمکم نماید. گرفتارش نکند. خوارش ندارد. آنچه که از خیر برای خودش می خواهد برای او نیز بخواهد و آنچه که از بدی ها برای خودش نمی پسندد برای او نیز نپسندد. سپس فرمود: از پیغمبر شنیدم که می فرمود: هر یک از شما اگر چیزی از حقوق برادرش را به جا نیاورد، روز قیامت از او مطالبه و بر نفع و یا ضرر اوت حکم خواهد شد(۱).

۲۵- امام صادق از اجدادش نقل کرده که پیغمبر آن ها را بر انجام هفت چیز دستور داده و از انجام هفت چیز نهی فرموده است: آن ها را به عیادت بیماران، تشییع جنازه،

تصدیق و امضای سوگند، دعا برای عطسه کننده، یاری مظلوم، آشکار کردن سلام و اجابت دعوت امر فرموده است(۲).

۱۲۴ – استحباب رعایت حقّ عالم

۱- امام صادق از علی نقل فرمود: از حقوق دانشمند است که بیش از حد از او سؤال نکنی. برای پاسخ گرفتن از او از جامه اش نگیری. چون بر او وارد شدی و گروهی در نزد او بودند به همه آن ها سلام کن و بر او جداگانه سلام کن و در برابر او بنشین نه در پشت سرش. با دست و چشمت به او اشاره مکن. در مخالفت با گفتارش زیاد نگو که فلانی این طور گفته و فلانی این جور. از بسیار نشستن با او خسته مشو، زیرا دانشمند مانند درخت خرماست، منتظر باش تا در موقعش از وجود او بهره مند

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۶.

۲- قرب الاسناد، ص ۳۴.

گردی، چون اجر عالم بیش تر است از کسانی که روزها روزه دارند و شب ها به عبادت برپا ایستند و در راه خدا جهاد کنند(۱).

۲- علی فرمود: از جمله حقوق عالم است که زیاد از او سؤال نکنی و در پاسخ بر او پیشی نگیری. چون رو گرداند اصرار نورزی و چون خسته شد برای پاسخ گرفتن از جامه اش نگیری. با دست و چشم به او اشاره نکنی. در مجلس با او در گوشی صحبت نکنی. از عیوب او جستجو نکنی و نگویی که فلانی بر خلاف گفتار شما این طور گفته. راز او را آشکار نکنی. پیش او از کسی غیبت نکنی. در غیاب و حضور احترام او را نگه داری. چون به مجلس وارد شدی به همه سلام کن و به وی جداگانه سلام کن. موقع نشستن در پیش رویش بنشین. اگر نیازمند شد در برآوردن حاجتش از دیگران سبقت بگیر و از بسیار نشستن با او خسته مشو، زیرا دانشمند همانند درخت خرماست؛ منتظر باش تا به موقع از میوه دانش او بهره مند گردی. عالم به منزله کسی است که روز

روزهدار باشد و شب به عبادت قیام نماید و در راه خدا جهاد کند. اگر عالمی بمیرد، در اسلام شکافی پدید آید که تا روز قیامت مسدود نمی گردد. دانشجوی علوم دینی را هفتار هزار فرشته از فرشتگان مقرّب عالِم بالا بدرقه می کنند(۲).

۱۲۵ – استحباب لطف و محبّت به یکدیگر و به دیدار هم رفتن

۱- شعیب عَقَرْقُوفی گوید: از امام صادق شنیدم که به یارانش می فرمود: از خدا پروا کنید. برادرانی خوش رفتار باشید. در راه خدا با یکدیگر دوستی ورزید، و رابطه داشته باشید. به ملاقات یکدیگر بروید و در باره امر (ولایت) با هم مذاکره کنید و آن را

۱- اصول کافی، ص ۹۳.

۲- خصال صدوق، ج ۲، ص ۹۳.

زنده دارید(۱).

۲- امام صادق فرمود: شایسته است مسلمانان در پیوستن به همدیگر، مهرورزیدن به هم، مواسات با نیازمندان و رأفت نسبت به یکدیگر بکوشند، تا چنان باشند که خدای عزّوجلّ فرموده «رُحَمَاءُ بَیْنَهُم». مؤمنان با یکدیگر مهر ورزند و نسبت به امری که مربوط به آن هاست و از بین رفته اندوهگین می شوند، همان گونه که گروه انصار در زمان رسول الله بودند(۲).

۳- امام صادق فرمود: با یکدیگر پیوند خوش رفتاری و محبّت داشته باشید و برادرانی نیکوکار باشید آن چنان که خدای عزّوجلّ به شما امر فرموده است(۳).

۴- عبدالله بن یحیی کاهلی گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: با یکدیگر پیوند خوش رفتاری و مهربانی و عطوفت داشته باشید(۴).

۵- امام باقر فرمود: خداوند بیامرزد کسی را که بین دو دوست ما الفت برقرار کند. ای گروه مؤمنان به یکدیگر مهر و محبّت ورزید(۵).

۶- علی از پیغمبر نقل فرمود: همانا خدای عزّوجلّ مهربان است و هر مهربانی را دوست می دارد(۶).

۱۲۶ - استحباب پذیرش عذر

۱- امام صادق از اجدادش نقل کرده است که پیغمبر در وصیّتش به علی

۱- اصول کافی، ص ۳۹۶ (باب التراحم).

۲- اصول کافی، ص ۳۹۶ (باب التراحم).

۳- اصول کافی، ص ۳۹۶ (باب التراحم).

۴- اصول کافی، ص ۳۹۶ (باب التراحم).

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۵.

۶- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۵.

فرمود: یا علی هر که عذر عذرخواهی را نپذیرد، چه راست یا دروغ، به شفاعت من نمی رسد(۱).

۲- علی در وصیّتش به محمّد بن حنفیّه فرمود: در اثر شکّ و گمان پیوندت را از برادر خود قطع نکن. بدون رضایت وی از او قطع رابطه مکن، شاید عذری دارد و تو را سرزنش می کنی. هر که پوزش خواست عذرش را بپذیر، چه راست یا دروغ، تا به شفاعت ما نایل گردی(۲).

۳- علی بن حسین به فرزندش فرمود: اگر کسی در سمت راست تو بایستد و ترا دشنام دهد آن گاه به سمت چپ تو آید و عذرخواهی کند عذرش را بپذیر(۳).

۱۲۷ – استحباب سلام کردن و مصافحه در وقت ملاقات...

۱- ابو عُبَیده گوید: از امام باقر شنیدم که می فرمود: چون دو مؤمن به هم برسند و دست بدهند خدا به آن ها توجه کرده، گناهان از چهره آن ها بریزد تا از یکدیگر جدا شوند(۴).

۲- امام باقر فرمود: چون دو نفر مؤمن به هم برسند و مصافحه کنند، خداوند به آن ها رو کند و گناهانشان مانند برگ درخت بریزد(۵).

۳- زُراره گوید: از امام باقر شنیدم که می فرمود: مؤمن به وصف درنمی آید، زیرا مؤمن وقتی که با برادرش دیدار و مصافحه کند، خداوند همواره به آن ها توجّه کند و

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۳.
۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۷.
۳- روضة کافی، ص ۱۵۲.
۴- اصول کافی، ص ۴۰۱ (باب المصافحه).
۵- اصول کافی، ص ۳۹۹.

گناهان از رخسارشان مانند برگ درخت بریزد(۱).

۴- رِفاعه گوید: از امام باقر شنیدم که می فرمود: مصافحه کردن مؤمن از مصافحه ملاطکه برتر است(۲).

۵- امام صادق فرمود: مصافحه کنید، زیرا مصافحه کینه را از بین می برد(۳).

۶ - امام باقر فرمود: چون دو مؤمن به هم رسند و مصافحه نمایند، خدا دستش را در میان دست آن ها گذارد و با آنت که محبتش نسبت به رفیقش زیادتر است مصافحه کند(۴).

۷- مانند حدیث ۶ است و در ذیل حدیث ۷ چنین آمده است: چون خداوند به آنان توجّه کند گناهانشان مانند برگ درخت بریزد(۵).

۸ - امام باقر از پیغمبر نقل فرموده است: چون یکی از شما برادر خود را ملاقات کند، باید به او سلام کند و مصافحه نماید، زیرا خدای عزّوجلّ بدین عمل فرشتگان را گرامی داشته است، پس شما نیز عمل فرشتگان را انجام دهید(۶).

۹- امام باقر فرمود که پیغمبرفرموده است: با یکدیگر با سلام و مصافحه ملاقات کنید، و با طلب آمرزش از یکدیگر جدا شوید(۷).

۱۰- امام صادق فرمود: پیغمبر با حذیفه ملاقات و دست مبارکش را برای مصافحه دراز کرد. حذیفه دستش را عقب کشید. پیغمبر فرمود: ای حذیفه من دستم

۱- اصول کافی، ص ۴۰۰.

۲- اصول کافی، ص ۴۰۱.

۳- اصول کافی، ص ۴۰۱.

۴- اصول کافی، ص ۳۹۹.

۵- اصول کافی، ص ۳۹۹.

۶- اصول کافی، ص ۴۰۰؛ مصادقة الاخوان، ص ۳۰.

۷- اصول کافی، ص ۴۰۰؛ مصادقة الاخوان، ص ۳۰.

را به سوی تو دراز کردم و تو دست خود را عقب کشیدی؟ حذیفه عرض کرد: یا رسول الله به دست مبارکت رغبت دارم، ولی من جنب بودم و دوست ندارم دستم با جنابت به دست شما برسد، حضرت فرمود: مگر نمی دانی که چون دو مسلمان با هم ملاقات و مصافحه کنند گناهانشان مانند برگ درخت می ریزد(۱).

۱۱- امام صادق در حدیثی فرمود: قدر و منزلت مؤمن اندازه ندارد، چون مؤمن هرگاه برادرش را ملاقات و با او مصافحه کند خداوند به آنان توجّه نماید و گناهان از چهره شان فرو می ریزد، هم چنان که باد شدید برگ را از درخت می ریزد، تا این که از هم جدا شود(۲).

۱۲- امام صادق فرمود: پاداش شما در مصافحه کردن همانند پاداش جهادگران است(۳).

۱۳- امام باقر فرمود: چون دو مؤمن با هم مصافحه کنند، از هم جدا می شوند بی آن که گناهی برایشان باقی بماند(۴).

۱۴- امام صادق فرمود: در گفتگوی ابراهیم با شخصی چنین آمده است، که ابراهیم برخاست و با او معانقه کرد. وقتی خداوند پیغمبر را مبعوث فرمود، مصافحه را مستحبّ گردانید(۵).

۱۵- امام باقر فرمود: نخستین دو نفری که در روی زمین با هم مصافحه کردند ذوالقرنین و ابراهیم خلیل بود. ابراهیم خلیل ذوالقرنین را استقبال و با وی مصافحه نمود،

۱- اصول کافی، ص ۴۰۱.

۲- اصول کافی، ص ۴۰۱؛ مصادقة الاخوان، ص ۳۰؛ ثواب الاعمال، ص ۱۰۲.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۰۰.

۴- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۴.

۵- مجالس صدوق، ص ۱۷۸ (م ۴۹) و خبر طولانی است.

و نخستین درخت در روی زمین درخت خرما بود(۱).

۱۶- با حدیث ۹ یکی است به حدیث ۹ مراجعه شود(۲).

۱۷- مالک بن اَعْیَن جُهَنی گوید که امام صادق به من فرمود: به خدا سوگند شما پیروان ما هستید، تا آن جا که فرمود: کسی نمی توانـد حقّ مؤمن را توصیف کند و حقوق واجب برادرش را ادا نماید. ای مالک، به خدا قسم وقتی که مؤمنان با یکدیگر ملاقات و مصافحه کنند، خداوند همواره به آنان نظر محبّت و آمرزش دارد و پیش از آن که از هم جدا شوند گناهان از چهره ها و اعضایشان می ریزد پس چه کسی می تواند خدا و مؤمنی را که در پیشگاه خدا چنین مقامی دارد توصیف نماید؟(۳).

۱۸- امام صادق فرمود: مصافحه مؤمن هزار حسنه دارد(۴).

۱۲۸ – استحباب مصافحه و حدود و چگونگی آن

۱- هِشام بن سالم گویـد: از امام صادق حدّ مصافحه را پرسیدم: فرمود: به انـدازه گردش دور درخت خرماست (یعنی اگر به اندازه گردش دور درخت خرما از یکدیگر جدا شوند مستحب است که با یکدیگر مصافحه کنند)(۵).

۲- ابو عُبَیْده گوید: من در یک کجاوه با امام صادق بودم. اوّل من سوار مرکب می شدم سپس آن حضرت. وقتی که قرار می گرفتیم، حضرت به من سلام می کرد و مانند مردی که رفیق خود را به تازگی ندیده، احوال پرسی و مصافحه

۱- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۳۴.

۲- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۳۴.

۳- محاسن برقیع ص ۴۳، در آن جا حدیث اضافاتی دارد.

۴- ارشاد دیلمی، باب ۱۲۷.

۵- اصول کافی، ص ۴۰۰ (باب المصافحه).

می کرد. در وقت پیاده شدن او پیش از من پیاده می شد و چون بر زمین قرار می گرفتیم، سلام می کرد و همانند کسی که رفیقش را به تازگی ندیده احوال پرسی می نمود. عرض کردم یابن رسول الله شما کاری می کنید که هیچ کس از مردم نزد ما نمی کند و اگر یک بار هم انجام دهد زیاد است، فرمود: مگر ثواب مصافحه را نمی دانی؟ چون دو مؤمن به هم برسند و مصافحه نمایند، گناهانشان همواره مانند برگ درخت فرو می ریزد و خداوند به آن ها توجّه می کند تا از یکدیگر جدا شوند(۱).

۳- ابو عُبَیده حذّاء گوید: از مدینه تا مکّه در یک طرف کجاوه همراه امام صادق بودم. حضرت در بین راه پیاده شد و کارش را انجام داد و برگشت، فرمود: دستت را بده دستم را دراز کردم، حضرت چنان فشرد که در انگشتانم فشار را احساس کردم، سپس فرمود: ای ابا عبیده، هر مسلمانی که برادر مسلمانش را ملاقات و با وی مصافحه کند و انگشتان خود را با انگشتان او درهم کند گناهانشان همانند برگ درختان در فصل زمستان بریزد(۲).

۴- ابو حمزه گوید: هم کجاوه امام باقر بودم. چون بار به زمین گذاشتیم، حضرت کمی راه رفت و سپس آمد و دست مرا گرفت و به گرمی فشرد. عرض کردم فدایت شوم، مگر در کجاوه همراه شما نبودم؟ فرمود: مگر نمی دانی که چون مؤمن گردشی کند و سپس به برادرش دست دهد، خداوند همواره به آنان نظر مرحمت و توجّه نماید و به گناهان فرماید از آن ها فرو ریزید. ای ابا حمزه، سپس گناهان مانند برگ درخت فرو ریزد و آن ها پاک و بی گناه از یکدیگر جدا شوند(۳).

۵- امام باقر فرمود: برای مؤمنان سزاوار است که چون یکی از آن ها از رفیقش به

۱- اصول کافی، ص ۳۹۸.

۲- اصول کافی، ص ۳۹۹.

۳- اصول کافی، ص ۳۹۹.

فاصله درختی نهان و غایب شد وس پس به هم رسیدند مصافحه کنند(۱).

۶- امام صادق فرمود: مسلمانان همراه رسول الله به جنگ می رفتند و از جایی که پر از درخت بود عبور کردند. چون به فضای آزاد رسیدند، به یکدیگر نگریستند و مصافحه کردند(۲).

۷- امام صادق از پدرانش نقل کرده است که پیغمبردر حدیث مناهی، از مصافحه با ذمّی نهی فرموده است(۳).

۸ - در حدیث اربعمأة علی فرمود: چون با برادرانتان دیدار نمایید، مصافحه کنید و خوش رویی نشان دهید. از یکدیگر که جدا می شوید گناهی برایتان باقی نمی ماند. حتی با دشمنت مصافحه کن گر چه او نخواهد، زیرا مصافحه از کارهایی است که خدا بندگانش را به آن دستور داده و می فرماید: «ای رسول ما، تو آزار بدی های امّت را به وجه احسن پاسخ بده(۴)»(۵).

۱۲۹ - آداب استقبال و بدرقه مسافر

۱- امام حسن عسکری فرمود: چون جعفر بن ابی طالب از حبشه برگشت پیغمبر به سویش شتافت و به اندازه دوازده قدم از او استقبال فرمود، او را در آغوش گرفت و پیشانی اش را بوسید و با دیدن او اشک شادی ریخت(۶).

۲- پیغمبر فرمود: از جمله حقوق بر صاحبخانه این است که وی را تا در

۱- اصول کافی، ص ۴۰۰.

۲- اصول کافی، ص ۴۰۰.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۵.

۴- ادفع بالتّی هی احسن السّیئة... المؤمنون: ۹۶.

۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶.

۶- عیون الاخبار، ص ۱۴۰.

منزل همراهی و بدرقه کند(۱).

۳- اسحق بن عمّار گوید: به امام صادق عرض کردم کسی برای تعظیم دیگری از جایش برمی خیزد، فرمود: مکروه است مگر برای مردی که به خاطر دینش برپا خیزد(۲).

۴- طبرسی در مکارم الاخلاق ذکر نموده که مردی در مسجد بر پیغمبروارد شد و او تنها نشسته بود. حضرت کنار رفت (برایش جا باز کرد) و فرمود: از جمله حقّ مسلمان بر مسلمان این است که چون قصد نشستن کند کنار رود (او را جای دهد)(۳).

۵- در روایت هست که پیغمبر فرمود: هر که دوست داشته باشد که مردم به احترامش برپا خیزند جایگاهش پر از آتش می شود(۴).

۶- حضرت]صادق[فرموده: مانند عجم ها برای یکدیگر برپا نخیزید، ولی برای احترام از جا تکان خوردن عیب ندارد (جا دادن به او)(۵).

۱۳۰ – حکم کرنش بر بزرگان از قبیل بوسیدن فرش، برپا خاستن و جلوی آن ها دویدن و غیره

۱- صفوان بن یحیی گوید که ابوقره رفیق جاثلیق از من تقاضا کرد که او را پیش حضرت رضا ببرم. از امام اجازه خواستم. فرمود: او را پیش من بیاور. وقتی ابو قُرَّه بر آن حضرت وارد شد فرشش را بوسید و گفت: وظیفه دینی ما این است که نسبت به بزرگان زمانمان این گونه تعظیم نماییم(۶).

ص:۱۶۳

۱- عیون الاخبار، ص ۲۲۷.

۲- محاسن برقی، ص ۲۲۳.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۱۵.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۱۵.

۵- مکارم الاخلاق، ص ۱۵.

۶- عیون الاخبار، ص ۳۴۴.

۲- سید رضی در نهج البلاغه گوید: در مسیر حضرت علی به شام کدخدایان و بزرگان انبار (اسم محلی است) با آن حضرت دیدار کردند و به احترامش پیاده شدند (و در پیش رکابش) دویدند. فرمود: این چه کاری بود که شما کردید؟ گفتند این از آداب ماست، بدین وسیله فرماندهانمان را تعظیم می کنیم. فرمود: سوگند به خدا حکمرانان شما از این کار سودی نمی برند و شما هم با این کار به زحمت می افتید و در آخرت هم باعث مشقّت شماست. چه زیانآور است رنجی که کیفر به دنبالش باشد و چه سودمند است رها کردن کاری آن گاه که ایمنی از آتش را به دنبال داشته باشد(۱).

۱۳۱ – تحریم گماشتن دربان برای منع ورود شیعه

۱- ابو حمزه گوید: به امام باقر عرض کردم فدایت شوم: چه می فرمایی در مورد مسلمانی که برای دیدن یا حاجتی نزد مسلمانی برود و اجازه ورود بخواهد، او اجازه ندهد و از خانه هم بیرون نیاید؟ فرمود: ای ابا حمزه، هر مسلمانی که برای دیدار یا درخواست حاجتی نزد مسلمانی برود که در خانه است و اجازه ورود بخواهد و او بیرون نیاید، پیوسته به لعنت خدا گرفتار باشد تا همدیگر را ملاقات نمایند. عرض

کردم: فدایت شوم، در لعنت خداست تا یکدیگر را دیدار کنند؟ فرمود: آری ای اباحمزه(۲).

۲- اسحاق بن عَمّار گوید: خدمت امام صادق رسیدم. حضرت با ترش رویی به من نگاه کرد. عرض کردم (یابن رسول الله) چه چیز حالت شما را نسبت به من دگرگون نموده است؟ فرمود: آنچه که رفتار تو را نسبت به برادرانت دگرگون ساخته. ای اسحاق به من خبر رسیده که در خانه ات دربان گذاشته ای تا فقرای شیعه را راه ندهند. عرض کردم: فدایت شوم من از شهرت ترسیدم. فرمود: آیا از بلا نترسیدی؟ آیا نمی دانی چون

۱- نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.
۲- اصول کافی، ص ۴۷۵.

دو مؤمن به هم برسند و مصافحه نمایند خدای عزّوجلّ بر آن ها رحمت فرو می فرستد. نود و نُه درصد رحمت برای کسی است که محبّتش به رفیقش بیش تر باشد و اگر محبتشان یکسان باشد رحمت خدا پرده ای برایشان فرو کشد، و چون به مذاکره نشینند، برخی از فرشتگان محافظ آن ها به بعضی دیگر می گویند: از این ها دور شویم شاید رازی داشته باشند که خدا بر آن ها پرده کشیده است. عرض کردم: مگر خدای عزّوجلّ نمی فرماید «به گفتاری لب نگشاید جز آن که نزد او فرشته ای مراقب و آماده باشد(۱)». فرمود: ای اسحاق اگر محافظان نشنوند، خداوند عالم بازها را می شنود و می بیند(۲).

۳- مُفَضَّل بن عمر گوید: امام صادق فرمود: هر مؤمنی که بین او و مؤمن دیگر حجابی باشد، خداوند میان او و بهشت هفتار هزار دیوار بلند می کشد که فاصله بین دو دیوار هزار سال راه باشد(۳).

۴- محمّد بن سِنان گوید: در خدمت امام رضا بودم. حدیثی طولانی ذکر فرمود که مضمونش این بود: سه نفر از بنی اسرائیل مؤمنی را از وارد شدن بر خود منع کردند و به

او اجازه ملاقات ندادند، ولی بعداً با او همراه شدند «چهار نفری به باغی می رفتند» پس آتشی از آسمان فرود آمد آن سه نفر را سوزاند و مؤمن زنده ماند(۴).

۵- امام رضا فرمود: مؤمن به منزله برادر مؤمن است که از یک پدر و مادر باشند. هر که برادرش را متّهم کند ملعون است و هر که به او نیرنگ زند ملعون است. هر که خیرخواه برادرش نباشد ملعون است و هر که بین خود و برادرش مانعی ایجاد نماید و

۱-)مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ(، ق / ۱۸.

۲- اصول کافی، ص ۴۰۰.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۹.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۵.

غیبت او کند ملعون است ملعون، ملعون(۱).

۱۳۲ - استحباب معانقه با مؤمن و همراهی و مذاکره با او

۱- امام باقر و امام صادق فرمودند: هر مؤمنی که برای دیدن برادرش بیرون رود و حقّ او را بشناسد، در برابر هر قدمی که بردارد خدا حسنه ای به او دهد، گناهی را از وی بزداید و یک درجه او را بالا برد. چون درِ خانه اش را بکوبد، درهای آسمان برایش باز شود و چون با هم دیدار و مصافحه و معانقه نمایند، خداوند به آنان توجّه فرماید و به وجود آنان نزد فرشتگانش فخر کند و فرماید: بندگانم را بنگرید برای من یکدیگر را ملاقات نمودند و با هم دوستی کردند و بر من سزاست که پس از این دیدار و زیارت دیگر آن ها را با آتش عذاب نکنم(۲).

۲- امام صادق فرمود: چون دو مؤمن با یکدیگر معانقه کنند، رحمت خدا آن ها را فرا گیرد و چون یکدیگر را در آغوش کشند و از آن کار جز رضای خدا نخواهند و غرض دنیوی نداشته باشند به آن ها گفته شود، شما آمرزیده شدید عمل را از سر بگیرید (یعنی گناهان سابق شما از بین رفت) و چون برای مذاکره با هم روبرو شوند،

برخی از فرشتگان به برخی دیگر گویند، از این ها دور شوید، شاید رازی دارند که خدا برای آن ها پوشیده نگه داشته است(۳).

۳- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق به او فرمود: ای اسحاق از دیدار برادرانت خسته نشو، زیرا هرگاه مؤمن به دیدار برادر مؤمنش برود و به او خوش آمد بگوید خداوند تا روز قیامت برای او مرحبا می نویسد و چون با او مصافحه کند خداوند

۱- عدة الداعی، ص ۱۳۱.

۲- اصول کافی، ص ۴۰۱.

۳- اصول کافی، ص ۴۰۱.

برای آنان صد رحمت می فرستد؛ نود و نه قسمت از صد قسمت رحمت برای کسی است که رفیقش را بیش تر دوست دارد، سپس پروردگار به آنان توجّه کند و به آن که محبّتش نسبت به رفیقش بیش تر باشد بیش تر توجّه نماید و چون با هم معانقه کنند رحمت خداوند آن ها را فرا گیرد(۱).

۱۳۳ - استحباب استفاده رساندن برادران به همدیگر در راه خدا

۱- محمّد بن زید گوید: از امام شنیدم که می فرمود: هر که در راه خدا به برادرش نفعی برساند در بهشت خانه ای به دست می آورد(۲).

۲- امام صادق به نقل از اجدادش فرمود که پیغمبر فرمود: مسلمان از هیچ چیزی بعد از اسلام همانند بهره رساندن به برادر دینی در راه خدا بهره مند نمی شود. آن گاه امام به فضل بن عبدالملك فرمود: ای فضل فقرای شیعیان ما را تحقیر نکنید، زیرا فقیر در روز قیامت همانند ربیعه و مضر شفاعت می کند، سپس فرمود: ای فضل این که مؤمن را مؤمن گفته اند برای این است که او به خدا ایمان آورده و امان خدا را دریافت داشته. آن گاه فرمود: آیا نشیده ای که خداوند درباره دشمنانتان می فرماید: چون در روز قیامت

شفاعت کردن یکی از شماها را برای دوستش ببینند، می گوید: «برای ما شفاعت کننده و دوستی نزدیک و صمیمی نیست(۳)»(۴).

ص:۱۶۷

۱- ثواب الاعمال، ص ۸۰.

۲- ثواب الاعمال، ص ۸۳ .

۳-)فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلا صَدِيقٍ حَمِيمٍ(، شعراء / ۱۰۰، ۱۰۱.

۴- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۹.

۱۳۴ – استحباب بوسیدن یکدیگر برای مؤمنان، و محل بوسه

۱– امام موسی کاظم فرمود: هر که به خاطر خویشاوندی خویشاوندش را ببوسد عیبی ندارد و جای بوسیدن برادر «نسبی یا ایمانی» گونه اوست و جای بوسیدن امام پیشانی او(۱).

۲– امام صادق فرمود: بوسیدن دهانت کسی سزاوار نیست مگر دهان زن و بچّه کوچک(۲).

۳– امام صادق فرمود: دست و سر کسی نباید بوسیده شود مگر پیغمبر یا کسی که منسوب به پیغمبر باشد (ائمّه، سادات و علما)(۳).

۴– علی بن مَزید گوید: خدمت امام صادق رسیدم و دستش را گرفتم و بوسیدم. حضرت فرمود: به هوش باش که این کار جز نسبت به پیغمبر یا وصیّ پیغمبر شایسته نیست(۴).

۵– یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عرض کردم دستت را بده تا ببوسم. حضرت دستش را به من داد. عرض کردم قربانت گردم سر مبارك را. حضرت جلو آورد بوسیدم، سپس عرض کردم قربانت گردم پای مبارکت را. حضرت سه بار فرمود:

سوگند دهم تو را که از بوسیدن پا بگذری و سه بار فرمود: آیا چیزی باقی مانده است. (یعنی بعد از بوسیدن دست و سر عضو دیگری شایسته بوسیدن نیست)(۵).

۶– امام صادق فرمود: شما شیعیان دارای نوری هستید که در جهان با آن شناخته

۱– اصول کافی، ص ۴۰۲ (باب التّقبیل).

۲– اصول کافی، ص ۴۰۲ (باب التّقبیل).

۳– اصول کافی، ص ۴۰۲ (باب التّقبیل).

۴– اصول کافی، ص ۴۰۲ (باب التّقبیل).

۵– اصول کافی، ص ۴۰۲.

می شوید تا آن جا که هرگاه یکی از شما برادرش را ملاقات کند جای نور را در پیشانی او می بوسد(۱).

۷- ابراهیم بن ادریس از پدرش نقل می کند که پس از رحلت امام حسن عسکری، صاحب الزمان را جوانی نورسته دیدم و دست ها و سر مبارکش را بوسیدم(۲).

۸ - در نامه برادر علی بن جعفر است که از امام موسی کاظم پرسیدم آیا برای مرد سزاوار است که مردی یا زنی را ببوسد؟ فرمود: در بوسیدن برادر، پسر، خواهر، دختر و مانند این ها باکی نیست(۳).

۱۳۵ – کراهت کرنش برای مردم حتّی امام

۱- امام موسی کاظم فرمود: مردی برای آن حضرت در حالی که بر پا ایستاده بود، قصه ای طولانی نقل کرد و از طرف مرد کافری به او سلام رسانید، سپس گفت: سرورم، اگر اجازه فرمایید تعظیمتان کنم و بنشینم، فرمود: برای نشستن اجازه ات می دهم ولی برای کرنش نه. آن مرد نشست و گفت سلام تو را به رفیقم برسانم یا نه؟ فرمود: خداوند ان شاءالله رفیقت را هدایت کند و اگر او بر دین ما باشد، سلام ما بر او باد(۴).

۱۳۶ – کراهت مجادله و دشمنی با مردم

۱- امام صادق فرمود که حضرت علی فرموده است: از مجادله و ستیزه جویی

۱- اصول کافی، ص ۴۰۲.

۲- اصول کافی، ص ۱۷۲.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۸۰.

۴- اصول کافی، ص ۲۶۲.

بپرهیزید زیرا آن ها دل های برادران را بیمار کنند و سبب نفاق شوند(۱).

۲- پیغمبر فرمود: هر که خدا را با سه خصلت ملاقات کند (و با این سه خصلت از دنیا برود) از هر دری که بخواهد وارد بهشت شود(۲).

۳- پیغمبر فرمود: کسی که خدا را هدف مجادلاتش قرار دهد به تحوّل بیش تر نزدیک می شود (از رأیی به رأی دیگر منتقل گردد)(۳).

۴- امام صادق فرمود: با اشخاص بردبار و نادان مجادله مکن، زیرا حلیم تو را دشمن دارد و سفیه آزارت رساند(۴).

۵- امام صادق فرمود: از دشمنی با یکدیگر بپرهیزید زیرا خصومت دل را مشغول کند و موجب نفاق شود و کینه ها پدید آورد(۵).

۶- امام زین العابدین فرمود: وای بر کسانی که فاسقند و همیشه ریاکار. وای بر مردمی که به آسانی تن به گناه دهند و پیوسته دشمن همدیگرند. وای بر مردمی که گناهکارند و گفتارشان بیش تر در غیر ذات پروردگار است(۶).

۷- امام صادق از اجدادش نقل می کند که پیغمبر فرموده است: من خانه ای در بالاترین نقطه بهشت و خانه ای در وسط آن و خانه ای در باغ های بهشت را ضمانت می کنمن برای کسی که مجادله نکند، گر چه حق با او باشد. (و در روایت دیگر چنین

۱- اصول کافی، ص ۴۵۱ (باب المراء والخصومة).

۲- اصول کافی، ص ۴۵۱ (باب المراء والخصومة).

۳- اصول کافی، ص ۴۵۱ (باب المراء والخصومة).

۴- اصول کافی، ص ۴۵۱ (باب المراء والخصومة).

۵- اصول کافی، ص ۴۵۱ (باب المراء والخصومة).

۶- روضه کافی، ص ۳۹۱.

آمده: برای کسی که دروغ نگوید گر چه به شوخی و برای کسی که خلقش نیکو باشد)(۱).

۱۳۷ – استحباب اجتناب از کینه و دشمنی و بغض و ...

۱- امام صادق فرمود که پیغمبرفرموده است: هر وقت که جبرئیل پیش من می آمـد، می گفت: ای محمّد از بغض و دشـمنی با مردم بپرهیز(۲).

۲- ولید بن صَبِیح گوید: از امام صادق شـنیدم که فرمود: پیغمبر فرموده است: جبرئیل در هیچ چیزی به اندازه پرهیز از دشـمنی با مردم به من سفارش نکرده است(۳).

۳- امام صادق فرمود: جبرئیل به پیغمبر گفت: از مشاجره و ستیزه کردن با مردم بپرهیز(۴).

۴- امـام صـادق فرمـود: از خصـومت بـا مردم بپرهیزیـد زیرا خصـومت مـوجب آزار و غرامـت اسـت و عیـب نهفتـه را آشـکار سازد(۵).

۵- امام صادق فرمود: هر که تخم عداوت بکارد کاشته خود را دِرو می کند(۶).

۶- امام صادق فرمود که پیغمبرفرموده است: هر وقت که جبرئیل پیش من می آمد مرا موعظه می کرد و آخرین سـخنش با من این بود که از خصومت با مردم

۱- التوحید، ص ۴۶۱؛ خصال صدوق، ص ۷۰.

۲- اصول کافی، ص ۴۵۱ و ۴۵۲ (باب المراء والخصومة).

۳- اصول کافی، ص ۴۵۱ و ۴۵۲ (باب المراء والخصومة).

۴- اصول کافی، ص ۴۵۱ و ۴۵۲ (باب المراء والخصومة).

۵- اصول کافی، ص ۴۵۱ و ۴۵۲ (باب المراء والخصومة).

۶- اصول کافی، ص ۴۵۱ و ۴۵۲ (باب المراء والخصومة).

بپرهیز، زیرا خصومت عیب نهفته را آشکار می کند و عزّت را از بین می برد(۱).

۷- امام صادق فرمود که پیغمبرفرموده است: آگاه باشید در عداوت کردن با یکدیگر، تراشیدن و از ریشه برکندن است، مقصودم تراشیدن و برکندن مو نیست، ستردن و برکندن دین است(۲).

۸ - امام باقر به نقل از پدرانش می گوید که پیغمبر فرمود: هر که زیاد غصّه خورد بیمار گردد و هر که بداخلاق باشد خودش در عذاب است و هر که با مردم مشاجره کند جوانمردیش ساقط می شود، سپس فرمود: همواره جبرئیل مرا از ستیزه کرده با مردم نهی می کرد همچنان که از شراب خواری و بت پرستی باز می داشت(۳).

۹- امام رضا به نقل از پدرانش فرمود که پیغمبر فرموده است: از خصومت با مردم دوری کنید، زیرا خصومت عیوب نهفته را آشکار می سازد و عزّت را از بین می برد(۴).

۱۳۸ - تحریم مکر، حسد، خیانت و نیرنگ

۱- امام رضا از اجدادش نقل می کند که پیغمبر فرموده است: هر که مسلمان باشد مکر و حیله نمی کند. از جبرئیل شنیدم که می گفت مکر و فریب سبب ورود در آتش اند، سپس فرمود: کسی که مسلمانی را فریب دهد و به او خیانت ورزد از ما نیست. آن گاه فرمود: جبرئیل از طرف خدا بر من نازل شد و گفت: ای محمّد خوش خو باش، زیرا بدخویی خیر دنیا و آخرت را از بین می برد. آگاه باشید شبیه ترین شما به من

۱- اصول کافی، ص ۴۵۱ و ۴۵۲ (باب المراء والخصومة).

۲- اصول کافی، ص ۴۶۸.

۳- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۳۲۶.

۴- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۳۲۶.

خوش خلق ترین شماست(۱).

۲- علی فرمود: مکر و فریب سبب ورود در آتش اند(۲).

۳- امام صادق از پدرانش نقل کرده است که پیغمبر فرمود: هر که با مسلمانی مکر نماید از ما نیست(۳).

۴- علی فرمود: اگر مکر و نیرنگ سبب ورد در آتش نبودند من مکراندیش ترین مردم بودم(۴).

۵- زازان گوید: از علی شنیدم که می فرمود: اگر این فرمایش را از پیغمبر نشنیده بودم که مکر، نیرنگ و خیانت سبب ورد در آتش اند، مکر من از تمام اعراب بیش تر بود(۵).

۶- عبدالرحمن بن ابی نجران گوید: از امام باقر درباره معنای آیه)وَلا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى((۶) (آرزو مبرید بر آنچه که خداوند فزونی نهاد برخی از شما را بر بعضی دیگر)، پرسیدم. فرمود: هرگز کسی آرزو تصاحب زن یا دختر شخص دیگر را نباید داشته باشد، ولی آرزوی داشتن مانن آن ها عیبی ندارد(۷).

۱۳۹ – تحریم دروغ

۱- امام باقر فرمود: نخستین کسی که دروغگو را تکذیب می کند خدای عزّوجلّ

۱- مجالس صدوق، ص ۱۶۳.

۲- عقاب الاعمال، ص ۴۰؛ اصول کافی، ص ۴۶۵ (باب مکر).

۳- عقاب الاعمال، ص ۴۰.

۴- عقاب الاعمال، ص ۴۰.

۵- عقاب الاعمال، ص ۴۰.

۶- نساء ؟ ۳۲.

۷- تفسیر عیّاشی، ج ۱، ص ۲۳۹.

است، سپس دو فرشته ای که با خود شخص همراهند، سپس خود شخص که می داند دروغگوست(۱).

۲- عمر بن یزید گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: دروغگو با برهان های روشن هلاک می گردد و پیروانش به وسیله شبهات (یعنی شبهاتی که به وسیله دروغ او به وجود آمده است)(۲).

۳- امام باقر فرمود: خداوند برای پلیدی ها قفل هایی قرار داده و شراب را کلید آن ها قرار داده و دروغ بدتر از شراب است(۳).

۴- امام باقر فرمود: دروغ ویرانگر ایمان است(۴).

۵- امام صادق به نقل از عیسی بن مریم فرمود: هر که دروغش زیاد شود، آبرویش برود(۵).

۶- علی فرمود: برای مرد مسلمان سزاوار است که از دوستی و ورفاقت دروغگو پرهیز کند، زیرا او آن قدر دروغ گوید که اگر راست هم بگوید کسی آن را باور نکند(۶).

۷- زُراره گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: از جمله چیزهایی که خداوند به وسیله آن به دروغگویان کمک کرده است فراموشی است (یعنی دروغگو فراموشکار است)(۷).

۸ - ابو اسحاق خراسانی گوید علی می فرمود: از دروغ بپرهیز، چون هر شخص

۱- اصول کافی، ص ۴۶۶.

۲- اصول کافی، ص ۴۶۶.

۳- اصول کافی، ص ۴۶۵.

۴- اصول کافی، ص ۴۶۵.

۵- اصول کافی، ص ۴۶۵.

۶- اصول کافی، ص ۴۶۶.

۷- اصول کافی، ص ۴۶۶.

امیدوار، جوینده است و هر بیمناکی گریزان راز واقعیّت» است(۱).

۹- عبدالرحمن بن حجّاج گوید: به امام صادق عرض کردم: آیا دروغگو کسی است که در مورد موضوعی دروغ بگوید؟ فرمود: نه، زیرا کسی نیست که این عمل از او سر نزند، مقصود آن شخصی است که به دروغگویی عادت کرده است(۲).

۱۰- ابو بصیر گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: همانا بنده خدا دروغ گوید تا آن جا که از دروغگویان به شمار آید. وقتی که دروغ گفت خدای عزّوجلّ می فرماید: دروغ گفت و از حق دور شد(۳).

۱۱- امام رضا فرمود: از پیغمبر سؤال شد. ممکن است مؤمن ترسو باشد؟ فرمود: آری. عرض شد: آیا بخیل می شود؟ فرمود: آری. عرض شد: ممکن است دروغگو باشد؟ فرمود: نه(۴).

۱۲- از کلمات رسول الله است که بدترین نوع ربا دروغ گفتن است(۵).

۱۳- علی می فرمود: راستگو باشید، زیرا خداوند با راستگویان است و از دروغ اجتناب کنید، زیرا دروغ انسان را از ایمان دور می کند. بدانید که راستگو بر ساحل نجات و بزرگواری قرار دارد و دروغگو در پرتگداه ذلّت و هلاکت است. سخن نیک بگویید تا به آن شناخته شوید. عمل خیر انجام دهید تا از اهل خیر باشید. امانت کسی را که شما را امین دانسته به او برگردانید و به خویشاوندانی که از شما بریده اند بپیوندید. اگر کسی شما را از چیزی محروم ساخته است با فضل و احسانت به سویش

۱- اصول کافی، ص ۴۶۷.

۲- اصول کافی، ص ۴۶۶.

۳- محاسن برقی، ص ۱۱۸.

۴- محاسن برقی، ص ۱۱۸.

۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۲.

برگردید(۱).

۱۴- امام باقر به نقل از پیغمبرفرموده است: شیطان دارای سه وسیله است، سرمه، عسل و داروی بینی؛ سرمه اش چُرت است، عسلش دروغ است و داروی بینی یا انفیه اش تکبّر است(۲).

۱۵- عبد الله بن عَجلان گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: بنده خدا چون راست گوید، نخستین کسی که او را تصدیق کند خداست و خودش هم می داند که راستگوست و هرگاه دروغ گوید اوّلین کسی که او را تکذیب کند خداست و خود شخص هم می داند که دروغگوست(۳).

۱۴۰ – تحریم دروغ بستن بر خدا، و پیغمبر و ائمّه

۱- ابو نعمان گوید: امام باقر می فرمود: ای ابو نعمان، بر ما دروغی مبند تا دین خود را به باد دهی. مبادا بخواهی که سرباشی (در جلو قرار بگیری) که دم شوی (عقب بمانی). ما را وسیله روزی خوردنت از مردم قرار نده که فقیر می شوی، زیرا تو را آزاد نمی گذارند و حتماً از تو پرسش می کنند. اگر راست بگویی تصدیقت می کنیم و اگر دروغ بگویی تکذیب می کنیم(۴).

۲- در حدیثی مرفوع روایت شده که در محضر امام صادق گفته شد که بافنده از رحمت خدا دور است؟ حضرت فرمود: همانا این آن بافنده ای است که بر خدا و

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۶.

۲- مانی الاخبار، ص ۴۶.

۳- ثواب الاعمال، ص ۹۷.

۴- اصول کافی، ص ۴۶۵.

پیغمبرش دروغ ببافد(۱).

۳- امام صادق فرمود: دروغ بستن بر خدا و پیغمبر از گناهان کبیره است(۲).

۴- امام صادق در گفتگویی با مرد شامی فرمود: ای برادر شامی، سخن ما را گوش کن و بر ما دروغ مبند، زیرا هر که در مورد چیزی بر ما دروغ بندد، بر پیغمبر دروغ بسته و هر که بر پیغمبر دروغ ببندد، به خدا دروغ بسته و هر که به خدا نسبت دروغ بدهد، خدای عزّوجلّ وی را عذاب می کند(۳).

۵- امام صادق از اجدادش نقل می کند که پیغمبر در وصیّتش به علی فرمود: ای علی هر که به من نسبت دروغ بدهد، حتماً

جایگاهش پر از آتش خواهد شد(۴).

۶- امام صادق فرمود: دروغ بستن بر خدا و پیغمبر خدا و اوصیای پیغمبر از گناهان کبیره است. سپس امام فرمود که پیغمبر فرموده است: هر کس چیزی را که من نگفته ام به من نسبت دهد جایگاهش آتش خواهد شد(۵).

۱۴۱ – تحریم دروغ بزرگ و کوچک، شوخی و جدی و غیره

۱- امام باقر فرمود: که پدرم علی بن الحسین به فرزندانش می فرمود: از دروغ گفتن بپرهیزید، چه بزرگ و چه کوچک، شوخی و یا جدّی باشد، زیرا شخص وقتی که در چیز کوچک دروغ بگوید به بزرگش نیز جرأت پیدا می کند، مگر نمی دانید که

۱- اصول کافی، ص ۴۶۶.

۲- اصول کافی، ص ۴۶۶.

۳- فروع کافی، ج ۴، ص ۱۸۷.

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۸.

۵- عقاب الاعمال، ص ۳۹؛ محاسن برقی، ص ۱۱۸.

پیغمبر فرمود: بنده خدا همواره راست گوید تا خداوند او را راستگو نویسد و پیوسته دروغ بگوید تا پروردگار او را دروغگو نویسد(۱).

۲- علی فرمود: هیچ بنده ای طعم ایمان را نچشد مگر این که دروغ را ترک کند چه شوخی باشد و چه جدّی(۲).

۳- علی فرمود: دروغ چه شوخی باشد چه جدی شایسته نیست و سزاوار نیست که یکی از شما به بچه اش وعده ای بدهد که بعداً بدان وفا نمی کند. زیرا دروغ به فساد می کشاند و فساد به سوی آتش. و مادامی که یکی از شما دروغ گوید، بگویند دروغ گفت و معصیت کرد، اگر یکی از شما دروغ گوید تا به اندازه سر سوزن جای راستگویی نماند، «در این صورت» در نزد خداوند هم کذّاب نامیده می شود(۳).

۴- ابوذر گوید که پیغمبر در مقام نصیحت به او فرمود: ای اباذر، هر که بر زبان و عورتش تسلط داشته باشد، وارد بهشت شود. عرض کردم یا رسول الله آیا به گفتار زبانمان مؤاخذه می شویم؟ آیا مردم به غیر از نتایج زبانت به سبب چیز دیگری هم به رو به آتش افکنده می شود؟ پیوسته در امانی تا سخن نگفته ای و چون سخن گفتی آن حرف به سود یا زبان تو نوشته می شود.

ای اباذر، اگر شخصی سخنی بگوید که موجب رضای خداست، روز قیامت بهشت برایش منظور گردد و اگر در مجلسی سخن لغوی بگوید تا دیگران را با آن بخنداند، به جهنمی که بین آسمان و زمین است افکنده می شود.

ای اباذر، وای بر کسی که در سخنانش دروغ بگوید تا گروهی را بخنداند، و سه بار فرمود و ای بر او.

۱- اصول کافی، ص ۴۶۵.

۲- اصول کافی، ص ۴۶۶؛ محاسن برقی، ص ۱۱۸.

۳- مجالس شیخ صدوق، ص ۲۵۲.

ای اباذر، هر که سکوت اختیار کرد نجات یافت. سکوت کن و هرگز دروغی از دهانت خارج نشود. عرض کردم: یا رسول الله، شخصی که عمداً دروغ گفته توبه اش چیست؟ فرمود: ادای نماز پنجگانه و طلب آمرزش از خدا گناه آن را می شوید(۱).

۱۴۲ – جواز دروغ در اصلاح بین مردم و عدم جواز راستگویی در فساد

۱- امام صادق از پدرانش نقل می کند: در سفارش های پیغمبر به علی هست: یا علی، خداوند دروغ را برای اصلاح بین مردم دوست می دارد و راستگویی را که سبب فساد شود نمی پسندد، تا آن جا که فرمود: یا علی در سه مورد دروغ گفتن نیکوست: ۱) حیله کردن در جنگ ۲) وعده دادن به همسر خود ۳) اصلاح بین مردم(۲).

۲- امام صادق از پدرانش نقل می کند: که پیغمبر فرمود: در سه جا دروغ گفتن نیکوست: ۱) حیله در جنگ ۲) وعده دادن به همسر خویش ۳) اصلاح بین مردم، و در سه مورد راست گفتن زشت است: ۱) در سخن چینی بین مردم ۲) آگاه کردن شخصی از جریان خانواده اش به آنچه که دوست ندارد ۳) تکذیب کردن شخصی را در خبری که می دهد. فرمود: هم نشینی با سه گروه دل را می میراند: ۱) هم نشینی با فرومایگان ۲) گفتگو با زنان ۳) هم نشینی با ثروتمندان(۳).

۳- امام صادق فرمود: اصلاح کننده «بین دو نفر یا دو جمعیت» دروغگو نیست(۴).

۱- مجالس، شیخ صدوق، ص ۳۴۰.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۳ و ۳۳۶.

۳- خصال صدوق، ج ۱، ص ۴۳.

۴- اصول کافی، ص ۴۶۷.

۴- حسن صَیقَل گوید: به امام صادق عرض کردم: از امام باقر درباره قول حضرت یوسف که فرمود: «ای کاروان شما دزد هستید»(۱)

برای ما روایت شده که آن حضرت فرموده است: به خدا قسم آن ها دزدی نکردند و یوسف هم دروغ نگفت. هم چنین درباره آنچه که ابراهیم فرمود «بلکه بزرگشان این کار را کرده بپرسید از آن ها اگر حرف می زنند»(۲)،

فرموده است سوگند به خدا آن ها آن کار را نکرده اند و ابراهیم هم دروغ نگفت؟ امام صادق فرمود: ای صَیقَل نظرتان در این مورد چیست؟ عرض کردم جز تسلیم به رأی شما ما نظر دیگری نداریم، راوی گوید: پس آن حضرت فرمود: خداوند

دو چیز را دوست و دو چیز را دشمن دارد خرامیدن «با غرور راه رفتن» در بین دو صف (از لشکر اسلام و کفر را) دوست دارد و دروغ را در اصلاح بین مردم می پسندد و خرامیدن در راه ها و کوچه ها، و دروغ را در غیر اصلاح مردم دشمن دارد، بنابراین ابراهیم که فرمود: «بلکه این کار را بزرگشان کرده» قصد اصلاح داشت و برای راهنمایی بر این که آن ها چنین کاری نمی توانند انجام دهند و یوسف هم قصد اصلاح داشت(۳).

۵- عیسی بن حسان گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: گوینده هر دروغی روزی مورد سؤال قرار خواهد گرفت:

شخصی که در جنگ حیله کند گناهی بر او نیست ۲) کسی که قصد اصلاح بین دو نفر را دارد و به یکی از آن ها غیر آنچه که به دیگری گفته بگوید و با این دروغ اراده اصلاح بین آن ها را داشته باشد ۳) کسی که به همسرش وعده ای بدهد که بعداً قصد

ص:۱۸۰

۱-)أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ(، یوسف / ۷۰.
۲-)قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ(، انبیاء / ۶۳ .
۳- اصول کافی، ص ۴۶۶.

انجام آن را نداشته باشد(۱).

۶- امام صادق فرمود: سخن بر سه گونه است: راست، دروغ و اصلاح بین مردم. «راوی گوید» عرض شد قربانت گردم، منظور از اصلاح بین مردم چیست؟ فرمود: از کسی درباره شخص دیگر سخنی می شنوی که اگر آن سخن به او برسد رنجیده می شود، پس تو او را دیدار کرده و برخلاف آنچه که شنیده ای بگویی از فلانی درباره خوبی تو چنین و چنان شنیدم(۲).

۷- امام صادق فرمود: که پیغمبرفرموده است: شخص مصلح دروغگو نیست، سپس این آیه را خواند)أَيَّتُهَا

الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ((۳) آن گاه فرمود: قسم به خدا آنان سرقت نکردند و یوسف هم دروغ نگفت، آن گاه این آیه را خواند)قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ

هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ((۴) سپس فرمود: سوگند به خدا آن ها آن کار را نکرده بودند و ابراهیم هم دروغ نگفت(۵).

۸ - در حدیثی امام صادق فرمود: به اصحابم چنین و چنان ابلاغ کن و به ایشان چنین و چنان ابلاغ کن. (راوی گوید) عرض کردم، نمی توانمن این جملات را عیناً حفظ کنم، آنچه که یاد گرفته ام می گویم و بهتر از آن نمی توانم حفظ کنم، فرمود: اشکال ندارد زیرا مصلح دروغگو نیست(۶).

۱- اصول کافی، ص ۴۶۷.

۲- اصول کافی، ص ۴۶۶.

۳- یوسف / ۷۰.

۴- انبیاء / ۶۳.

۵- اصول کافی، ص ۴۶۷.

۶- رجال کشی، ص ۱۹۰.

۹- امام رضا فرمود: همانا مرد به برادر دینی اش سخن راستی بگوید تا وی را برنجاند، چنین شخص نزد پروردگار کذاب به شمار آید، و همانا مرد به برادر دینی خود دروغ بگوید و قصدش از دروغ، سود رساندن به او باشد، وی نزد خدا راستگو به شمار آید(۱).

۱۰- علی فرمود: نشانه ایمان است که راستگویی را در جایی که به تو ضرر دارد بر دروغی که برایت سود دارد ترجیح بدهی و بیش از علمت سخن نگویی و در سخن گفتن درباره دیگران از خدا پروا داشته باشی(۲).

۱۴۳ – در احکام گمان

۱- عبدالعلی مولی آل سام گوید: امام صادق برایم حدیثی بیان فرمود. من به او عرض کردم: فدایت شوم، آیا هم اکنون برای من چنین و چنان نپنداشتی؟ فرمود: نه، و این سخن بر من گران آمد. عرض کردم آری به خدا سوگند پنداشتی. فرمود: به خدا

قسم نپنداشتم. (راوی گوید) باز این حرف بر من گران آمد. عرض کردم: چرا به خدا سوگند آن را گفتی. فرمود: آری آن را گفتم مگر نمی دانی در قرآن مجید هر گمانی دروغ به شمار آمده است؟(۳)

۱۴۴ – تحریم دو رو و دوزبان بودن

۱- امام صادق فرمود: هر که با مسلمانان دورو و دو زبان باشد، روز قیامت

۱- مصادقة الاخوان، ص ۴۸.

۲- نهج البلاغه، بخش دوم، ص ۲۵۱.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۶؛ عقاب الاعمال، ص ۳۹؛ معانی الاخبار، ص ۵۷.

برانگیخته می شود در حالی که در یک سر دو زبان آتشین دارد. در روایت دیگر چنین نقل شده است که هر که با مردم حضوراً با چهره ای و غیاباً با چهره دیگر برخورد کند، روز قیامت...(۱).

۲- امام باقر فرمود: چه بد بنده ای است آن که دارای دو رو و دو زبان است. برادر هم کیش خود را در حضور ستایش و در غیابش از وی غیبت کند. اگر ثروتی یا موقعیّتی نصیب برادرش شود به او حسد برد و چون گرفتار شود یاری اش نکند(۲).

۳- در عقاب الاعمال به روایت فوق چنین اضافه شده: چه بد بنده ای است آن که عیب جو و خرده گیر باشد، روبه رو با چهره ای و پشت سر با چهره دیگر باشد(۳).

۴- عبدالرحمان بن حَمّاد در حدیثی «که آن را به معصوم رسانده» گوید: خداوند متعال به عیسی بن مریم فرمود: ای عیسی زبان و قلبت در نهان و آشکار یکی باشد. همانا تو را از نفس خودت بر حذر می دارم و این آگاهی برای تو کافی است که در یک

دهن دو زبان نشاید، چنان که در یک غلاف دو شمشیر نگنجد و در یک سینه دو دل نباشد. ذهن انسان نیز چنین است. «دو اعتقاد مخالف در یک ذهن جای نگیرد»(۴).

۵- علی فرمود: پیغمبر فرموده است کسی که دو روست، روز قیامت می آید در حالی که یک زبانش از پشت سرش بیرون آمده است و زبان دیگر از پیش رویش و آتشی از آن دو برآید که بدنش را بسوزاند، آن گاه گفته می شود این همان است که در دنیا دارای دو رو و دو زبان بود و با این وضع در روز رستاخیز معرفی می شود(۵).

۱- اصول کافی، ص ۴۶۷؛ عقاب الاعمال، ص ۳۹.

۲- اصول کافی، ص ۴۶۷؛ عقاب الاعمال، ص ۳۹.

۳- اصول کافی، ص ۴۶۷؛ عقاب الاعمال، ص ۳۹.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۶؛ عقاب الاعمال، ص ۳۹.

۵- عقاب الاعمال، ص ۳۹؛ خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۰.

۶- پیغمبر فرمود: بدترین مردم در روز قیامت نزد خداوند کسی است که در دنیا دو رو باشد(۱).

۷- پیغمبر فرمود: هر که در دنیا دو رو باشد، در قیامت دارای دو زبان از آتش خواهد بود(۲).

۸ - پیغمبر در خطبه ای فرمود: هر که در دنیا دارای دو رو و دو زبان باشد، روز قیامت دو چهره و دو زبان از آتش خواهد داشت(۳).

۹- عبدالله بن ابی یعفور گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: هر که با مردم با چهره ای دیدار نماید و با چهره دیگر از آن ها عیب جویی کند، روز قیامت می آید با حالتی که در سرش دو زبان از آتش دارد(۴).

۱۰- علی فرمود از پیغمبر نقل فرمود: هر که برادر مؤمنش را در روبه رو بستاید و پشت سر از وی غیبت کند، پیمان برادری بین آن ها گسسته می شود(۵).

۱۴۵ - تحریم قهر کردن از مؤمن و استحباب سبقت در آشتی کردن

۱- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است: بیش از سه روز قهر جدایی جایز نیست(۶).

۲- امام صادق فرمود: در قهر هیچ گونه خیری نیست(۷).

۱- خصال صدوق، ص ۲۰.

۲- خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۰.

۳- عقاب الاعمال، ص ۴۸.

۴- مجالس صدوق، ص ۲۰۳.

۵- مجالس صدوق، ص ۳۴۶.

۶- اصول کافی، ص ۴۶۸.

۷- اصول کافی، ص ۴۶۸.

۳- مفضّل در ضـمن سفارشی گوید: از امام صادق شندیدم می فرمود: چون دو نفر از یکدیگر با قهر جدا شوند یکی از آن ها سزاوار برائت و لعنت است و چه بسا هر دو سازاوار آن باشـند مُعَتِّب (یکی از دوسـتان مخصوص آن حضـرت) گفت: قربانت گردم آن که سـتمگر باشد سـزایش همین است، امّا تقصیر مظلوم چیست؟ فرمود: چون او و هم برادرش را به آشتی دعوت نکرد و حرف هـای او را نادیـده نگرفته است. از پـدرم شـنیدم که می فرمود: چون دو نفر بـا هم ستیز کننـد و یکی بر دیگری غالب آید، باید مظلوم به نزد رفیق ظالم خود رود و به او بگوید: ای برادر من سـتمگر هستم، تا قهر و جدایی بین آن ها از میان برود، همانا خداوند حکیم و عادل است و داد مظلوم را از ظالم می ستاند(۱).

۴- ابو بصـیر گوید: از امام صادق درباره مردی که با خویشاوند خود به سـبب این که مذهب حقّ را نمی شناسد (شیعه نیست) قطع رابطه کند سؤال کردم، فرمود: سزاوار نیست که خویشاوندی را قطع کند(۲).

۵- داود بن کثیر گوید: شـنیدم امام صادق می فرمود که پدرم فرمود: پیغمبر فرموده است: هرگاه دو نفر مسـلمان از همدیگر با قهر جـدا شونـد و سه روز در آن حال بماننـد و آشتی نکننـد ، هر دو از اسـلام خارج شوند و بین آنان دوستی دینی نمی ماند، پس هر

کدام از آن ها برای آشتی و سخن گفتن بر دیگری سبقت جوید، در روز رستاخیز جلوتر از دیگری به بهشت خواهد رفت(۳).

۶- امام صادق فرمود: مادام که دو مسـلمان با هم قهر هسـتند، شیطان خشنود است و چون آشتی کنند، زانوهای شیطان بلرزد و بندهایش از هم گسیخته شود و فریاد زند

۱- اصول کافی، ص ۴۶۷.

۲- اصول کافی، ص ۴۶۸.

۳- اصول کافی، ص ۴۶۸.

وای بر او (خود شیطان) از آنچه که به او از هلاک رسد(۱).

۷- پیغمبر فرمود: برای هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز از برادر دینی خود قهر کند(۲).

۸ – امام صادق از پدرانش نقل می کند که پیغمبر در حدیث مناهی مسلمانان را از قهر و جدایی نهی فرموده است، پس اگر کسی ناچار از جدایی باشد، بیش از سه روز نباید از برادرش دوری جوید و هر که بیش از سه روز از برادر دینی اش جدا شود، آتش برای او سزاوارتر است(۳).

۹- پیغمبر فرمود: برای مسلمان جایز نیست که بیش از سه روز از برادر دینی اش قهر کند و از وی جدا شود(۴).

۱۰- امام باقر فرمود: هرگاه دو نفر مؤمن از هم قهر کنند و بیش از سه روز از یکدیگر جدا شوند، من در روز سوم از آن ها بیزارم. عرض شد، این سزای ظالم است، جرم مظلوم چیست؟ فرمود: چرا مظلوم نزد ظالم نرفت تا بگوید من ستکارم تا آشتی کنند(۵).

۱۱- پیغمبر فرمود: برای هیچ مسلمانی جایز نیست که از برادر هم کیش خود قهر کند و بیش از سه روز از وی دوری گزیند و هر کدام از آنان که برای آشتی پیش قدم باشد در رفتن به بهشت مقدم تر است(۶).

۱۲- ابوذر گوید که پیغمبردر نصیحتی به او فرمود: ای اباذر، از جدایی و

ص:۱۸۶

۱- اصول کافی، ص ۱۶۸.ک

۲- خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۸۶.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶.

۴- خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۸۶.

۵- خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۸۶.

۶- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۴۹.

قهر با برادر دینی خود بپرهیز، زیرا هیچ عملی با قهر پذیرفته نیست. ای اباذر، من ترا از جدایی منع می کنم و اگر ناچار شدی، نباید جدایی ات سه روز کامل باشد پس هرکه در خلال سه روز جدایی از برادرش بمیرد، آتش برای او سزاوارتر است(۱).

۱۴۶ – تحریم آزار رساندن به مؤمن

۱- هشام بن سالم گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: خدای عزّوجلّ فرماید: آن که بنده مؤمن مرا بیازارد به من اعلان جنگ دهد و هر که بنده مؤمن مرا اکرام نماید از خشم و غضب من آسوده خاطر باشد(۲).

۲- مفضّل بن عمر گوید که امام صادق فرمود: چون روز قیامت شود، منادی از جانب خدا فریاد زند، آنان که از دوستان من رو گردانده بودند کجایند؟ گروهی برمی خیزند که رخسارشان گوشت ندارد، پس گفته شود، این ها کسانی هستند که به مؤمنین آزار رساند و با آنان دشمنی کرده و عناد ورزیده اند و در امور دینی آن ها را با تندی سرزنش کرده اند، سپس دستور داده شود که آن ها را به دوزخ ببرند(۳).

۳- روایت فوق با سند دیگر چنین بیان شده: به خدا سوگند این ها کسانی بودند که در گفتارشانت با مؤمنین یکی بودند ولی حقوق آنان ار منع کردند، و اسرار مؤمنین را فاش نمودند(۴).

۱- مجالس شیخ صدوق، ص ۲۴۱.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۰.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۰.

۴- عقاب الاعمال، ص ۳۲.

۱۴۷ – تحریم اهانت به مؤمن و خوار داشتن او

۱- امامن باقر فرمد: چون پیغمبررا به معراج بردند، عرض کرد پروردگارا رتبه و منزلت مؤمن در پیش تو چگونه است؟ فرمود: ای محمّـد، هر که به یکی از دوستان من اهـانت کنـد، آشکارا به جنـگ من برخاسـته و من به یاری دوسـتانم از همه شـتابان ترم(۱).

۲- مُعَلَّی بن خُنَیس گویـد: از امام صادق شـنیدم که می فرمود: خداونـد تبارک و تعالی فرماید: هر که به یکی از دوسـتان من اهانت نماید در جنگ با من کمین کرده است و من با سرعت تمام دوستانم را یاری می کنم(۲).

۳- امام صادق فرموده است که پیغمبر فرمود: خـدای عزّوجلّ فرموده است: هر که به یکی از دوسـتان من اهانت کند محقّقاً در جند با من کمین کرده است(۳).

۴- امام صادق از پـدرانش نقل می کنـد: که پیغمبر در حدیث مناهی فرموده است: هر که به فقیر مسـلمانی بی اعتنایی کند، به حقوق الهی بی اعتنایی کرده و خداوند روز قیامت به او بی اعتنایی می کند، مگر این که توبه کرده باشد(۴).

۵- پیغمبر فرمود: هر که به فقیر مسـلمانی اکرام کنـد، روز قیـامت خداونـد از او راضـی خواهـد بود. آگـاه باشـید هر که برادر مسلمانش را اکرام کند خدای عزّوجلّ او را گرامی می دارد(۵).

۶- امام صادق از پـدرانش نقل می کنـد که پیغمبر فرمود: هر که مؤمنی را به خاطر فقر و تنگدستی اش خوار شـمارد و یا او را تحقیر کند، خداوند روز قیامت وی را

۱- اصول کافی، ص ۴۷۱ (باب من اذی المسلمین).

۲- اصول کافی، ص ۱۷۰.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۰.

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۷.

۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۷.

رسوا و مفتضح می کند(۱).

۷- حدیث ۷ مانند حدیث ۶ است(۲).

۸ - ابو بصیر گوید امام صادق فرمود: هرگز مؤمنِ فقیری را حقیر و ناچیز نشمارید، زیرا هر که مؤمنی را کوچک یا سبک و پست شمارد، خداوند او ار کوچک شمارد و همواره نسبت به او خشمناک باشد، تا اینت که از کوچک شمردن مؤمنان دست بردارد و به آن ها حترام کند و یا این که توبه کند و فرمود: هر که مؤمنی را به سبب تنگدستی و فقرش پست شمارد و تحقیر کند، روز قیامت خداوند او را در برابر خلایق رسوا می کند(۳).

۹- ابراهیم بن عمر یمانی گوید: امام صادق فرمود: هر که توانایی کمک به برادر دینی خود داشته باشد، ولی دست از یاری او کشیده، خوارش کند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار گرداند(۴).

۱۰- پیغمبر در یکی از خطبه هایش فرمود: هر که مسلمان فقیری را به خاطر فقرش خوار و پست شمارد، خدا را کوچک شمرده است و همواره مورد خشم و غضب خداوند است تا این که او را راضی کند، سپس فرمود: هر که بر فقیری ستم کند یا او را

حقیر شمارد، خدا در روز قیامت وی را به شکل آدمکی به اندازه مورچه محشور گرداند تا این که داخل آتش دوزخ شود(۵).

۱۱- پیغمبر از قول جبرئیل نقل فرمود که خداوند فرموده است: هر که به یکی از

۱- عیون اخبار الرضا، ص ۲۰۱ و ۲۲۸.

۲- عیون اخبار الرضا، ص ۲۰۱ و ۲۲۸.

۳- عقاب الاعمال، ص ۲۹.

۴- عقاب الاعمال، ص ۲۳.

۵- عقاب الاعمال، ص ۴۶.

دوستان من اهانت کند، آشکارا به جنگ با من برخاسته است(۱).

۱۲- پیغمبر فرمود: ای بسا فرد ژولیده موی و غبارآلود که جامه های کهنه بر تن دارد و در خانه ها خاک نشین است. امّا هرگاه مرا به خدا سوگند دهد، به او نیکی کنم و خواهش او را انجام دهم(۲).

۱۴۸- تحریم ذلیل شمردن و تحقیر مؤمن

۱- مُعَلَی بن خُنَیس گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: خدای عزّوجلّ فرموده است: آن که بنده مؤمن مرا ذلیل شمارد به من اعلانت جنگ داده است و هر که بنده مؤمن مرا اکرام کند، از خشم و غضب من آسوده خاطر خواهد بود(۳).

۲- امام صادق از پیغمبر نقل فرموده است: چون پروردگارم مرا به معراج بد از پشت پرده حجاب به من وحی فرمود و بدون واسطه با من سخن گفت و فرمود: ای محمّد هر که یکی از دوستان مرا خوار نماید، در چنگ با من کمین کرده است و هر که با من جنگ کند، با او بجنگم. گفتم: خدایا ایتن دوست تو کیست؟ زیرا می دانمن هر که با تو بجنگد با او می جنگی! خداوند به من فرمود: این دوست من کسی است که برای تو و وصی تو و فرزندانت به ولایت و دوستی از او پیمان گرفته ام(۴).

۳- امام صادق می فرماید که پیغمبر فرمود: خدای عزّوجلّ فرموده است: هر که بنده مؤمن مرا خوار نماید آشکارا به جنگ با من برخاسته است(۵).

۱- علل الشرایع، ص ۱۵، حدیث طولانی است.

۲- مجالس شیخ صدوق، ص ۲۳۲؛ مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۷۴.

۳- محاسن برقی، ص ۹۷.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۱.

۵- اصول کافی، ص ۴۷۱.

۴- امام صادق می فرمایـد: هر که مؤمنی را به سـبب تنگدستی و فقرش پست و کوچک بشـمارد، خداوند روز قیامت او را در برابر مردم رسوا و مفتضح گرداند(۱).

۵- امام صادق فرمود: هر که مؤمنی را خوار شـمارد، مستمند باشد یا غیر مستمند، خدای عزّوجلّ پیوسته وی را خوار دارد و بر او خشمناک است تا آن گاه که از تحقیر کردن آن مؤمن باز گردد «و به او احترام نماید»(۲).

۶- امام صادق می فرمایـد که پیغمبر فرمود: خدای عزّوجلّ فرموده است: آن که بنده مؤمن مرا خوار دارد به من اعلانت جنگ داده است(۳).

۷- امام رضا از پدرانش نقل می کند که علی فرمود: برای هیچ مسلمانی شایسته نیست که مسلمانی را به وحشت اندازد(۴).

۸ - امام صادق از پیغمبرنقل فرمود: خدای عزّوجلّ فرموده است: با کسی که بنده مؤمن مرا به ذلّت کشاند در ستیزم و به یاری دوستانم از همه چیز شتابان ترم(۵).

۱۴۹ – تحریم سبک شمردن مؤمن

۱- ابو هارون گوید: در حضور امام صادق بودم، خطاب به گروهی که حاضـر بودند فرمود: شما چرا ما را سبک می شمارید؟ مردی از اهل خراسان برخاست و گفت پناه

می بریم به خدا از این که شما و با چیزی از او امر شما را سبک بشماریم. حضرت

۱- اصول کافی، ص ۴۷۱.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۰.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۰؛ عقاب الاعمال، ص ۲۲.

۴- عیون اخبارالرضاع ص ۲۲۸.

۵- مصادقة الاخوان، ص ۴۶.

فرمود: آری تو یکی از آن هایی هستی که مرا سبک شمردی. آن شخص گفت به خدا پناه می برم از این که شما را کوچک بشمارم. فرمود: وای بر تو آیا حرف فلانی را نشنیدی وقتی که نزدیک جُحفه بودیم و او خسته بود و از تو درخواست کرد که به اندازه یک میل راه او را با خود ببری. به خدا سوگند سرت را به سوی او نگرداندی و او را سبک شمردی. هر که مؤمنی را سبک شمارد، ما را سبک شمرده و حرمت خدا را ضایع کرده است(۱).

۱۵۰ – تحریم قطع صاله ارحام

۱- امام باقر از علی نقل فرموده: وقتی که مردم پیوند خویشاوندی را قطع کند ثروت در دست اشرار قرار می گیرد(۲).

۲- علی فرمود: از جمله گناهانی که سبب مرگ زودرس می شود، قطع رحم است(۳).

۳- عَتَبسة بن عابد گوید: شخصی پیش امام صادق آمد و از خویشاوندانش شکایت کرد. حضرت به او فرمود: خشمت را فرو نشان و این کار را بکن (همیشه خشمن را فرو نشان). عرض کرد: آن ها هر چه می خواهند می کنند، فرمود: آیا تو هم می خواهی مثل آن ها باشی تا خداوند به شما توجه نکند؟(۴).

۴- امام صادق از پیغمبر نقل فرموده است: (از خویشاوندانت) قطع رحم نکن

۱- روضه کافی، ص ۱۰۲.

۲- اصول کافی، ص ۴۶۹.

۳- اصول کافی، ص ۴۶۹.

۴- اصول کافی، ص ۴۶۹.

اگر چه از تو بریده باشند(۱).

۱۵۱ – تحریم جمع آوری موارد لغزش های مؤمن برای عیب گرفتن از او

۱- امام صادق فرمود: دورترین بنده از درگاه خداوند کسی است که در حال دوستی و برادری با دیگری لغزش های وی را به خاطر بسپارد تا روزی او را برای آن لغزش ها سرزنش کند(۲).

۲- امام باقر فرمود: چیزی که بیش از همه بنده را به کفر وا دارد این است که شخص با دیگری پیمان برادری در دین بسته باشد ولی لغزش ها و خطاهای او را بشمارد تا روزی وی را در مورد آن ها نکوهش کند(۳).

۳- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق از پیغمبر نقل فرموده است: ای گروهی که به زبان ایمان آورده ولی ایمان به دلتان نرسیده است، مسلمانان را مذمّت نکنید و در جستجوی عیوب آن ها نباشید زیرا هر که در جستجوی عیوب مسلمانان باشد خداوند به دنبال عیب های اوست و خداوند چنین فردی را رسوا گرداند گر چه در خانه اش باشد(۴).

۴- امام صادق فرمود: پست ترین چیزی که شخص به سبب آن از ایمان خارج می شود آن است که مرد با هم کیش خود دوستی کند و لغزش ها و خطاهای او را

۱- اصول کافی، ص ۴۶۹.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۱ و ۴۷۲.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۱ و ۴۷۲.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۱ و ۴۷۲.

بشمارد تا روزی او را در مورد آن ها نکوهش کند(۱).

۱۵۲ – نهی از عیب جویی و سرزنش مؤمن

۱- امام صادق فرمود: هر که مؤمنی را به سبب گناهی سرزنش کند نمی میرد تا این ه خودش مرتکب همان گناه شود(۲).

۲- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است: هر که عمل زشتی را فاش کنـد،ماننـد کسـی است که آن را آغاز کرده و انجام داده است و هر که مؤمنی را به سبب چیزی سرزنش کند، نمی میرد تا این که خودش مرتکب آن شود(۳).

۳- امام صادق فرمود: هر که مؤمنی را ملامت کند در دنیا و آخرت مورد نکوهش خدا قرار می گیرد(۴).

۴- امام صادق فرمود: هر که به منظور عیب جویی به دیدن برادرش برود، خدا در دنیا و آخرت او را نکوهش کند(۵).

۵- امام صادق از پیغمبر نقل فرموده است: هر که عمل زشتی را فاش کند، مانند کسی است که آن را آغاز کرده و انجام داده است و هر که مسلمانی را به گناهی ملامت کند، نمی میرد مگر این که خودش مرتکب آن شود(۶).

۱- معانی الاخبار، ص ۱۱۲.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۲.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۲.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۲.

۵- اصول کافی، ص ۴۷۲.

۶- محاسن برقی، ص ۱۰۴.

۱۵۳ – تحریم غیبت کردن از مؤمن

۱- امـام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است: مؤمن کسـی است که مؤمنین او را بر جان و مال خودشان امین داننـد و مسـلمان کسـی است که مسـلمانان از دست و زبان او در امان باشـند و مهاجر کسی است که از گناهان دوری جوید و آنچه را که خدا حرام

نموده ترک نماید و هم چنین ستم کردن، خوار داشتن، غیبت نمودن و طرد کردن مؤمن بر مؤمن حرام است(۱).

۲- امـام صادق فرمود: هر که در داد و سـتدش به مردم سـتم نکنـد و در گفتارش به آنان دروغ نگویـد خلف وعـده نکنـد، از کسـانی اسـت کـه غیبتش بر دیگران حرام، مروّتش کامـل و عـدالتش ظـاهر است. دوسـتی و برادری چنین شـخص بر دیگران واجب است(۲).

۳- حَرث بن مُغَیره گویـد امـام صادق فرمود: مسـلمان برادر مسـلمان و چشم و آینه و راهنمای اوست. نسـبت به او خیانت نمی کند، فریبش نمی دهد، بر او ستم روا نمی دارد، وی را دروغگو نمی پندارد و از او غیبت نمی کند(۳).

۴- فُضَیل بن یسار گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند و او را خوار نمی دارد(۴).

۵- امام صادق فرمود: مسـلمان برادر مسـلمان است، به او ستم نمی کند، خوارش نمی دارد، غیبت او را نمی کند، وی را فریب نمی دهد و از عطایا محرومش نمی کند(۵).

ص:۱۹۵

۱- اصول کافی، ص ۴۲۵ و ۴۲۶.

۲- اصول کافی، ص ۴۲۸؛ صحیفة الرضا، ص ۴۷؛ عیون اخبارالرضا، ص ۱۹۸.

۳- اصول کافی، ص ۳۹۲ (باب اخوة المؤمنین...).

۴- اصول کافی، ص ۳۹۲ (باب اخوة المؤمنین...).

۵- اصول کافی، ص ۳۹۲ (باب اخوة المؤمنین...).

۶- امام صادق فرمود: هر که در مورد مؤمنی آنچه را که دیـده و یا شـنیده برای دیگران باز گو کند، از کسانی است که خدای عزّوجلّ درباره آن ها فرموده است: «آنان که می خواهنـد درباره مؤمنین عمل زشتی را اشاعه دهنـد برای آنان عذاب دردناك است(۱)»(۲).

۷- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است: تأثیر غیبت در نابودی دین شـخص مسـلمان از اثر مرض خوره در درونش سـریع تر است(۳).

۸ - پیغمبر فرمود: نشسـتن در مسـجد به انتظـار نمـاز عبـادت است تـا وقتی که صـحبت نکنـد. عرض کردنـد یـا رسول الله، آن صحبت چه باشد؟ فرمود: غیبت کردن(۴).

۹- ابوذر گویـد: پیغمبر در یکی از نصـایحش به من فرمود: ای ابـاذر، از غیبت کردن بپرهیز زیرا غیبت بـدتر از زناست. عرض کردم یا رسول الله چرا چنان است؟ فرمود: برای این که زناکار اگر توبه و اسـتغفار نماید، خدا توبه اش را می پذیرد؛ ولی گناه غیبت بخشوده نمی شود مگر این که صاحبش عفو نماید.

ای اباذر، دشـنام دادن به مسـلمان فسق و جنـد با او کفر است. غیبت کردن از او سـرپیچی از فرمان خـدا و مالشماننـد خونش محترم است. عرض کردم یـا رسول الله غیبت چیست؟ فرمود: درباره برادرت چیزی بگویی که او خوش نـدارد. عرض کردم یا رسول الله اگر آنچه که گفته می شود در او باشـد چه طور؟ فرمود: بـدان که هرگـاه درباره او چیزی بگویی که در او هست از او غیبت کرده ای و اگر چیزی بگویی که در او نیست، به او بهتان بسته ای(۵).

۱۰- پیغمبر فرمود: بهشت بر سه گروه حرام است. ۱) آنان که بر دیگران منّت

۱-)إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ(، نور / ۱۹.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۲.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۲.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۲.

۵- مجالس شیخ صدوق، ص ۳۴۱.

گذارند ۲) کسانی که از دیگران غیبت کنند ۳) آنان که دایم الخمر باشند(۱).

۱۱- پیغمبر فرمود: آیا مردم در روز قیامت جز بر اثر نتیجه زبانشان برای چیز دیگر هم سرنگون به آتش انداخته می شوند؟(۲).

۱۲- امام باقر فرمود که پیغمبر فرموده است: دشنام دادن به مؤمن فسق و جنگ با او کفر است. غیبت کردن از او سرپیچی از فرمان خدا و مالش مانند خونش محترم است(۳).

۱۳- امام صادق از پدرانش نقل می کند که در حدیث مناهی پیغمبرمردم را از غیبت کردن و سخن چینی و گوش دادن به آن ها نهی نموده است و فرمود: هیچ سخن چینی به بهشت نمی رود و از غیبت کردن و گفت و شنودی که انسان را از خدا دور می کند نیز نهی کرده است. آن گاه فرمود: هر که غیبت مرد مسلمانی بکند روزه اش باطل و وضویش شکسته می شود و در روز قیامت بیاید در حالی که از دهن او بویی گندیده تر از مردار پخش می گردد که سبب آزار اهل قیامت می شود و اگر قبل از توبه کردن بمیرد در حالی مرده که حرام خدا را حلال دانسته است. آگاه باش هر کس غیبت برادر دینی اش را در مجلس بشنود و از او دفاع کند و غیبت را ردّ نماید خداوند هزار نوع شر را در دنیا و آخرت از او دفع می کند و اگر قدرت دفع داشته باشد ولی از وی دفاع نکند، کیفر گناهش هفتاد برابر گناه غیبت کننده خواهد بود(۴).

۱۴- امام صادق فرمود: غیبت عبارت است از گفتن چیزی درباره برادر دینی که

۱- الزّهد، ص ۹، ح ۱۷؛ عقاب الاعمال، ج ۸، ص ۱۶۴.

۲- الزّهد، ص ۱۰، ح ۱۸.

۳- الزّهد، ص ۱۱، ح ۲۳. در عقاب الاعمال، از کافی، محاسن برقی، من لا یحضره الفقیهاستخراج شده.

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۵ و ۱۹۸.

خدا آن را بر او پوشیده نگه داشته است و اگر چیزی را که در او وجود ندارد به او نسبت دهی بهتان به شمار می آید(۱).

۱۵- امام صادق فرمود: زنازاده را سه نشانه است: ۱) زشتی پیشگاهش (یعنی هم نشین با او زشت است) ۲) به زنا اشتیاق دارد ۳) ما اهل بیت را دشمن می دارد(۲).

۱۶- نَوف بِکالی گوید: در صحن مسجد کوفه خدمت امیر مؤمنان رسیدم و سلام عرض کردم. حضرت جواب سلام را فرمود. گفتم: یا امیرالمؤمنین مرا موعظه ای بفرما. فرمود: ای نوف نیکی کن تا به تو نیکی کنند، تا این که فرمود... عرض کردم بیش تر موعظه فرما. فرمود: از غیبت اجتناب کن زیرا غیبت خورش سگ های جهنم است، سپس فرمود: ای نوف کسی که به وسیله غیبت کردن گوشت مردم را بخورد، به دروغ گمان کرده که حلال زاده است(۳).

۱۷- امام رضا از پدرش نقل می کند که امام صادق فرمود: خانه ای را که در آن گوشت باشد و گوشت چربی را خدا دوست ندارد. راوی گوید: عرض کردند یابن رسول الله ما گوشت را دوست داریم و خانه ما خالی از گوشت نیست. فرمود آن طوری که شما فکر می کنید نیست، بلکه مقصود از خانه ای که گوشت دارد، خانه ای است که در آن به وسیله غیبت کردن گوشت مردم را بخورند و منظور از گوشت چربی کسی است که در راه رفتن تکبّر و خودنمایی و فخر از خود نشان دهد(۴).

۱۸- پیغمبر فرمود: غیبت، کیفرش شدیدتر از زناست. عرض کردند یا رسول الله چرا چنین است؟ فرمود: چون زناکار اگر توبه نماید خدا توبه اش را می پذیرد، امّا

۱- مجالس صدوق، ص ۲۰۳ (م ۵۴)؛ معانی الاخبار، ص ۵۷.

۲- مجالس صدوق، ص ۲۰۴ (م ۵۴)؛ خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳- مجالس صدوق، ص ۱۲۶ (م ۳۸).

۴- عیون اخبارالرضا، ص ۱۷۴؛ معانی الاخبار، ص ۱۱۰.

غیبت کننده توبه می کند ولی خداوند از او نمی پذیرد تا کسی که وی از او غیبت کرده است او را عفو نماید. در جای دیگر از جابر نقل شده که پیغمبر فرمود: از غیبت کردن بپرهیزید، زیرا غیبت از زنا هم بدتر است، و سپس دنباله حدیث بالا را بیان فرمود(۱).

۱۹- پیغمبر فرمود: آیا آگاه نکنم شما را به چیزی که از زنا هم بدتر است؟ این که شخص از برادرش بدگویی کند (با غیبت کردن)(۲).

۲۰- امام صادق فرمود: کسی را که با چشم خود ندیده ای مردکب گناه شود و در نزد تو دو نفر علیه او گواهی نداده اند، عادل است و شهادتش پذیرفته می شود، گر چه در باطن گناهکار هم باشد. هر که از او غیبت بکند از دوستی خدا خارج و از دوستان شیطان است، سپس از اجدادش نقل می کند که پیغمبر فرمود: هر که از مؤمنی اب صفاتی که در او هست غیبت کند خداوند در بهشت هرگز آن ها را یک جا جمع نمی کند و هر که از مؤمنی با صفاتی که در او نیست غیبت کند تعهدات دینی میان آنان منقطع و غیبت کننده در آتش همیشگی است و چه بدجایی است آن آتش(۳).

۲۱- پیغمبر فرمود: هر که از برادر مسلمانش غیبت کند، روزه اش باطل و وضویش شکسته می شود و اگر در آن حال بمیرد در حالی مرده که حرام خدا را حلال دانسته، تا این که فرمود: هر که برای یاری دادن و کمک رساندن به برادرش قدم بردارد، ثواب جهادگران در راه خدا را دارد و هر که در جستجوی عیب و کشف اسرار برادرش گام بردارد، نخستین گامی که برمی دارد در جهنم خواهد گذاشت و خداوند در پیش آفریدگان اسرار او را فاش می کند. هر که در انجام خواسته های خویشاوندانش قدم

۱- علل الشرایع، ص ۱۸۶.

۲- مصادقة الاخوان، ص ۴۸.

۳- مجالس صدوق، ص ۶۳ (م ۲۲).

بردارد، خداوند پاداش صد شهید به او عطا فرماید. اگر از وی چیزی بخواهند و او با جان و مال خواسته خویشاوندان را برآورنده کند برای هر قدمش چهل میلیون حسنه است و مقامش چهل میلیون درجه بالا رود، مثل این که صد سال خدا را عبادت کرده است. هر که برای فساد بین خویشاوندان و قطع رحم از آن ها قدم بردارد، خداوند بر او

غضبناك شود و در دنیا و آخرت بر او لعنت فرستد و گناهش به اندازه معصیت کسی است که قطع رحم کرده باشد(۱).

۲۲- امام صادق فرمود: غیبت این است که درباره برادرت بگویی آنچه را که خداوند پنهان نگه داشته و اگر صفاتی را که در او نیست بیان کنی، شامل فرمایش خداست «البته بهتان و گناه آشکار را متحمّل گردید(۲)»(۳).

۱۵۴ – تحریم تهمت زدن بر مرد و زن مؤمن

۱- امام رضا از پدرانش نقل می کند که پیغمبر فرمود: هر که بر مرد یا زن مؤمن تهمت بزند و یا چیزی را که در آن ها نیست به آنان نسبت دهد، در روز رستاخیز خدا او را بر تلّی از آتش بر پا نگه دارد تا از عهده آنچه گفته است بیرون آید(۴).

۱۵۵ – موارد جواز غیبت کردن

۱- داود بن س رحان گوید: از امام صادق پرسیدم: غیبت چیست؟ فرمود: غیبت عبارت است از گفتن چیزی در مورد امور دینی برادرت که وی انجام نداده و انتشار

۱- عقاب الاعمال، ص ۴۷.

۲-)فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا(، نساء / ۱۱۲.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۵.

۴- عیون اخبارالرضا، ص ۲۰۱؛ صحیفة الرضا، ص ۸ .

چیزی علیه او که خداوند آن را برایش مخفی نگه داشته و حدّی اقامه نکرده است(۱).

۲- عبدالرحمان بن سَیابه گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: غیبت آن است که درباره برادرت چیزی بگویی که خداوند بر او پوشیده است، امّا گفتن امور ظاهری

مانند صفات تندخویی، شتابزدگی و مانند آن ها، غیبت نیست، ولی گفتن چیزی که در او نیست بهتان و افترا است(۲).

۳- یحیی اَزرق گوید که امام موسی کاظم به من فرمود: هر که پشت سر مردی چیزی را که در اوست و مردم هم می دانند بگوید از او غیبت نکرده است و اگر صفاتی را ذکر کند که در اوست ولی مردم نمی دانند از او غیبت کرده و اگر صفاتی را که در او نیست بگوید به او بهتان زده است(۳).

۴- امام صادق فرمود: هرگاه فاسق فسق خود را آشکار کند، در بین مردم آبرو ندارد و غیبتش جایز است(۴).

۵- امام صادق از پدرش نقل می کند که آن حضرت فرمود: سه شخص بین مردم آبرو ندارند: ۱) بدعت گذار ۲) رهبر ستمگر ۳) فاسقی که آشکارا فسق نماید(۵).

۶- امام صادق فرمود: آیه)لا یُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلا مَنْ((۶) خداوند دوست نمی دارد بلند کردن صدا به بدی را مگر در مورد کسی که مورد ستم واقع شده باشد، فرمود: هر که گروهی را به میهمانی دعوت کند ولی از آن ها خوب پذیرایی نکند از ستمگران است و آنچه مهمانان از بدی پذیرایی او بازگو

۱- اصول کافی، ص ۴۷۲، ۴۷۳.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۲، ۴۷۳.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۲، ۴۷۳.

۴- مجالس شیخ صدوق، ص ۲۴.

۵- قرب الاسنادع ص ۸۲.

۶- نساء / ۱۴۸.

کنند، گناهی ندارد(۱).

۷- در تفسیر مجمع البیان در تفسیر آیه)لاـ یُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلاـ مَنْ((۲) امام صادق فرمود: چون بر کسی مهمان وارد شود و او از مهمان خوب پذیرایی

نکند، برای مهمان اشکال ندارد پذیرایی بد میزبان را بازگو کند، (یعنی غیبت محسوب نمی شود)(۳).

۱۵۶ – وجوب جبران کیفر غیبت کردن با حلال طلبی و استغفار

۱- امام صادق فرمود: از پیغمبر پرسیدند: کفّاره غیبت چیست؟ فرمود: از خدا طلب آمرزش کنی برای کسی که از او غیبت کرده ای هر وقت او را به یاد آری(۴).

۱۵۷ – وجوب ردّ غیبت مؤمن و تحریم شنیدن آن

۱- امام صادق از پدرانش نقل می کند که در وصیّت پیغمبربه علی است: ای علی هر که در نزد او و از برادر مسلمانی غیبت شود و او قادر بر یاری اش باشد (با ردّ غیبت) و یاری نکند، خدا در دنیا و آخرت او را خوار گرداند(۵).

۲- امام باقر فرمود: هر که نزد وی از برادر مؤمنش غیبت شود و او به یاری و کمکش بشتابد و از او دفاع کند، خداوند در دنیا و آخرت وی را یاری کند و اگر به کمک و یاری اش نشتابد و از او دفاع نکند، با این که قدرت کمک دارد، خداوند در دنیا

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲- نساء / ۱۴۸.

۳- مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۳۱.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۲ (باب غیبت).

۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۱.

و آخرت وی را حقیر و ناچیز گرداند(۱).

۳- امام صادق از پیغمبر نقل فرموده است: هر که از آبروی برادر مسلمانش دفاع کند، بی شکّ بهشت برایش واجب می شود(۲).

۴- امام صادق فرمود: هرگاه مؤمنی به مؤمن ستمدیده ای کمک کند، ارزش این کارش از روزه یک ماه و اعتکاف در مسجدالحرام برتر است. اگر توانایی کمک دارد و برادر مؤمنش را یاری دهد خدا در دنیا و آخرت او را نصرت عطا فرماید. هرگاه در حال توانایی بر یاری او، او را یاری نکند و خوارش کند، خداوند در دنیا و آخرت وی را خوار گرداند(۳).

۵- پیغمبر فرمود: هر کس غیبت برادرش را در مجلسی بشنود و از او دفاع کند و جلو غیبت از او بگیرد خدا هر نوع شرّ را در دنیا و آخرت از او دور می کند، و اگر جلو غیبت را نگیرد، بلکه خوشش هم بیاید، گناه و کیفرش به اندازه معصیت غیبت کننده خواهد بود(۴).

۶- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است: هر که آبروی برادر مسلمانش را حفظ کند بی شک بهشت برای او نوشته شود. کسی که برایش کار نیکی انجام داده اند باید جبران کند، و اگر قادر به جبران نباشد، لازم است تشکر کند، اگر این کار را هم نکند کفران نعمت کرده است(۵).

۷- ابو درداء از پدرش نقل می کند که مردی نزد پیغمر درباره شخص دیگر سخنی گفت. یکی از خویشاوندان آن شخص از او دفاع کرده و گفته آن مرد را ردّ کرد،

۱- ثواب الاعمال، ص ۸۱؛ عقاب الاعمال، ص ۲۹؛ محاسن برقی، ص ۱۰۳.

۲- ثواب الاعمال، ص ۸۰.

۳- ثواب الاعمال، ص ۸۱.

۴- عقاب الاعمال، ص ۴۷.

۵- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۸۰.

آن گاه حضرت فرمود: هر که از آبرو و حیثیّت برادرش دفاع کند مصون از آتش دوزخ خواهد بود(۱).

۸ - پیغمبر در نصیحتی به ابوذر فرمود: ای اباذر، هر که غیبتی را از برادر مؤمنی دفع کند، سزاوار آن است که خداوند او را از آتش دوزخ آزاد کند.

ای اباذر، هر که در نزد او از برادر مؤمنش غیبت شود و او توانایی یاری اش داشته باشد (با رد غیبت) او را یاری کند خدادوند در دنیا و آخرت یاری اش فرماید، و هرگاه در حال قدرت بر یاری او، کمکش نکند و خوارش دارد، خداوند در دنیا و آخرت او را خوار گرداند(۲).

۱۵۷ – باب تحریم افشای سرّ مؤمن و عیب جویی از او...

۱- عبدالله بن سِنان گوید: به امام صادق عرض کردم: آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: آری. عرض کردم: یعنی شرمگاهش؟ فرمود: آن طوری که فکر می کنی نیست، بلکه مراد از عورت، افشای سرّ مؤمن است(۳).

۲- امام صادق فرمود: هر که مطلبی را در مورد مؤمنی بازگو کند که قصدش رسوا کردنت او و ریختن آبرویش باشد تا از نظر مردم بیفتد، خداوند او را از دوستی خود به دوستی شیطان خارج کند، و شیطان هم او را نپذیرد(۴).

۳- امام صادق در مورد حدیث «عَورَةُ المُؤمن علی المُؤمنِ حَرامٌ» فرمود: مراد از عوت آن نیست که مؤمن برهنه شود و تو عضوی از او را ببینی، بلکه عورت عبارت

ص:۲۰۴

۱- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۷۱.

۲- مجالس صدوق، ص ۳۴۱.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۳؛ مجالس صدوق، ص ۱۰۴ و ۲۹۱.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۳؛ مجالس صدوق، ص ۱۰۴ و ۲۹۱.

است از این که به ضرر مؤمن سخنی بگویی و یا از او عیب جویی نمایی(۱).

۴- محمّد بن فُضَیل گوید: به امام موسی کاظم عرض کردم: قربانت گردم، درباره یکی از برادرانم خبری به من رسیده است که در شأن او نیست؛ از خود وی پرسیدم انکار کرد، در صورتی که گروه موثّقی آن را به من اطلاع داده است. فرمود: ای محمّد چشم و گوش خود را نسبت به برادرت تکذیب کن، اگر پنجاه نفر پیش تو قسم

بخورند و علیه برادرت گواهی دهند، ولی برادرت خلاف آن را بگوید گفته وی را تصدیق و آن ها را تکذیب کن و نباید چیزی را که باعث سرشکستگی اوست و به آبرو و حیثیت او لطمه می زند در مورد او منتشر کنی زیرا در این صورت از کسانی هستی که خدا درباره آنان فرموده است: «آنان که دوست دارند زشتکاری درباره مؤمنین فاش گردد برای آن ها در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است(۲)»(۳).

۵- پیغمبر فرمود: هر که کلام زشتی را بشنود و آن را انتشار دهد مانند کسی است که آن را انجام داده، و هم چنین افشاکننده کلام خوب مانند انجام دهنده آن است(۴).

۶- امام صادق به نقل از پیغمبر فرموده است: هر که عمل زشتی را منتشر کند کیفرش مانند شروع کننده آن است، و هر که مؤمنی را به سبب چیزی سرزنش کند، نمی میرد تا این که خودش مرتکب آن شود(۵).

۷- فیض بن مختار گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: وقتی که به حضرت عیسی مائده نازل شد، به حواریون گفت بدون اجازه من از مائده نخورید، ولی یکی از آن ها از مائده خورد. دیگران به عیسی گفتند یا روح الله فلانی از مائده خود. عیسی از

۱- اصول کافی، ص ۴۷۳؛ مجالس صدوق، ص ۱۰۴ و ۲۹۱.
۲-)إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ فِی الَّذِینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ فِی الدُّنْیا وَالآخِرَهِ(، نور / ۱۹.
۳- عقاب الاعتمال، ص ۲۷؛ روضه کافی، ص ۱۴۷.
۴- عقاب الاعمال، ص ۴۸.
۵- عقاب الاعمال، ص ۲۷.

وی پرسید آیا تو از مائده خورد؟ گفت: نه. حواریون گفتند چرا یا روح الله به خدا قسم وی از مائده خورد. حضرت عیسی فرمود: برادرت را تصدیق و چشمت را تکذیب کن(۱).

۱۵۹ – محترم داشتن ناموس، مال و خون مؤمن و تحریم ناسزا گفتن به او

۱- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: موسی بن جعفر درباره دو نفر که به هم دشنام دهند فرمود: آن که به دشنام آغاز کرده ظالم تر است و گناه خود و گناه رفیقش به گردن اوست تا زمانی که از مظلوم عذرخواهی نکرده است(۲).

۲- امام باقر فرمود: مردی از قبیله بنی تمیم خدمت پیغمبر آمد و عرض کرد: به من نصیحتی بفرما. از جمله نصایح آن حضرت این بود که به مردم ناسزا نگویید زیرا دشنام باعث دشمنی آنان نسبت به شما می شود(۳).

۳- امام باقر به نقل از پیغمبر فرموده است: ناسزا گفتن به مؤمن گناه است، جنگ با او کفر و خوردن گوشتش به وسیله غیبت کردن معصیت می باشد و مال او مانند خونش محترم است(۴).

۴- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است: کسی که به مؤمن ناسزا بگوید همچون کسی است که در پرتگاه هلاکت باشد(۵).

۵- امام باقر فرمود: هر که از ریختن آّبروی مردم خودداری کند، خداوند در روز

ص:۲۰۶

۱- تفسیر عیاشی، مخطوط.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۳.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۳؛ محاسن برقیع ص ۱۰۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۶۰.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۳؛ محاسن برقی، ص ۱۰۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۶۰.

۵- اصول کافی، ص ۴۷۳.

قیامت او را عفو فرماید، و هر که خشم خود را از مردم منع کند و جلو خشم خود را بگیرد خداوند عذاب روز رستاخیز را از او باز دارد(۱).

۱۶۰ – تحریم بدنام کردن مؤمن و سوء نیت داشتن به او

۱- امام باقر فرمود: مرد هرگز به کفر مرد دیگر گواهی نمی دهد (بگوید تو کافری یا ای کافر) جز این که به یکی از آن دو برگردد. اگر بر کفر کافری گواهی دهد راست

گفته است و اگر کفر را به مؤمنی نسبت دهد به خود وی باز می گردد. بنابراین از طعنه زدن به مؤمنان بپرهیزید(۲).

۲- ابو حمزه گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود: هرگاه مردی به برادر مؤمنش بگوید اف (وای بر تو) از پیوند (دینی) با او خارج می شود و چون به او بگوید تو دشمن منی یکی از آن ها کافر شوند. خداوند از مؤمنی که نسبت به برادر مؤمنش نیّت بد در دل دارد هیچ عملی را نمی پذیرد(۳).

۳- امام باقر فرمود: هر کس رودرروی مؤمن به او طعن زند (او را بدنام کند) با بدترین مرگ ها خواهد مرد و سزاوار است که به خیر و سعادت باز نگردد(۴).

۴- امام صادق فرمود: خداوند مؤمنان را از پرتو عظمت و شکوه و بزرگواری خویش آفریده و هر که آنان را طعنه زند و یا عقیده شان را مردو شمرد بی شکّ خدا را ردّ کرده و چنین از فضل الهی بی بهره می باشد و این کار یکی از دام های شیطان است(۵).

ص:۲۰۷

۱- الزهدع ص ۶، ح ۹.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۳ (باب سب مؤمن)؛ عقاب الاعمال، ص ۴۰.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۴؛ محاسن برقی، ص ۹۹.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۴؛ عقاب الاعمال، ص ۲۳.

۵- عقاب الاعمال، ص ۲۳؛ محاسن برقی، ص ۱۰۰.

۵- امام صادق فرمود که پیغمبر فرموده است: خدای عزّوجلّ مؤمن را از عظمت جلال و قدرت خویش آفریده، بنابراین هر که مؤمنی را طعن زند و یا سخن او را مردود شمرد، بی شک خدا را ردّ کرده است(۱).

۱۶۱ – تحریم لعن کردن کسی که نباید او را لعن کرد

۱- امام صادق فرمود: هنگامی که لعن از دهن گوینده اش بیرون آید، بین گوینده و لعن شونده در هوا مردّد می ماند، اگر لعن شونده را سزاوار یافت بر او فرود می آید، و الاّ

به گوینده اش باز می گردد؛ و گوینده به آن سزاوارتر است، بنابراین از لعن کردن مؤمن بپرهیزید زیرا به خودتان باز می گردد(۲).

۲- حدیث ۲ از امام باقر با اندک تفاوتی مانند حدیث ۱ نقل شده است(۳).

۱۶۲ – تهمت زدن به مؤمن و بدگمان بودن به او

۱- امام صادق فرمود: چون مؤمن به برادر دینی خود تهمت بزند ایمان در قلبش آب شود مانند نمک در آب(۴).

عمر بن یزید از پدرش نقل کرده که شنیدم امام صادق می فرمود: هر که به برادر دینی خود تهمت بزند احترام میان آن ها از بین می رود و هر که با برادر دینی خود مانند باقی مردم رفتار کند، از آنچه که خود را بدان بسته (مذهب جعفری) بیزار و برکنار شده است(۵).

۱- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۹۲.

۲- قرب الاسناد، ص ۷.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۳ (باب سب مؤمن)؛ عقاب الاعمال، ص ۳۹.

۴- اصول کافی، ص ۴۷۴.

۵- اصول کافی، ص ۴۷۴.

۳- امام صادق فرمود که علی فرموده است: گفتار و کردار برادرت را حمل بر نیکی کن، مگر این که کاری از او سر بزند که نتوانی توجیه کنی، و تا جایی که می توانی حمل بر نیکی کرد، به گفتار او سوء ظن نبَر(۱).

۱۶۳ – تحریم ترساندن مؤمن ول با نگاه

۱- امام صادق به نقل از پیغمبر فرموده است: هر که به مؤمن طوری نگاه کند که وی را بترساند، خدای عزّوجلّ در روزی که سایه ای جز سایه «رحمت» نیست، (روز قیامت) او را بترساند(۲).

۲- امام صادق فرمود: هر که مؤمنی را از سلطانی بترساند به این که از طرف سلطان به او بدی می رسد، و نرسد او در آتش دوزخ است و هر که مؤمنی را از آسیب سلطانی بترساند و اسیب به وی برسد، ترساننده با فرعون و خاندان او را در آتش دوزخ خواهد بود(۳).

۳- علی فرمود: بر هیچ مسلمانی جایز نیست که مسلمانی را بترساند(۴).

۱۶۴ – تحریم کمک به قتل و اذیّت مؤمن گر چه با کلمه ای باشد

۱- از امام صادق روایت شده است: در روز رستاخیز مردی نزد مرد دیگری می آید و او را به خونش آغشته می کند و مردم سرگرم حسابند، آن مرد می گوید با من چه کار داری و چرا مرا خون آلود کردی؟ می گوید چون تو در دنیا قاتل مرا علیه من

۱- اصول کافی، ص ۴۷۴.

۲- اصول کافی، ص ۴۷۷.

۳- اصول کافی، ص ۴۷۷.

۴- عیون اخبار الرضا، ص ۲۲۸.

یاری دادی و من کشته شدم(۱).

۲- امام صادق فرمود: هر کس با کوچک ترین کلمه ای بر ضـرر مؤمن اقـدام کند، روز قیامت خدا را دیدار کند در حالی که این جمله در پیشانی اش نوشته شده: «این شخص از رحمت ناامید است»(۲).

۳- امام باقر فرمود: روز رسـتاخیز شخصـی در عرصه محشـر حاضـر می شود و یک شیشه خون به او می دهند و می گویند این سهم تو از خون فلانی است. می گویـد پروردگارا تو می دانی که من خونی نریخته ام و مرا خودت قبض روح کرد. خـداوند می فرمایـد: آری، ولی آیـا تو از فلانی فرزنـد فلان چنین و چنان نشـنیدی پس آن را بازگو کردی تا این که گفتارت به فلانی رسید و او به سبب گفته های تو آن مرد را کشت و این نصیب تو از خون اوست(۳).

۴- این حدیث مانند حدیث ۲ است، فقط در جمله آخر «نومید از رحمت من است» قید نشده است(۴).

۱۶۵ – تحریم سخن چینی و تفرقه افکنی

۱- امـام صادق فرمود که پیغمبر به اصـحاب خود فرموده است: آیا شـما را از شـرورترینتان آگاه نکنم؟ عرض کردنـد: چرا، یا رسول الله. فرمود: آنان که برای سخن چینی قدم بردارند و بین دوستان تفرقه اندازند و از کسانی که عیب ندارند

۱- عقاب الاعمال، ص ۴۲.
۲- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۱۲۴.
۳- محاسن برقی، ص ۱۰۴.
۴- اصول کافی، ص ۴۷۷.

عیب جویی کنند(۱).

۲- امام باقر فرمود: بهشت بر دروغ پردازان و کارآگاهانی که سخن چینی کنند حرام است(۲).

۳- علی فرمود: بدترین شما کسانی اند که سخن چینی کنند و بین دوستان تفرقه اندازند و از آنان که عیب ندارند عیب جویی کنند(۳).

۴- ابوذر گوید: پیغمبر در نصیحتی به من فرموده است: ای اباذر، قتّات به بهشت نمی رود، عرض کردم: یا رسول الله، قتّات کیست؟ فرمود: سخن چین.

ای اباذر، سخن چین در آخرت از عذاب الهی آسوده نخواهد بود.

ای اباذر، هر که در دنیا، دو رو و دوزبان باشد، در آتش دوزخ دارای دو چهره خواهد بود.

ای اباذر، گفتار در انجمن ها امانت است، انتشار دادن راز برادرت خیانت است، پس از این کار دوری کن و از حضور در مجلسی که سبب لغزش گردد نیز بپرهیز(۴).

۵- علی به نقل از پیغمبر فرموده است: چهار گروهند که دوزخیان را با وجود گرفتاری های خودشان که از آب داغ دوزخ می نوشند ازار می دهند، و فریادشان به واویلا واهلاکا بلند است. بعضی از دوزخیان از بعضی می پرسند، گناه این چهار گروه چیست که ما با وجود این همه گرفتاری از عذاب آنان نیز رنج می بریم؟ یکی از آن ها در تابوتی از آتش گداخته آویزان است، دیگری احشای درونی اش بیرون آمده و آن ها را با خود می کشد، آن یکی چرک و خون از دهنش جاری است دیگری گوشت بدنش را

۱- اصول کافی، ص ۴۷۷؛ الزهد، ص ۶، ح ۸؛ من لا یحضره الفقیهع ج ۲، ص ۳۴۲.
۲- اصول کافی، ص ۴۷۷.
۳- اصول کافی، ص ۴۷۷.
۴- مجالس شیخ صدوق، ص ۳۴۱.

می خورد. از صاحب تابوت آتشین می پرسند که جرم این دور از رحمت خدا چیست که عذاب او نیز ما را با همه بدبختی و عذابی که داریم آزار می دهد؟ می گوید این دور از رحمت الهی موقع مرگ اموالی از مردم را با این که توانایی بازپرداخت نداشت بر ذمّه گرفته بود. سپس از آن که احشای درونی اش کشیده می شد پرسیدند که جرم این ملعون چیست که وضع دلخراش او بر گرفتاری و شدت آزار ما افزوده است؟ می گویند این محروم از رحمت الهی، کسی بود که ادرار به هر کجای بدنش می رسید باکی نداشت (رعایت نجاست و پاکی نمی کرد). آن گاه از آن که چرک و خون از دهنش می آید می پرسند که این یکی چه کرده و گناهش چیست که همچنان ما را با همه گرفتاری های خود به زحمت انداخته؟ می گویند: این یکی مسخرگی می کرد و از

کلمات زشت استفاده می نمود و آن ها را به کسی نسبت می داد و آن را حکایت می کرد. سپس از آن که گوشت بدنش را می خورد سؤال کردند که این دور از رحمت الهی چه کرده است که با همه عذابی که از گناهان خود داریم از عذاب وی نیز در رنجیم؟ می گوید: این محروم از رحمت الهی گوشت مردم را می خورد (با غیبت کردن) و سخن چینی می کرد(۱).

۶- پیغمبر فرمود: هر که بین دو نفر دست به سخن چینی بزند، خداوند در قبر آتشی بر او مسلّط گرداند که تا قیامت او را بسوزاند و چون از قبر بیرون آید، خدا اژده های سیاهی را بر او مسلط کند که وی را نیش زند تا این که داخل آتش دوزخ گردد(۲).

۷- امام صادق فرمود: سه نفر هرگز به بهشت نخواهند رفت: ۱) شخص بی باک در خونریزی ۲) دایم الخمر (کسی که همیشه شراب می نوشد) ۳) سخن چین(۳).

۱- عقاب الاعمال، ص ۲۸.

۲- عقاب الاعمال، ص ۴۷.

۳- عقاب الاعمال، ص ۱۲.

۸ - علی فرمود: بهشت بر سه کس حرام است: ۱) آن که به دیگران منّت گذارد ۲) آن که سخن چینی کند ۳) آن که دایم الخمر باشد(۱).

۹- امام موسی کاظم فرمود: بهشت بر سه کس حرام است: ۱) سخن چین ۲) دایم الخمر ۳) آن که ناموسش را در اختیار دیگران گذارد و او فاجر و گنهکار است(۲).

۱۰- امام صادق به منصور فرمود: از کسی که بهشت بر او حرام و جایگاهش آتش است هیچ سخنی را درباره خویشاوندان و خدمتکاران خانواده ات نپذیر، زیرا سخن چین دروغگوی آشکار و در ایجاد دشمنی بین مردم شریک شیطان است. خداوند متعال

فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید اگر فاسقی خبری برای شما آورد جستجو نمایید مبادا از روی نادانی به گروهی آسیب رسانید و سپس بر عمل خود پشیمان شوید»(۳).

البتّه بر تو واجب است، نسبت به کسی که خویشاوندی اش را از تو قطع کرده صله رحم کنی عفو نمایی، چون پاداش نیکی، صله رحم نیست، بلکه صله رحم آن است که اگر خویشاوندان از تو بریدند تو صله رحم به جا آوری(۴).

۱۱- فرمود: چهار شخص به بهشت نخواهد رفت: ۱) پیشگو ۲) منافق ۳) دایم الخمر ۴) سخن چین(۵).

۱۲- امام صادق فرمود: حضرت موسی در مناجات با پروردگارش شخصی را

۱- عقاب الاعمال، ص ۱۲.

۲- عقاب الاعمال، ص ۱۲.

۳-)يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ(، حجرات / ۶.

۴- مجالس شیخ طوسی، ص ۳۶۴.

۵- مجالس شیخ صدوق، ص ۳۴۳.

زیر سایه عرش خدا دید، عرض کرد خدایا، این شخص کیست که عرش تو بر او سایه افکنده است؟ خداوند فرمود: این کسی است که همواره به پدر و مادرش نیکی نموده و هرگز سخن چینی نکرده است(۱).

۱۳- امام صادق فرمود: خداوند تبارک و تعالی به موسی وحی کرد که یکی از یارانت علیه تو سخن چینی کرده، از او بپرهیز. عرض کرد خدایا من که او را نمی شناسم مرا آگاه کن تا او را بشناسم. خطاب شد ای موسی من سخن چینی را بر او عیب می گیرم ولی تو مرا مکلّف به سخن چینی می کنی؟ موسی گفت خدایا پس چه کنم؟ خطاب آمد: ای موسی یارانت را به گروه های ده نفری تقسیم کن و بین آن ها قرعه بکش، البته قرعه به نام گروهی اصابت خواهد کرد که سخن چین در بین آن هاست و به همین ترتیب قرعه کشی را ادامه بده تا قرعه به نام سخن چین اصابت کند. موسی گوید:

وقتی که سخن چین قرعه کشی را دید از جا برخاست و گفت: ای پیغمبر خدا، سخن چین من بودم و سوگند یاد می کنمن که هرگز آن را تکرار نکنم(۲).

۱۴- حُذَیفه گوید: از پیغمبر شنیدم که می فرمود: سخن چین هرگز داخل بهشت نمی شود(۳).

۱۶۶ – استحباب نگاه کردن به اولاد صالح پیغمبر

۱- امام رضا فرمود: نگاه کردن به فرزندان ما عبادت است. راوی گوید: عرض کردم: یابن رسول الله، نگاه کردن به فرزندان شما، یا همه اولاد پیغمبر؟ حضرت فرمود: نگاه کرن به همه فرزندان پیغمبر تا جایی که از روش رسول الله جدا نشده و

۱- مجالس شیخ صدوق، ص ۱۰۸.

۲- الزهد، مخطوط؛ صحیفة الرضا، ص ۱۱.

۳- مجالس پسر شیخ طوسی، ص ۲۴۳؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۵.

خویشتن را به گناه آلوده نکرده اند عبادت است(۱).

۱۶۷- استحباب نگاه کردن به پدر و مادر و به قرآن و به روی عالم

۱- محمّد بن علی بن حسین گوید که در روایت آمده است: نگاه کردن به کعبه، به پدر و مادر به قرآن حتی بدون قرائت، و نگاه کردن به روی عالم و به اولاد رسول الله عبادت است(۲).

۱- عیون اخبارالرضا، ص ۲۱۴.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹